

کارگر امروز

نشریه انترداشیونالیستی کارگری

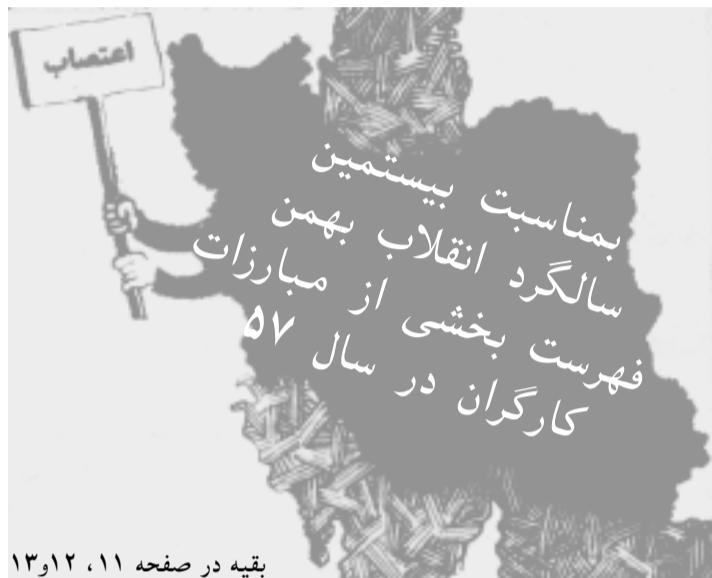
WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

رایگان
۲۰ صفحه

Vol 9, NO 62, March 1999

سال نهم، شماره ۶۲، اسفند ۱۳۷۷



بقیه در صفحه ۱۱، ۱۲ و ۱۳

بمناسبت بیستمین سالگرد انقلاب بهمن در راه انقلاب بعدی بازنگری یک انقلاب

صفحه ۱۰

بهمن شفیق

نگاهی گذرا به تجربه شوراهای کارگری در انقلاب ۵۷

قسمت دوم

صفحه ۶

مجید محمدی

مختصری درباره چگونگی و ایجاد اتحادیه سراسری شوراهای انقلابی سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (اتحادیه گسترش)

صفحه ۸

جلال مجیدی

جنبش کارگری در قرن ۲۱ و اعلامیه حقوق بشر

صفحه ۱۷

مصطفی صابر

حیوان، انسان، حیوان

صفحه ۳

مجید محمدی

احمد خسروی یکی از فعالین جنبش کارگری: مردم ایران خواهان برآندازی جمهوری اسلامی هستند

اعتراض مردم قابل خنثی کردن نیست و حرکت مردم علیه این رژیم رو به جلو است.

احمد خسروی یکی از فعالین جنبش کارگری است. وی که اخیراً به اروپا آمده درباره اوضاع سیاسی و جنبش کارگری ایران با یکی از همکاران کارگر امروز مصاحبه ای داشت که می خوانید.

در صفحه ۴

امید متانی از فعالین جنبش کارگری ایران: مردم این رژیم را نمی خواهند

امید متانی از فعالین جنبش کارگری ایران است. وی که تازگی به اروپا مهاجرت کرده است با یکی از همکاران کارگر امروز گفتگویی داشت که بخشایی از آنرا می خوانید.

در صفحه ۱۹

جنبش پرداخت فوری دستمزدهای معوقه رضا مقدم

طبقه کارگر ایران تاکنون این چنین مورد حمله لجام گشته اقتصادی سرمایه داران و دولت نبوده است. پیش از نیم میلیون کارگر بعضی حقیقت را یکسان است که دستمزدهای نگرفته اند و دستمزدهای ۴۰۰ هزار کارگر دیگر به نصف کاهش یافته است.

تعویق پرداخت دستمزد یکی از مهمترین معضلات روز کل طبقه کارگر شده است و مقاومت کارگران علیه این وضع از جمله بشکل اعتراض، تحصن، راهپیمایی و تجمع در مقابل دفاتر مرکزی کارخانجات و مراکز دولتی کشته است. این اعتراضات که در گام اول شوراهای اسلامی را عملکار یا دور زده است بدليل پراکنده و سازمان نیافتگی شر بخش نبوده است. باید اعتراضات پراکنده فعلی علیه تعویق پرداخت دستمزدها که هم اکنون چندین میلیون نفر از کارگران و خانوارهای هایشان درگیر آن هستند را با هم مرتبط کرده، سازمان داد و به یک جنبش سراسری تبدیل کرد. جنبش علیه تعویق پرداخت دستمزد، جنبش علیه مزد نسیه، جنبش پرداخت فوری دستمزدهای معوقه.

کارگران بخشایی از کارخانجات اعتراض علیه تعویق پرداخت دستمزد را به خیابان کشانده اند اما بخشایی می کوشند صدای خود را به گوش مستولان برسانند. از جمله: ما کارگران چاپخانه شرکت مخابرات مدت سه ماه است که حقوق خود را دریافت ننموده ایم. شما را به خدا صدای ما را به گوش مستولان برسانید که تا کی می شود با فروش اثاثیه منزل گذران کرد، با این تروم و گرانی روز افزون و داشتن زن و فرزند چگونه می توان جواب صاحبخانه را داد.

نظم خواهی و امید به مستولان بیهوده است. گوش مستولان کر است. تنها نیروی

مبادره متشکل کارگر به بی اعتنایی طبقاتی

رژیم اسلامی و سرمایه داران و ترتیب اثر

ندادن به اعتراضات و شکایات کارگری پایان

می دهد و گوش آنها را باز می کند. امید تنها در نیروی مبارزه خود طبقه کارگر نهفته است.

در دوران پر تحولی که ایران از سر می

گذراند ممه نیروهای طبقات دیگر در نتایج

سیاسی این هجم و شیانه اقتصادی رژیم

اسلامی به طبقه کارگر ڈینفع هستند. اینها

که قدرت طبقه کارگر را در انقلاب ۵۷ دیده

اند در این قدر طبقاتی که می کوشد غرور

و روحیه طبقاتی کارگر را خرد کند و به

قدرت معنویش برای عروج علیه بینادهای

این رژیم و سیستم ضربه بزند کمالاً ڈینفع

هستند. علت حناق گرفتن اینها در قبال عدم

پرداخت مزد کارگر و اعتراض برای این بر

حق ترین خواست بشری، همین منفعت سیاسی

و طبقاتی است. اینها مدافعان این سیستم

هستند. از نظر اینها اوضاع فعلی کارگر

طبیعی و چاره نایدیر است.

جنبش کارگری در این مبارزه تنهاست.

انتظار حمایت شدن از طرف نیروهای طبقات

دیگر توهمند است. امید به اینکه تباش شدن

زندگی میلیونها کارگر در اثر عدم پرداخت

دستمزد رکه ای از عدالت خواهی به نفع

طبقه کارگر را در آنها بیدار کند، بیهوده

است. هیچ امیدی به عدالت آنها نیست.

تنها نیروی مبارزه متشکل کارگر پرداخت

دستمزدهای معوقه و دیگر خواستهای کارگری

را تضمین می کند.

طبقه کارگر ایران در مقابل یک آزمایش

برگز فرار گرفته است. پیروزی در این آزمایش

در گرو ایجاد جنبشی متشکل و سراسری

برای پرداخت فوری دستمزدهای معوقه است.

کنگره کار کانادا در روزهای ۲۴ تا ۲۷ سپتامبر، کنفرانسی را تحت عنوان

"حقوق بشر و ضد نژادپرستی" در شهر مونترال برگزار کرد. کیته دفاع از حقوق زنان در ایران — واحد تورتو" در این کنفرانس میز کتابی داشت که چند تن از نماینده کان مسلمان خواستار برچیدن آن توسط کنفرانس شدند. درباره این موضوع و کل مباحث کنفرانس سعید پرتو از همکاران کارگر امروز با حسن یوسف از برگزارکنندگان این کنفرانس گفتگویی داشت که در زیر می خوانید.

می توانید مقداری در مورد این کنفرانس مقداری توضیح دهید.

این اولین کنفرانس سراسری کنگره کار کانادا بود که در آن به خصوص کارگران بومی و کارگران رنگین پوست از اتحادیه های **(ب)** متفاوت، از سراسر کشور گردیده آمده بودند تا در مورد راسیسم و حقوق بشر صحبت کنند تا به یک استراتژی برای حل مشکلات و مسائلی که روزمره در رابطه با این مسئله مواجه هستند، دست پیدا کنند.

بقیه در صفحه ۱۶

گفتگوی نشریه آدینه با زنان کارگر داروپخش و البرز

مرکز خبری کارگر امروز:

نشریه آدینه چاپ تهران در شماره ۱۲۷

خرداد ۷۷ به مناسبت اول ماه مه

میتواند مرا اخراج کند که شورا موافق باشد

و اگر شورا پشت من باشد من اخراج نمی

شوم. برای این است که مدیریت خلیلی وقت

ها همین شورا را هم نمی خواهد. بعضی از

کارخانه ها شورا ندارند ولی اگر کارگران

باخواندن شورا تشکیل دهند میتوانند امضاء

جمع کنند و بینند به وزارت کار برای پیگیری.

— منتہا اعضای شورا چه تک تک و

کارگر جمهوری اسلامی به دولت هشدار

داد که ۳۹۲ "۴۰۰ واحد توکلیت نتوانسته اند

حقوق ۴۰۰ هزار کارگر را به موقع پرداخت

کنند". وی همچنین گفت "۴۰۰ هزار

کارگر دیگر دریافتی هایشان ۴۰ تا ۵۰

درصد کمتر از مبالغی است که پیمانکاران

درباریت میکنند". احمدی رئیس هیات

مدیره کانون شوراهای اسلامی تهران در

بهمن ماه اعلام کرد که "نتها در تهران ۸

تا ۹ کارخانه دستمزد کارگران خود را از

۳ ماه تا ۱۱ ماه پرداخت نکرده اند". در

اوائل آذر یکی از مستولان شهرک صنعتی

کاوه اعلام کرد: "۱۸۰ واحد توکلیت در

این شهرب غیر فعال اند. از ۲۳۵ واحد

فعال، ۱۰۰ واحد وضعیت مطابق ندارند

و در آستانه تعطیلی قرار گرفته اند". در

اواخر مهر ماه ۷۷ مدیر کل کار و امور

اجتماعی فارس اعلام کرد که "وضع استغفال

استان بسیار نگران کننده است. ۷ واحد

تولیدی در خطر ورشکستگی قرار دارند و

نزدیک به ۸ هزار نفر بیکار خواهند شد".

بهانه بسیاری از کارفرمایان "کبود نقدیگری" و حقوقی نصب ام میشود. بیشتر درگیری ها

همین جو پیش می آید.

— تامین اجتماعی به هیچ عنوان زیر بار

بازنیستگی با ۲۵ یا ۳۰ روز حقوق نمی

رفت. یعنی سختی کار شامل مان نشود. این

بود که ۲۱ مهر ماه اعلام کرد دولت

اسلامی قادر نیست دستمزد کارکنان خود

در مهرماه را پرداخت کند. وی همین منبع

اعتراف کرد که دولت در شهریور ماه نیز

در پرداخت حقوق آموزگاران و بخش هایی

از بازنیستگان با دشواری روپرورد

است. در لایحه ای که برای تامین کسر

بودجه در ۱۹۰۰ میلیارد تومانی دولت به

تصویب مجلس رسید، راههایی چون چاپ

اسکناس، فروش خدمت سریازی، پیش

فروش سفر حج در دستور قرار گرفت.

علاءو بر این دولت اسلامی مبالغ هنگفتی

از اعتبارات وزارت صنایع و همچنین

معدن را قطع کرده است که عملاً به

حرانهای شدید حکومت جمهوری اسلامی

کننده یافته است. کارگران همچون معمول

قربانیان مستقیم بحران اقتصادی و رکود

سرمایه اند.

— سپریست بخش قول داد اگر تولید را

بالا ببریم بهره وری میدهند، گروه میدهند.

میتوانند برای میانگین توکلید یکی از سریعترین

کارگران در نظر گرفته شد. بعد از شش ماه

هنوز بهره وری ها را نداده بودند، اما معیار

باشد از شش ماه است. البته علت دارد که آقایان

چنین جرئتی نشان نمی دهند. ترس آنها از

آوردن. ما بی آنکه فرست سر خارندن داشته

باشیم کار میکنیم.

— این فشار کار بالا ماند. متصل (ب)

محیط کاری داریم که امنیت مان را تضمین

کند. مثلاً چرا ساعت های کار را با وضعیت

ما تغییر ندهند. بجه های ما مدرس میرونند.

چه اشکالی دارد که در شغل هایی که

کارمزدی اند و نه روزمندی ماجراه دارند

باشیم دیرتر سر کار حاضر باشیم. نه آن که

نه جسمی. هنوز خانه نیامده باید به فکر غذا

و تر و خشک کردن بجه ها باشم. خورد و

خوارک درست و حسابی هم ندارم. مasha'alleh

آنها بی کویند همه اش بیست سال

بار بحران اقتصادی بر دوش کارگران خرد میشود

* محجوب: ۴۰۰ هزار کارگر دستمزد دریافت نکرده اند

* رئیس برنامه و بودجه: دولت از پرداخت حقوق ها ناتوان است

است مخالفت کرد. فویر باخ بجای ایده و روح، انسان را در مرکز توجه خود قرار داد. به عبارت بیگانگی انسان" برخلاف نظر فویر باخ "از خود بیگانگی انسان" برخلاف نظر فویر باخ روز "از خود بیگانگی انسان" به نظر فویر باخ بجای ایده و روح بیگانگی انسان را در مرکز توجه خود بیگانگی انسان" به نظر فویر باخ روز "از خود بیگانگی انسان" در این است که این خدا نیست که مذهب را آفریده بلکه بر عکس این انسان است که خدا و مذهب را آفریده است. این انسان است که خود بیگانگی انسان" برخلاف نظر فویر باخ روز "از خود بیگانگی انسان" در این است که مذهب را آفریده میکند.

ما را برای اولین بار "از خود بیگانگی انسان" را از هاله رازآلود آن بیرون آرد و پای آن را بر زندگی واقعی پسر در جامعه امروز گذاشت. اگر در تشوری فویر باخ انسان ایندیپولیوال و نظرات و دیدگاههای او مرکز توجه است در نزد مارکس هسته اصلی "از خود بیگانگی انسان" برخلاف نظر فویر باخ روز "از خود بیگانگی انسان" در این است که جامعه و کار و تولید انسان اجتماعی است.

برخلاف آنtrapولیژی اوانیستی بازیگر مارکس پایه نظر خود را هسته اجتماعی ایده و روح بیگانگی انسان" برخلاف نظر فویر باخ انسان ایندیپولیوال و نظرات و دیدگاههای او مرکز توجه است در نزد مارکس هسته اصلی "از خود بیگانگی انسان" برخلاف نظر فویر باخ روز "از خود بیگانگی انسان" در این است که جامعه و کار و تولید انسان اجتماعی است.

آن بر انسان مجرد استوار است مارکس پایه نظر خود را هسته اجتماعی ایده و روح بیگانگی انسان" برخلاف نظر فویر باخ انسان ایندیپولیوال و نظرات و دیدگاههای او مرکز توجه است در نزد مارکس هسته اصلی "از خود بیگانگی انسان" برخلاف نظر فویر باخ روز "از خود بیگانگی انسان" در این است که جامعه و کار و تولید انسان اجتماعی است.

"مذهب انسان را نمی آفریند. انسان مذهب را می آفریند. اما انسان موجود انتزاعی ای نیست که در خارج از جهان واقعی منزل کرده باشد. . . مذهب تنها خوشبینی پنداش باز است که انسان سادام که بدور خویش نمیگردد بگرد آن می خرد. . . و وظیفه فلسفه ای که در خدمت تاریخ است در وهله اول این است که پس از آنکه پیکر مقدس از خود بیگانگی انسان" نباید در حیطه و چهارچوب مذهب بماند. این نقد باید به طبق و شرایط و شرایط اجتماعی ای که موجب پیدا شد و باز تولید مذهب میشود ارتقاء پیدا کند.

"مذهب انسان را نمی آفریند. اما انسان موجود انتزاعی ای نیست که در خارج از جهان واقعی منزل کرده باشد. . . مذهب تنها خوشبینی پنداش باز است که انسان سادام که بدور خویش نمیگردد بگرد آن می خرد. . . و وظیفه فلسفه ای که در خدمت تاریخ است در وهله اول این است که پس از آنکه پیکر مقدس از خود بیگانگی انسان" نباید در حیطه و چهارچوب مذهب بماند. این نقد باید به طبق و شرایط و شرایط اجتماعی ای که موجب پیدا شد و باز تولید مذهب میشود ارتقاء پیدا کند.

"روح پاک و جسم خبیث" هکل در مورد مارکس ایندیپولیوال و نظر فویر باخ انسان شد، پیکر نامقید از خود بیگانگی را برخنی کرد. بدین ترتیب، انتقاد آنسان به صورت انتقاد زمین در میاید. انتقاد مذهب بصورت انتقاد حقوق، الهیات، سیاست و . . . در میاید." (مارکس)

نقد فلسفه حقوق هکل

با همین متد مارکس علاوه بر نقد به تر

"روح پاک و جسم خبیث" هکل در مورد مارکس ایندیپولیوال و نظر فویر باخ انسان شد، پیکر نامقید از خود بیگانگی را برخنی کرد. بدین ترتیب، انتقاد آنسان به صورت انتقاد زمین در میاید. انتقاد مذهب بصورت انتقاد حقوق، الهیات، سیاست و . . . در میاید." (مارکس)

نقد فلسفه حقوق هکل

با همین ایده و روح بیگانگی انسان" در جامعه کارگر میکند و از طرف دیگر

شهر وند جامعه ای است که دولت از

است. به نظر مارکس پارادوکس واقعی در

جامعه امروز در این است که انسان از

یکطرف ظاهری به عنوان انسان خصوصی در

جامعه سیویل زندگی میکند و از طرف دیگر

شهر وند جامعه ای است که دولت از

است و تمایلات خصوصی او را منکوب

میکند.

مارکس ریشه اصلی "از خود بیگانگی

انسان" در جامعه کارگر میکند و کارگران

مالکیت خصوصی و کار مزدی می بینند.

اما میانیسم مارکس بر این اساس استوار است

که کار مزدی امری طبیعی، ازلى و ابدی و

لایق انسان نیست. برخلاف این است که انسان از

سیاست مارکس کارگر را نه به عنوان جزیی

از وسائل و باری که بمشابه انسان

نگاه میکند و باید انسان میتواند

موجود برس و از خود است را مورد

قرار میدهد. اگر انسان با تولد تاریخ ایشان به

مشابه انسان بر تاریخ ماقبل خود قرمز

کشید جامعه سرمایه داری دویاره او را به

حالت نیاکانش در آورده و از خود (انسان) بیگانگانش کرده است.

مارکس اشکال این از خود بیگانگی را

مورد برسی قرار داده و با تحلیل داهیانه

رابطه آن با مناسبات تولیدی و اجتماعی

جاری را نشان میدهد:

شكل اول:

کارگر به میزانی که کالاهای بیشتری تولید میکند خود به مثابه کالا ارزانتر میشود. کارگر در هین تولید فقط کالا تولید نمیکند بلکه خود را به عنوان نیروی کار نیز باز تولید میکند. محصول تولید کارگر در مقابل او به عنوان یک

بار بحران اقتصادی بر دوش</h2

بقیه از صفحه ۱

احمد خسروی یکی از فعالین جنبش کارگری: مردم ایران خواهان برآندازی جمهوری اسلامی هستند

تصویر اوضاع سیاسی ایران چگونه است؟

کارگری بالا گرفته، در محالف و مجامع کارگری میشنویم که کارگران میگویند شورای اسلامی نمیتواند جواب کارگر باشد و باید دنبال تشکلهای خودش برود و متکی به خودش باشد. در گفتگوی بین کارگران و پیشوaran آنها صحبت از مجمع عمومی کارگران است و آن مطرح است و بنظر من تنها راه علاج اینست که کارگران مجامع عمومی خود را بپیشنهاد و در دل همین اوضاع و احوال و در متن این مجامع عمومی بتوانند حرف خود را بزنند و نمایندگان خود را انتخاب کنند. با توجه به تجاری که در دست هست و تجاری که باید کسب کنیم، باید مسائل کارگری را با جریانات واقعی و نمایندگان واقعی طبقه کارگر تبدل نظر کنیم و کارگران را هدایت کنیم.

همانطور که خودت هم اشاره کردی در چند ماه گذشته حقوقهای تعداد زیادی از کارگران در کارخانه های مختلف پرداخت شده، دلیل این پرداخت نکردن حقوق کارگران و بهانه های آن چه بوده؟

دولت و کارفرما موظف است که بر اساس قوانین موجود هر دو هفته یا یکماه حقوق پرسنل خود را پرداخت کند. اما در این پنج شش ماه گذشته دولت با توجه به همان سیاستهای ضد کارگری اش میگفت که با کمبود بودجه و نقدینگی مواجه شده اند و بخشی از کارخانجات با کمبود مواد اولیه و عدم امکانات و تجهیزات روپرور هستند، و یکی دیگر از بهانه های مدیریت این بود که با پائین آمدن قیمت نفت و پائین آمدن تولید و تحریم اقتصادی و غیره در شرایط ناهنجار اقتصادی هستیم و پول نداریم. با این بهانه بود که در تعیین افتاده و اکنون هم در جاهای ادامه دارد. این بهانه ها را دولت و کارفرماها برای عدم پرداخت حقوق کارگران میگفتند، اما کارگران اعتقاد داشتند که این بهانه ها و بحران اقتصادی و امثال آن هیچ ربطی به دستمزد کارگر ندارد و کارگران میدیدند که امروز خیلی ارگانهای دولتی و سرکوبگر هستند که نه تنها حقوقشان سر وقت پرداخت میشود بلکه اضافه هم میشود و بطور طبیعی این بهانه ها برای کارگران قابل قبول نبود و نیست. بهین دلیل کارگران شروع کردند به اعتراض عليه این وضع تا جایی که بعضی از واحدهای صنعتی که مورد تهدید بود و میرفت که خوبانه شود و در آن بکارسازی صورت گیرد، اعتراض کارگران باعث شد که اینطور نشود و چند کارخانه بود که با یک مقداری سرمایه گذاری و ایجاد امکانات شروع کردند به کار کردن و بخشی از حقوق های معوقه را نیز پرداخت کردند.

در جاهایی که تولید وجود داشت و کارخانه کار میکرد چرا حقوق کارگران را نمیدادند و کلا عکس العمل و اعتراض کارگران به این پرداخت نکردن حقوقها چه بود؟

پیرو همین سیاست دولتی که امروز نمیتوانند امکانات و مواد را تهیه کنند آمدند از پرداخت حقوق هم سر باز زدند که خود این در صنایع و جامعه ناهنجاری بوجود می آورد و قضیه پیچیده میشود. اما برای کارگران هم این سوال وجود داشت که کارخانه ای که تولید میکند چرا حقوق را پرداخت نمیکند و این به چند پخش تقسیم میشود. در بخشی از کارخانه ها مدیریت دست به دزدی و اختلاس کلان میزد و بخش زیادی از حقوق کارگران به تاراج میرفت. و طرف دیگر این بود که مدیریت تصمیم میگرفت که کارخانجات شورای اسلامی و انجمن اسلامی نماینده او نیستند، هر جا جمعی خودجوش از کارگران بوجود میاید می بینیم که کارگران دنبال آن میروند که نماینده واقعی خودشان را پیدا کنند. با توجه به اینکه اکنون فضا یک مقداری به اولین اعترافات را در

جامعه راه انداختند و فضا را برای اعتراضات دیگران بوجود آورند، کارگران بودند. در نهایت باید بگوییم که امروز کارگران از یک طرف تحت فشار شدید اقتصادی هستند و از طرف دیگر وضع عمومی اعتراض آنان در کشور بسیار بالند است و تمام سیاستهای هیئت حاکمه را رد میکنند. طبقه کارگر و بخصوص کارگران پیشوی در فکر پیش بردن اعتراضات کوینده تری هستند و این کارگران امروز تصور میکنند که طبقه کارگر باید نقش کلیدی را در برخورد به هیئت حاکمه پیدا کند. کارگر میرود که صفو واقعی خود را بشناسد و سخنگویان و شعاری علیه پیدا کند و به نهادها و تشکلهای واقعی خود دست پیدا کند و البته در این راستا با تهدیدهای ارگانهای رژیم و عوامل و مهره های آن در محیط های کار نیز مواجه میشود و خواهد شد.

مسایل و مشکلات اصلی اموزه کارگران چیست؟

مهمنترین مشکل امروز کارگران فشار اقتصادی است. دستمزد پاتین، بیکاری، و کارگران را میفسارند. یک مساله دیگر مشکل نداشتن تشکل واقعی خود کارگران است. کلا کارگر در این سیستم بعنوان انسان درجه دوم برای رژیم شناخته میشود. در کنار مشکلات جدی اقتصادی کارگران، خیلی ها را می بینیم که از همه چیز برخوردارند. کارگر با این مواجه است که فرزند جوانش سرخورده برمیگردد خانه و همسرش از هر نظر مورد تعیض است، و خود او در محیط کار با بی توجهی و بی اعتنایی مدیریت و کارفرما به خواسته ها و رفاهش روبرو میشود، این است که زندگی کارگران در این جامعه و این نظام با خطر و تلاطم مواجه است. بنابراین کارگران به کل سیستم جامعه متعارض هستند و با توجه به کلیه این مشکلات مجبور هستند که علاوه بر دفاع از حریم کار خود از مشکلات دیگر در جامعه نیز حرف بزنند. کارگران کشتار و تبعیض را میگردند و چه عکس العملي داشتند؟

مردم در مورد جنایات رژیم اساساً از روز نخست تا امروز اینرا میدانند که هرگاه این رژیم خواسته اعدام و سنگسار کرده، زندانی و شکنجه کرده، و هرگاه خواسته که تور کند، کرده است. مردم، مردمی نیستند که خواب باشند و ندانند که بسروشان آمد و چه تعداد عظیمی از آنان به دستور سران این رژیم به نیستی و نابودی کشانده شدند. بعد از روی کار زندگانی اینها باعث شده است که خود را در میان اینها میگردند. دخالت در امور زندگی خود را هستند و با رد هر دو جناح و با رد تمام جریانات و کسانی که به ساز اینها میرقصند، با اشکال مختلف دارند مبارزه میکنند. اعتراض مردم قابل خشی کردن نیست و حرکت میدهدند.

در مورد ترورهای اخیر مردم چه فکر میکنند و چه عکس العملي داشتند؟

مردم در مورد جنایات رژیم اساساً از مردمی نیستند که میگردند این روزی و خود را در برابر اینها میخواهند، تشكیل های کارگری، گرانی و فشار اقتصادی و اجتماعی شدید باعث شده که خطبه های نماز جمعه و بحث گفتگوی تمدنها و امثال اینها برای مردم قابل قبول نباشد. مردم خواسته های مردم را بددهد. مردم دارای خواسته های عدیده ای هستند که دنبال حل آن هستند و نه خاتمه و نه خامنه ای را جریاناتی نمی بینند که این مشکلات را رفع و رجوع کنند. توهد مردم آزادی میخواهند، رفاه میخواهند، تشكیل میخواهند، قالبی است برای رفع و رجوع کردن مشکلاتی که خود جمهوری اسلامی با آن مواجه شده است که در واقع هر کدام راه حل خود را در برابر اعتراضات مردم میدهدند. خاتمه که در دوم خداد سر کار آمد امروز با این مشکل مواجه است که چگونه جواب خواسته های مردم را بگرداند. آنچه که در بین جناهای حکومت جریان دارد هیچ ربطی به خواسته های مردم ندارد بلکه قالبی است برای رفع و رجوع کردن مشکلاتی که خود جمهوری اسلامی با آن مواجه شده است که در واقع هر کدام راه حل مشکلاتی که خود جمهوری اسلامی با آن مواجه شده است که در این روزی پس گرفته اند. مردم در یک شرایط فلاکتیار امروز در نظام حاکم، برای ترمیم ساختار سیاسی که کاملاً از نظر مردم نامشروع تلقی میشود، جنگ جناهها صورت گرفته است. آنچه که در بین جناهای حکومت گرفته است، دارد هیچ ربطی به خواسته های مردم ندارد بلکه قالبی است برای رفع و رجوع کردن مشکلاتی که خود جمهوری اسلامی با آن مواجه شده است که در این روزی پس گرفته اند. میخواهند، زندانیان سیاسی، سرکوب مردم، جلوگیری از ایجاد تشكیل های کارگری، گرانی و فشار اقتصادی و اجتماعی شدید باعث شده که خطبه های نماز جمعه و بحث گفتگوی تمدنها و امثال اینها برای مردم قابل قبول نباشد. مردم خواسته های مردم را بددهد. مردم دارای خواسته های عدیده ای هستند که دنبال حل آن هستند و نه خاتمه و نه خامنه ای را جریاناتی نمی بینند که این مشکلات را رفع و رجوع کنند. توهد مردم آزادی میخواهند، تشكیل میخواهند، قالبی است برای رفع و رجوع کردن مشکلاتی که خود جمهوری اسلامی با آن مواجه شده است که در این روزی پس گرفته اند. میخواهند، زندانیان سیاسی، سرکوب مردم، جلوگیری از ایجاد تشكیل های کارگری، گرانی و فشار اقتصادی و اجتماعی شدید باعث شده که خطبه های نماز جمعه و بحث گفتگوی تمدنها و امثال اینها برای مردم قابل قبول نباشد. مردم خواسته های مردم را بددهد. مردم دارای خواسته های عدیده ای هستند که دنبال حل آن هستند و نه خاتمه و نه خامنه ای را جریاناتی نمی بینند که این مشکلات را رفع و رجوع کنند. توهد مردم آزادی میخواهند، زندانیان سیاسی، سرکوب مردم، جلوگیری از ایجاد تشكیل های کارگری، گرانی و فشار اقتصادی و اجتماعی شدید باعث شده که خطبه های نماز جمعه و بحث گفتگوی تمدنها و امثال اینها برای مردم قابل قبول نباشد. مردم خواسته های مردم را بددهد. مردم دارای خواسته های عدیده ای هستند که دنبال حل آن هستند و نه خاتمه و نه خامنه ای را جریاناتی نمی بینند که این مشکلات را رفع و رجوع کنند. توهد مردم آزادی میخواهند، زندانیان سیاسی، سرکوب مردم، جلوگیری از ایجاد تشكیل های کارگری، گرانی و فشار اقتصادی و اجتماعی شدید باعث شده که خطبه های نماز جمعه و بحث گفتگوی تمدنها و امثال اینها برای مردم قابل قبول نباشد. مردم خواسته های مردم را بددهد. مردم دارای خواسته های عدیده ای هستند که دنبال حل آن هستند و نه خاتمه و نه خامنه ای را جریاناتی نمی بینند که این مشکلات را رفع و رجوع کنند. توهد مردم آزادی میخواهند، زندانیان سیاسی، سرکوب مردم، جلوگیری از ایجاد تشكیل های کارگری، گرانی و فشار اقتصادی و اجتماعی شدید باعث شده که خطبه های نماز جمعه و بحث گفتگوی تمدنها و امثال اینها برای مردم قابل قبول نباشد. مردم خواسته های مردم را بددهد. مردم دارای خواسته های عدیده ای هستند که دنبال حل آن هستند و نه خاتمه و نه خامنه ای را جریاناتی نمی بینند که این مشکلات را رفع و رجوع کنند. توهد مردم آزادی میخواهند، زندانیان سیاسی، سرکوب مردم، جلوگیری از ایجاد تشكیل های کارگری، گرانی و فشار اقتصادی و اجتماعی شدید باعث شده که خطبه های نماز جمعه و بحث گفتگوی تمدنها و امثال اینها برای مردم قابل قبول نباشد. مردم خواسته های مردم را بددهد. مردم دارای خواسته های عدیده ای هستند که دنبال حل آن هستند و نه خاتمه و نه خامنه ای را جریاناتی نمی بینند که این مشکلات را رفع و رجوع کنند. توهد مردم آزادی میخواهند، زندانیان سیاسی، سرکوب مردم، جلوگیری از ایجاد تشكیل های کارگری، گرانی و فشار اقتصادی و اجتماعی شدید باعث شده که خطبه های نماز جمعه و بحث گفتگوی تمدنها و امثال اینها برای مردم قابل قبول نباشد. مردم خواسته های مردم را بددهد. مردم دارای خواسته های عدیده ای هستند که دنبال حل آن هستند و نه خاتمه و نه خامنه ای را جریاناتی نمی بینند که این مشکلات را رفع و رجوع کنند. توهد مردم آزادی میخواهند، زندانیان سیاسی، سرکوب مردم، جلوگیری از ایجاد تشكیل های کارگری، گرانی و فشار اقتصادی و اجتماعی شدید باعث شده که خطبه های نماز جمعه و بحث گفتگوی تمدنها و امثال اینها برای مردم قابل قبول نباشد. مردم خواسته های مردم را بددهد. مردم دارای خواسته های عدیده ای هستند که دنبال حل آن هستند و نه خاتمه و نه خامنه ای را جریاناتی نمی بینند که این مشکلات را رفع و رجوع کنند. توهد مردم آزادی میخواهند، زندانیان سیاسی، سرکوب مردم، جلوگیری از ایجاد تشكیل های کارگری، گرانی و فشار اقتصادی و اجتماعی شدید باعث شده که خطبه های نماز جمعه و بحث گفتگوی تمدنها و امثال اینها برای مردم قابل قبول نباشد. مردم خواسته های مردم را بددهد. مردم دارای خواسته های عدیده ای هستند که دنبال حل آن هستند و نه خاتمه و نه خامنه ای را جریاناتی نمی بینند که این مشکلات را رفع و رجوع کنند. توهد مردم آزادی میخواهند، زندانیان سیاسی، سرکوب مردم، جلوگیری از ایجاد تشكیل های کارگری، گرانی و فشار اقتصادی و اجتماعی شدید باعث شده که خطبه های نماز جمعه و بحث گفتگوی تمدنها و امثال اینها برای مردم قابل قبول نباشد. مردم خواسته های مردم را بددهد. مردم دارای خواسته های عدیده ای هستند که دنبال حل آن هستند و نه خاتمه و نه خامنه ای را جریاناتی نمی بینند که این مشکلات را رفع و رجوع کنند. توهد مردم آزادی میخواهند، زندانیان سیاسی، سرکوب مردم، جلوگیری از ایجاد تشكیل های کارگری، گرانی و فشار اقتصادی و اجتماعی شدید باعث شده که خطبه های نماز جمعه و بحث گفتگوی تمدنها و امثال اینها برای مردم قابل قبول نباشد. مردم خواسته های مردم را بددهد. مردم دارای خواسته های عدیده ای هستند که دنبال حل آن هستند و نه خاتمه و نه خامنه ای را جریاناتی نمی بینند که این مشکلات را رفع و رجوع کنند. توهد مردم آزادی میخواهند، زندانیان سیاسی، سرکوب مردم، جلوگیری از ایجاد تشكیل های کارگری، گرانی و فشار اقتصادی و اجتماعی شدید باعث شده که خطبه های نماز جمعه و بحث گفتگوی تمدنها و امثال اینها برای مردم قابل قبول نباشد. مردم خواسته های مردم را بددهد. مردم دارای خواسته های عدیده ای هستند که دنبال حل آن هستند و نه خاتمه و نه خامنه ای را جریاناتی نمی بینند که این مشکلات را رفع و رجوع کنند. توهد مردم آزادی میخواهند، زندانیان سیاسی، سرکوب مردم، جلوگیری از ایجاد تشكیل های کارگری، گرانی و فشار اقتصادی و اجتماعی شدید باعث شده که خطبه های نماز جمعه و بحث گفتگوی تمدنها و امثال اینها برای مردم قابل قبول نباشد. مردم خواسته های مردم را بددهد. مردم دارای خواسته های عدیده ای هستند که دنبال حل آن هستند و نه خاتمه و نه خامنه ای را جریاناتی نمی بینند که این مشکلات را رفع و رجوع کنند. توهد مردم آزادی میخواهند، زندانیان سیاسی، سرکوب مردم، جلوگیری از ایجاد تشكیل های کارگری، گرانی و فشار اقتصادی و اجتماعی شدید باعث شده که خطبه های نماز جمعه و بحث گفتگوی تمدنها و امثال اینها برای مردم قابل قبول نباشد. مردم خواسته های مردم را بددهد. مردم دارای خواسته های عدیده ای هستند که دنبال حل آن هستند و نه خاتمه و نه خامنه ای را جریاناتی نمی بینند که این مشکلات را رفع و رجوع کنند. توهد مردم آزادی میخواهند، زندانیان سیاسی، سرکوب مردم، جلوگیری از ایجاد تشكیل های کارگری، گرانی و فشار اقتصادی و اجتماعی شدید باعث شده که خطبه های نماز جمعه و بحث گفتگوی تمدنها و امثال اینها برای مردم قابل قبول نباشد. مردم خواسته های مردم را بددهد. مردم دارای خواسته های عدیده ای هستند که دنبال حل آن هستند و نه خاتمه و نه خامنه ای را جریاناتی نمی بینند که این مشکلات را رفع و رجوع کنند. توهد مردم آزادی میخواهند، زندانیان سیاسی، سرکوب مردم، جلوگیری از ایجاد تشكیل های کارگری، گرانی و فشار اقتصادی و اجتماعی شدید باعث شده که خطبه های نماز جمعه و بحث گفتگوی تمدنها و امثال اینها برای مردم قابل قبول نباشد. مردم خواسته های مردم را بددهد. مردم دارای خواسته های عدیده ای هستند که دنبال حل آن هستند و نه خاتمه و نه خامنه ای را جریاناتی نمی بینند که این مشکلات را رفع و رجوع کنند. توهد مردم آزادی میخواهند، زندانیان سیاسی، سرکوب مردم، جلوگیری از ایجاد تشكیل های کارگری، گرانی و فشار اقتصادی و اجتماعی شدید باعث شده که خطبه های نماز جمعه و بحث گفتگوی تمدنها و امثال اینها برای مردم قابل قبول نباشد. مردم خواسته های مردم را بددهد. مردم دارای خواسته های عدیده ای هستند که دنبال حل آن هستند و نه خاتمه و نه خامنه ای را جریاناتی نمی بینند که این مشکلات را رفع و رجوع کنند. توهد مردم آزادی میخواهند، زندانیان سیاسی، سرکوب مردم، جلوگیری از ایجاد تشكیل های کارگری، گرانی و فشار اقتصادی و اجتماعی ش

بمناسبت بیستمین سال اعتضابات کارگران نفت جنوب بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول

ادارات، کنترل خریدها، سفارشات و نگهداری اینبارهای قطعات یدکی که قبلاً در دست آمریکایی ها بود، می کردند، که اولين درگیری در اين زمينه ها، بين شورای مرکوري صنعت نفت و رژيم جديد، در مورد تبعه هاي الماس منه هاي خفاري بود، که علي رغم همکاری خوب شوراهای صنعت نفت و شورای بنادر خرمسه و آبادان، احمد مدنی که در آلمان، فرمانده نیروی دریایی و استاندار منتصب خوزستان بود، موافق شد، منه ها را از اینبارها خارج کرده، با ذور اسلحه به دوسي برای شرکت های آمریکایی بفرستند. او می گفت، که اراده های غافل

جمهوری اسلامی آمد تا جنایات نیمه کاره رژیم شاه را از
حمله علیه طبقه کارگر و فعالین و رهبران آذرا تکمیل کند.
سیاری از رهبران و فعالین اعتصابات کارگری دوران انقلاب
توسط رژیم اسلامی کشته شدند. کارگر امروز مطالبی درباره
نیابت، نحوه دستگیری، شکنجه و کشته شدن فعالین جنبش
کارگری توسط رژیم اسلامی را درج خواهد کرد. بعلاوه می
توشد درباره مبارزات، اعتصابات و تشكل های کارگری در
بران اطلاعاتی جمع آوری و درج کند. هرگونه اطلاعاتی در
ین زمینه دارید را برای درج در کارگر امروز ارسال کنید.
در این شماره یکی از کارکنان سابق شرکت نفت که خواسته است
امش محفوظ باشد توسط جمیشید کارگر مطلبی برای کارگر امروز
رسال کرده است که می خوانید. لازم به یاد آوری است که علی
مجم از رهبران شورای پالایشگاه آبادان نیز در سال ۶۱ توسط
جمهوری اسلامی دستگیر و اعدام شد.

وائل سال ۵۷ شروع شد.

بروهای متفرق و پیشرو و عناصر ملی در جهت کنترل حرکات اعتراضی آتی آغاز
ه تشكیل جلسات مخفی نمودند. نظمه های اصلی حرکت های سیاسی، که به ترتیج
هی بر اعتصابات صنعت نفت را بدست گرفت، در دو نقطه بسته شد.
۱) تاسیسات نفتی ری، که شامل پالایشگاه تهران، مرکز پخش و خطوط لوله ری،
برک اینبارها و ادارات بود. در این تاسیسات عناصر متفرق با تشكیل جلسات بی در
ی و فراخوان به تمامی کارگران، تکنیسین ها و مهندسین جهت متعدد شدن، از
راکندگی نیروها مانع می نمودند، که نتیجه آن تشكیل کیته اعتصاب با شرکت
سام کروههای شغلی و همچین تبدیل سریع خواست های صنفی و رفاهی، به مطالبات
سیاسی بود. یکی از وزیرگهای و یا شاید بتوان گفت، امتیازات تاسیسات نفتی ری و
هاد؛ حادثه بدن؛ پخش عظمی از سینا آن بود. (حمد تاسیسات نفت د تهران

هزار، بیوی بیوی بیش میانی از پرسنل ای بود. آپونی میانیست میانی بر همین نظریه ای جوانتر از جنوب بودا، و همین سطح نوع رایاطه ای که بین بخش تحصیل کرده مهندسین و تکنیسین ها با کارگران، بخاطر نظام کاری، وجود داشت. به این دلیل دلایل فرعی دیگر، در این بخش، جوشش سیاسی سریعتر از جاهای دیگر صنعت نفت وجود آمد و همچنین توانست رهبری انتصابات سوسایی صنعت نفت را بدست گیرد.

۲) تاسیسات نفتی جنوب، اولین حرکت های اجتماعی، سیاسی، در شرکت مملی حفاری هواز شروع شد. رژیم شاه نسبت بین بخش، حساستر از سایر بخش ها بود، زیرا که

اعث تشدید بیشتر تضاد موجود گردید.
نهاد با دادن امتیازات رفاهی، که قبل از آزمان تصورش هم نبی رفت، سعی در
بلوکی از آغاز اعتصاب در این تاسیسات نمود، که در شایط سیاسی آزمان تلاشی
ذنب جانه بود.

کمیته اعتصاب تاسیسات نفتی اهواز، که به رهبری سه نفر از مهندسین حفاری، به بیوگاه بود.

امهای درویشی، جاتی و ذاکری خیلی سریع شکل گرفت، ابتدا با مخالفت کارگران و پروردگار شد، زیرا خواسته های مشخص کیته اعتصاب، سیاسی بود مانند اخراج کارگران خارجی از صنعت نفت و ... در حالیکه مطالبات کارگران عمدها صنفی و رفاهی بود. ما بعلت درک این موضوع توسط کارگران پیشرو، که کمیته اعتصاب در جهت خواسته ای آنان نیز حرکت می کند و یا حداقل مطالبات آنان را هم مد نظر دارد، و تهییم ن به کارگران، مخالفت کارگران با کیته اعتصاب، خیلی زود برطرف گردید.

رایطه با خواسته اخراج کارکنان خارجی، انصاری رئیس هیئت مدیره صنعت نفت، آدمین پی در پی باهوار و شستت های مختلف، کارکنان را تقریباً قانع کرد، که سر کارهای خود برگردند، به این ترتیب که کلیه کارکنان خارجی را به تهران فرا خواندند روسرای مرآک مختلف را نیز تعییض کردند، حقوق ها نیز تا سقف دو برابر افزایش گافت، تعاقونی ها دست دلباز تر شدند و ... تا شی که مهندس جباری سپریست مناطق فکتی و همکار آمریکایی اش در اتوموبیل خود ترور شدند و روند جنبش سیاسی صنعت فت وارد مرحله تازه ای گردید.

الایشگاه آبادان که بعنوان یکی از قدیمی‌ترین و حساس ترین مراکز کارگری ایران، را آن مقطع فعالیت چندانی نداشت، با آتش سوزی سینما رکس آبادان، به اعتراض کیته شده شد. کیته‌های اعتراض واحدهای مختلف با اتحاد و هماهنگی، تشکل فویتی ایجاد کردند. عناصر متفرق در جهت ارتقای مطالبات رفاهی و سیاسی تلاش شبانه روزی می‌کردند، که با توجه به تعداد کم این عناصر در درون کیته‌های اعتراض، تلاع کردن عناصر دیگر، نیروی زیادی می‌طلبد.

مناصر حول و خوش رهبری اسلامی انقلاب، در رابطه با این جنب و جوش و تمیق
تیر روزه خواست ها و فرا رسیدن فصل سرما و کبود مواد نفتقی (سوخت) در شهرها
همچنین بعلت درگیری مداوم نیروهای ارتش مستقر در تاسیسات صنعت نفت با
عتصایيون و دستگیری روزمره عناصر فعل، برآن شدند، که هیئتی را به اهواز بفرستند
ا در جلسه مشترکی، خواهان راه اندازی بخش از تاسیساتی که مواد سوختی داخلی
ا تامین می کرد، بشوند. سرپرستی این هیئت با مهندس بازرگان بود، که پس از چند
جلسه، کمیته اعتضاب بطور مشروط پذیرفت، که مصرف داخلی کارکنان به
ز صادرات نفتی، تا رسیدن به اهداف انقلاب، ممانعت نماید. باین ترتیب کارکنان به
بر کارهای خود بازگشتند و از همین زمان بود که زمزمه تشکیل شوراها، که در ضمن
کمیته های اعتضاب نیز بود، آغاز شد.

نوراهاي تابعيات، در ابتدا با سو، طن فراینده کارگان روپر بود، چرا که بعضی
غواسته های سیاسی، یا تند بود و یا غیر منطقی، یعنی بدون در نظر گرفتن شرایط
نتی، سیاسی و اجتماعی. گروههای مختلف سیاسی، سعی در تنفس عوامل و عناصر
خود، بدون داشتن پایگاه توده ای، داشتند. حتی در بعضی از واحدهای صنعتی دو
نورا تشکیل شده بود، یکی از شوراهاي کارگان، که متشکل از دو کوه شغلی بود،
کارگان رسمی (اثبات) و کارگان غیررسمی (اموقت و پروژه ای) و دومی شورای
کارمندان که ابتدا با درگیری درونی کار خود را آغاز نمود و لی بتدیرج استنجام یافت،
ترکه به همکاری و فعالیت کرد. این امور مصادف با ۲۲ بهمن و حاکمیت جمهوری

سازی بود. نئمه جا بحث بود که ارتش و نیروهای همافر، که در روزهای آخر انقلاب نقشی انقلابی ازی کردند و پس از مدتی بعضاً به عوامل سرکوب و دستگیری عناصر پیشرو تبدیل شدند، باید از تاسیسات خارج شوند.

نناصر سیاسی درون شوراهای سعی در گرفتن امتیازاتی از قبیل عزل و نصب روسای

۴ صفحه از قیه

محصول را که فروخته ایم هنوز پول ما را نداده اند و ما هم پول در دست نداریم که حقوق شما را بدھیم. بخش دیگر هم این بود که کارخانه جاهانی تولید نمیکردند و متفق بودند و می گفتند که تولید نیست و پول هم نداریم به شما بدھیم. و هیئت مدیره سازمانهای طرف قرارداد را خطاب قرار میدادند و میگفتند که این کارخانه دارد و روشکست میشود و باین ترتیب رابطه کاری با کارخانه را چهار مشکل میکردند و طرف قرارداد هم مشکوک میشد. مدیریت سازمانهای دولتی با یک روش خواهیانی بدھی خود به سازمانهای دیگر را پرداخت نمیکردند و این بدھی اینباشته میشد تا اینکه سازمان تامین اجتماعی میگفت که بدھکاری زیاد دارید و مدیر علیه کارخانه کار میکند و او را بر می داشتند و در میبردند. اما در این میان همه کاسه کوزه ها سر کارگران شکسته میشدند و این کارگران بودند که سول نان شت داشتند.

در پایان اگر نکته دیگری دارید لطفاً مطرح کنید.

نهن همانند اکثریت مطلق مردم ایران چیزی جز براندازی این رژیم را رضایت نمیدهم. و از آجانی که مردم ایران بخصوص طبقه کارگر و زنان و جوانان بصورت جدی برای سرنگونی این نظام دارند وارد یک میدان مبارزه سرنوشت ساز میشوند، باید به کسانی که آب به آسیاب چناههای رژیم میریزند و شخصیت تراشی برای این رژیم میکنند بگوییم که آنچه مردم ایران خواهان آنند براندازی حکومت جمهوری اسلامی و استقرار یک نظامی است که بیاید از خواسته‌های پایه ای و بنیادی مردم حمایت کند، رفع تعییض کند، رفاه و پیشرفت را برای جامعه بیاورد و آزادیهای سیاسی و اجتماعی را تامین کند. بنابراین لازم است که برای تحقق این امر پرچمداران این خواسته‌ها در میان جریانات مختلف رژیم گرد هم بیایند و روشن است که نیروی کلیدی این تحول طبقه کارگر و صفت کارگران کمونیست است که باید برای برپائی حکومتی که بمعنای واقعی به این خواسته‌ها و منافع اکثریت مردمی که زیر پای این نظام له میشوند، قدم بردارند. و باین جهت اعتقاد دارم که این جنبش عظیم که با توجه به خواسته‌های مخصوصی که دارد، یعنی آزادی و برآبری و رفاه انسانها، میتواند در حزب کمونیست کارگری ایران متشكل شود، حزبی که بصراحة مدافعان آن اهداف سوسیالیستی واقعی است که برنامه و اهداف آن یک زندگی انسانی را برای جامعه مورد نظر دارد. در همین راستا بعنوان یک کارگر پیام به همه کارگران اینست که متحدون شوند و حول مجتمع عمومی منظم و مستقل خود گرد بیایند و در صفوں خود به سخنگویان واقعی خود متکی شوند و گامهای موثرتری را برای ایجاد ارتباط و اتحاد کل طبقه کارگر ایران در سراسر کشور بردارند که با مبارزه ای یکپارچه و متحد برابی بزری کشیدن رژیم جمهوری اسلامی بسیان بیاییم.*

بے کارگر امروز کمک مالی کنید!

کارگران

اپوزیسیون و کارگران افغان راه کارگر یک قدم به سوی "تمدن!"

مصطفی صابر

افغان ستیزی، مثل ناسیونالیسم ایرانی، مثل سازش و کوشش در مقابل مذهب و غیره، پروژه مشترک و طبقاتی تمام نیروهای سیاسی بورژوازی ایران – از جمهوری اسلامی تا سلطنت طلب، از ملی گرا تا توده – اکثریتی ها و غیره است. از بد و رود کارگران مهاجر افغان به ایران تمام این نیروها یکصدا، ولو با تفاوت‌هایی در توجیه موضع شان، علیه این بخش از طبقه کارگر تبلیغات فاشیستی کرده اند. رژیم اسلامی با درست کردن گتوهای افغان نشین، با محروم کردن این بخش از طبقه ما از هر چیز در راس این قافله بریت و جنایت قرار دارد. اما باقی هم، درست همانطور که مثلا در جنگ با عراق پشت سر شعار "دفاع از میهن" و لاجم جمهوری اسلامی رفتند، در تحقیر و توہین کردن به بیش از یک و نیم میلیون افغان ساکن ایران در کنار رئیم اسلامی شان ایستاده اند. کار به جایی رسیده است که متناسبانه یک فضای عمومی ضد افغان ساخته اند. مثلا بسیار پیش آمده که کارگر افغان بعد از ۱۲ تا ۱۴ ساعت کار طاقت فرسا، سنگین در ته چاه و یا در موغاری و یا توله‌ای "مترو" تهران، وقتی میخواهد یک قرص نان بگیرد جرئت ندارد در صف نانوایی بایستد و مجبور است از همکاران ایرانی اش بخواهد تا برای او نان بگیرند...

دعای طالبان و جمهوری اسلامی و کشتار "دیلماتها" ایرانی، سبب شد تا این فاضلاب فاشیسم ضد افغان هم بخورد و کشافت آن آشکارا به سطح بیاید. خود جمهوری اسلامی و دولت خاتمی جلو افتاد و گله های حزب الله پشت سرش. افغانها را زدند، کشند، دستگیر کردند و به گتو فرستادند، گشت های ویژه تشکیل دادند تا کارگران مشغول به کار را شناختی کند و با "ایرانی" جایگزین کند و ... کمایش نظری همان کارهایی که از دست هیتلر ساخته بود. موضوع آنقدر گسترده بود که حتی خود رئیم از عدم کنترل این موضوع نگران شد. مطبوعات "دکنایش" و اپوزیسیون مجاز داخل در این باره چه گفت؟ عموما سکوت کردند. تا آنجا که من دیده ام در تشریفاتی نظری همشهری، که ماهها قبل تیتر بزرگ زده بود که با جایگزینی خارجی ها با بیکاری مقابله میشود، فقط همان نگرانیهای دولت چاپ شده بود. اپوزیسیون خارج چه عکس العملی نشان داد؟ باز تا آنجا که من خبر دارم و نشرياتشان را دیده ام، سکوت. میدانم که همه علیه "خطر جنگ ایران و افغانستان" به زمین و زمان هشدار دادند، اما در مورد جنایاتی که در حق کارگران و مهاجرین افغان آشکار و علنی صورت گرفت، کسی از اینها چیزی نگفت. عرض کردم که این پروژه مشترکشان است. همه شان در بی حقوقی و تحقیر مهاجرین و بویژه کارگر افغان و ارزان و بیحقوق نگه داشتن او ذیفع اند.

در این میان "راه کارگر" ظاهرا استثناء بود. در اطلاعیه ای با عنوان "حمله به افغانی های مقیم ایران مایه شرم هر ایرانی است"، با اشاره به ضرب و شتم افغانی های ساکن محله زینبیه اصفهان، آنرا محکوم کرده است. تبلیغات رژیم در مورد "ستون پیغم طالبان" شدن افغانی های مقیم ایران را بی اساس خوانده، گفته که آنها اکثر مخالف طالبان اند، رفتار با افغانی های را شاخض پختگی و یا نا پختگی فرهنگی و میزان متعدد بودن ایرانیان دانسته و در پایان نوشت: "ما همه مردم کشورمان را به برخورد قاطع و سازش ناپذیر با تعصبات ارتجاعی علیه همه خارجیان مقیم کشورمان و بویژه مهاجرین افغانی، فرا می خوانیم".

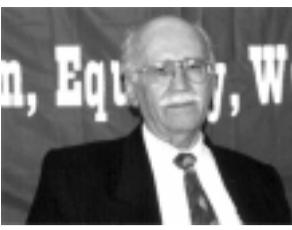
حتی این درجه از "تمدن" در نزد راه کارگر، که بعنوان دنباله سنت توده ای عمری بسیاری باقی است: هنوز سوالات بسیاری باقی است:

اولاً چرا راه کارگر دغدغه دارد اثبات کند که افغانی های ساکن ایران مخالف طالبان هستند؟ اگر نباشد چه؟ در این صورت آیا رفتار جنایتکارانه ای که با مهاجرین افغان شده است مجاز خواهد بود؟ آنگاه آیا اسکین هد های راه کارگریها، دست بگیرند که اینها از طالبانهای مملکت خودشان، به صورتی مختلف، حمایت می کنند؟!

بعلاوه حتی غالب راست ترین احزاب بورژوازی اروپا، لااقل در مواضع رسمی شان، کم و بیش با "خارجی ستیزی" مخالفت میکنند. (فقط در فضای عقب مانده سیاست ایران احزاب بورژوازی میتوانند بر جنایاتی نظیر این موج فاشیسم ضد افغان یکی دو ماهه گذشته رضایتمند سکوت کنند و همچنان سرشان را بالا بگیرند و داعیه تمدن و دمکراسی و چپ داشته باشند) تفاوت راه کارگر با این احزاب راست اروپا در چیست؟ تعصبات ارتجاعی علیه همه خارجیان خودش را چگونه نشان میدهد و برای مقابله با آن چه خواستها و مطالبات مشخصی را باید طرح کرد؟ آیا راه کارگر مهاجرین افغان و همه خارجیان ساکن ایران را شهروند آن جامعه میداند یا باید شناسنامه ایرانی نشان دهدن؟ چرا راه کارگر زیانش میسوزد که در اطلاعیه اش بگیرد حق تمام و کمال شهروندی برای تمامی خارجیان ساکن ایران؟

متناسبانه این سوالات در مورد راه کارگر توقع زیادی است. اگر اطلاعیه راه کارگر را بخوانید متوجه میشود آنچه که اصلاً مد نظر نویسنده‌گان آن نیست، همانا وضعیت واقعی خارجیان و مشخصا کارگران و مهاجرین افغان است. راه کارگر بعنوان یک ایرانی "احساس شرم‌سازی عمیق" کرده است که دارند در "ململکتش"، "خارجیها" را تک میزنند. اینکه ایرانیان "نامتمدن" جلوه داده میشوند برایش سنگین است. برای همین هم فقط تا آنجا می‌آید که مردم "میهنش" را به مبارزه قاطع تعصبات ضد خارجی فرا بخواند. نه بیشتر. اینکه خارجیان و بخصوص افغان ها از همه چیز، از مدرسه رفتن تا ازدواج کردن با ایرانیها آزارش داده است. اگر همه محرومیت‌هایی که علیه افغانها در ایران هست به جای خود باقی بماند ولی "مردم میهن" ما احساسات نژاد پرستانه نشان ندهند، دیگر معلوم نیست راه کارگر اعتراضی داشته باشد. بعارت دیگر در دعوای ارتجاعی ایرانی – افغانی که شوینیسم ایرانی راه اندخته و جدالهای طالبان – جمهوری اسلامی آنرا تشید کرده، راه کارگر همچنان یک طرف دعوا، یک ایرانی است. از پروژه مشترک بورژوازی در افغان ستیزی کنار نکشیده است. میکوشد یک ایرانی "تمدن" باشد!

در یادبود رفیق حکمت کوتانی



مرتضی انشاری

با خبر شدیم که رفیق حکمت کوتانی یکی از رهبران جنبش کارگری عراق در روز ۷ سپتامبر ۱۹۹۸ در تورنتو درگذشت. با اندوه فراوان درگذشت این رفیق را به خانواده او، حزب کمونیست کارگری عراق و به جنبش کارگری تسليت می کوییم.

من برای اولین بار این رفیق را بود و بالاخره هم حزب شیوعی حکم اخراج او را از حزب صادر کرد. وقتی بعد از سخنرانی رهبری آن حزب اختلاف پیدا کرده بود. و به همین خاطر بارها با رهبری آن حزب مرتضی انشاری رفیق را در یک مراسم اول ماه مه در تورنتو دیدم. رفیق یکی از سخنرانان این مراسم بود که از جنبش کارگری عراق و تجربیات خودش و لزوم تشكیلات کارگری و تقویت این جنبش و از اتحادیه های کارگری عراق که از جنبش کارگری پرستن شرک نفت، در مقطع انقلاب ۵۷ بطور کلی شدت و هفت هزار نفر بود که بالاترین تعداد در بخش پالایشگاه غفال بود.

پالایشگاه بزرگ اراک هم در حال انتقام است. نفت خام پالایشگاه کرمانشاه از چاههای نفت شهر (نفت شاه ساق) تأمین می گردد، و نفت خام پالایشگاهی تهران، بعد از انقلاب ۷۷ راه اندازی شدند. ضمناً پالایشگاه در دست احداث بندرهای روسیه را پویه شد، با ظرفیت روزانه ۲۰۰ هزار بشکه پالایشگاه شیراز با ظرفیت روزانه ۴۰ هزار بشکه، می شد. قابل ذکر است که پالایشگاه بزرگ اصفهان با ظرفیت روزانه ۲۰۰ هزار بشکه و پالایشگاه تبریز با ظرفیت روزانه ۸۰ هزار بشکه، پالایشگاه که با ظرفیت روزانه ۲۰۰ هزار بشکه و پالایشگاه شیراز با ظرفیت روزانه ۴۰ هزار بشکه، می شد. تبریز، مشهد، همدان و غیره ارسال و از آن مراکز از طریق خطوط لوله و یا توسط تانکرهای نفتی به شهرها و روستاهای کشور می رساند. قسمت مخابرات این بخش، که یک شبکه جدا و کاملاً مستقل از شبکه مخابراتی کشور بود، وظیفه نصب و نگهداری استگاههای مخابراتی شرک نفت را به عده داشت.

پالایشگاه را به مراکز عمده پخش مانند شهر ری در تزدیکی تهران و شهرهای اراک، اصفهان، اهواز، تبریز، مشهد، همدان و غیره ارسال و از آن مراکز از طریق خطوط لوله و یا توسط تانکرهای نفتی به شهرها و روستاهای کشور می رساند.

قسمت مخابرات این بخش، که یک شبکه جدا و کاملاً مستقل از شبکه را به عده داشت.

چهاردهمین شغلی من، یعنی بخش خطوط لوله و مخابرات، شامل ۹ مراکز

بودند. برای تأمین ضلعات این شبکه عظیم (شبکه نفت)، دو این بسیار بزرگ

در شهر ری و اهواز، مستقر بود، که قطعات یکدیگر دفتر مکری خود، در لندن و این اواخر در

شدن. از این مراکز عده، نفت خام از چاههای اهواز به پالایشگاه تهران و بیزی و همچین مواد تصفیه شده، به مراکز اصلی پخش، ارسال می گردد.

کارهای فنی مراکز ۹ کاله، بخش در منزل سازمانی اسکان داده بودند.

هر یک از این سه بخش تشکیل داده شده شرک نفت، در تهران دارای دفتر مکری

بودند، که روسای کل، تحقیق، برنامه ریزی و خدمات فنی در آنچه متنبک

در شهر ری و اهواز، مستقر بود، که قطعات یکدیگر دستگاههای مختلف و متنوع

تاسیسات صنعت نفت را از طریق دفتر مکری خود، در لندن و این اواخر در

زورخ تهیه و خریداری کرده، به ایران ارسال می شود.

شبکت ملی پتروشیمی ایران، که هنوز صنعت جوانی بود، در دهه پنجم به شرک

ملی نفت و اکنار شد. یا بعارات دیگر در آن ادغام گردید. طبق تصمیمات

مشهودان وقت، فرار بود که در کنار هر پالایشگاه آزادانه را زیر نظر داشت، این مراکز

شناورهای مراکز عده، نفت خام از چاههای اهواز، کوهدهشت و اراک بودند که مراکز جنوب نامیده می

شدن. از این مراکز عده، نفت خام از چاههای اهواز به پالایشگاه تهران

و بیزی و همچین مواد تصفیه شده، به مراکز اصلی پخش، ارسال می گردد.

کارهای فنی متناسب فنی تازه استفاده شده، شرک نفت بخش ایجاد کردند.

استخدام، شرک ملی پتروشیمی را تشکیل می دادند.

مرکز خطوط لوله جنوب، که قبلا درباره آن توضیح داده شد، شامل ۱۴ تله

خانه بود، که مراکز آنها در اراک، کوهدهشت و اراک بودند که هر کدام از این تله های

هزار بشکه محصولات تصفیه شده را از پالایشگاه آزادانه در تهران، می

فرستاد. در هر کدام از این تله های آزادانه در تهران بود، چهاردهمین

که در صورت بروز اشکالات فنی به کارکنان ایرانی که می کردند. قطعات

زندگی کرد و سپس به کانادا منتقل شد، در این بخش

مهاجرت کرد و در ونکوور ساکن شد.

در یادبود او، که این بخش توسط

واحد حزب کومونیست کارگری او که این بخش توسط

کارگر ایجاد شده و در آن مراکز

و بیزی و همچین مواد تصفیه شده، به مراکز اصلی پخش، ارسال می گردد.

بمناسبت بیستمین سال اعتمادات کارگران نفت جنوب

باقیه از صفحه ۵

اعلامی درباره تاسیسات صنعت نفت

شرکت ملی نفت ایران به سه بخش عده تقسیم شده است و یا شده بود.

۱) اکتساف، تولید و حفاری که شامل این بخش های نفتی، حفر چاههای کارگری

شناسی، شناسایی حوزه های نفتی، حفر چاههای نفت جدید، نگهداری و سرویس

چاههای نفت، که دفتر مرکزی آن در تهران همچنان چهارچهار و هزار بشکه، پالایشگاه

در مناطق اهواز، کجسازان، آغاجاری و حلیج فارس بود.

۲) پالایش، که شامل پالایشگاههای آبادان با ظرفیت روزانه ۶۰ هزار بشکه، پالایشگاه

که در روزانه ۲۰ هزار بشکه و پالایشگاه شیراز با ظرفیت روزانه ۲۰ هزار بشکه، پالایشگاه

که در روزانه ۲۰ هزار بشکه و پالایشگاه شیراز با ظرفیت روزانه ۲۰ هزار بشکه، پالایشگاه

که در روزانه ۲۰ هزار بشکه و پالایشگاه شیراز با ظرفیت روزانه ۲۰ هزار بشکه، پالایشگاه

که در روزانه ۲۰ هزار بشکه و پالایشگاه شیراز با ظرفیت روزانه ۲۰ هزار بشکه، پالایشگاه

که در روزانه ۲۰ هزار بشکه و پالایشگاه شیراز با ظرفیت روزانه ۲۰ هزار بشکه، پالایشگاه

که در روزانه ۲۰ هزار بشکه و پالایشگاه شیراز با ظرفیت روزانه ۲۰ هزار بشکه، پالایشگاه

که در روزانه ۲۰ هزار بشکه و پالایشگاه شیراز با ظرف

مطلب زیر گریده ای از سلسله مصاحبه هایی است که نشیوه "سلام" در اوآخر سال ۱۳۷۱ با "محمد سلامتی"، مشاور سابق وزیر کار و دبیرکل کنونی "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی" در رابطه با روند تصویب قانون کار در جمهوری اسلامی انجام داده است و در شماره های ۱۵، ۲۰ و ۲۲ بهمن، و ۳ و ۶ اسفند ۱۳۷۱ درج شده اند. این مطلب برگریده بخوبی افشاگر شوراهای اسلامی توسط یکی حامیان آنست. کارگر امروز این مطلب را از نشیوه "آخر" شماره ۸ برگرفته است.

شوراهای اسلامی در خدمت کارفرماها و مدیران هستند

"در کل ممکن است یکی دو ماده باشد که مساله اش نسبت به قانون کار کشورهای دیگر کمی بهتر توجه شده باشد، آن هم در رابطه با مساله اخراج ها است، به شکلی جلوی اخراج بی رویه کارگر توسط کارفرما تا حدودی گرفته شده، ولی نه به آن شکلی که به کلی دست کارفرما کوتاه باشد..... من این را می خواهم عرض کنم که اولاً، این قانون را با قانون زمان طاغوت اگر مقایسه کنیم می بینیم که امتیازات خیلی زیادی به کارگر نداده. ثانیاً، این قانون را با قانون کشورهای دیگر که در نظر بگیریم، می بینیم که از خیلی کشورها پائین تر است

بعضی اشکال می گیرند در رابطه با مساله این که شوراهای اسلامی در واحدهای تولیدی مدخل کار مدیریت هستند، جلوی تولید را می گیرند و جلوی سرمایه گذاری را میگیرند. همین مورد را مقایسه بکنم شما می بینید که چقدر بی مورد است، شوراهای اسلامی ما در دنیا به عنوان یک تشكل کارگری، ضعیف ترین تشكل ها هستند.... در وظایف شوراهای اسلامی در قانون کار در ماده ۱۳، وظایف را داریم. اکثر وظایفی در آن نوشته شده در واقع اینها را عمله کارفرما یا مدیر کرده است و چیزی به شوراهای نداده. مثلاً حدود ۷-۸ وظیفه ای که پیش بینی شده، یکی دو ماده است که یک مقدار در خدمت مدیریت واحد است تا واحد را بهتر اداره کند... گذشته از این، با وجود همین وظایف خیلی از واحدها، علیرغم وجود قانون، مشکلاتی برای فعالیت شوراهای بوده و وجود می آورند....

وظایف شورا را ملاحظه کردید، حال اگر وظایف سندیکاها، اتحادیه ها و کنفرانسیون ها در قانون کار زمان طاغوت را مقایسه کنید، خواهید دید که به مراتب اختیارات و وظایف بیشتر از این دارند. این اختیارات را تحمل می کردند، ولی به قانون شوراهای کارگری که می رسند، می گویند مدخل اقتصادی سرمایه گذاری و تولید است ... حال به وظایف سندیکاها کارگری در زمان طاغوت توجه کنید (این سندیکاها حذف شدند تا شوراهای کارگری جای آن را بگیرد). در این سندیکاها نه فقط امکانات رفاهی کارگران را پیگیری می کردند، بلکه امکاناتی وجود داشت که می توانستند برای سواد آموزی و مانند آن اقدام کنند. به چند بند آن توجه کنید:

- انعقاد پیمان های دسته جمعی

- خرید و فروش اموال منقول و غیر منقول

- دفاع از حقوق و منافع حرفة ای اعضاء

- تاسیس شرکت های تعاضی جهت رفع نیازمندیهای اعضاء

- تاسیس صندوق بیکاری در جهت کمک به کارگران بیکار.

- همچنین در آئین نامه این سندیکاها... آمده است که اعضای شورای آنها را هم نمی شود به سادگی از کار برکنار کرد. پس می بینید که قانون زمان طاغوت خیلی قدرت بیشتری به کارگران و اتحادیه ها داده بود...

باقیه از صفحه ۹

رضا مقدم:

شوراهای اسلامی باید منحل شوند

احتناق رژیم در محیط کار چگونه است؟

شوراهای اسلامی همواره از سیاستهای جناح حاکم حمایت کرده اند، از خط امام در دوران جنگ، از رفسنجانی در دوران پس از جنگ و هم اکنون از خاتمی. در همه این دوران نیز هر آنچه توانسته اند علیه کارگران مبارز و اعتراضات کارگری انجام داده اند. سازمان اکثریت قبل از این نیز می کوشید کارگران را به فعالیت در شوراهای اسلامی ترغیب کند و آنها را از درون تسخیر کند. اکثریت در این راه همان قدر موفق خواهد بود که قبل، یعنی هیچ گسترش اعتراضات کارگری به ناگزیر با سد شوراهای اسلامی روپر خواهد شد و آنرا کنار خواهد زد. هم اکنون بستر اصلی صحنه سیاسی ایران حول اختلافات جناحها و امتیازاتی که هر یک از دیگری می گیرد دور می زند. این دور تسلیل باید بشکند و آنهم با به میدان آمدن یک نیروی سوم که جنبش کارگری در مرکز آن قرار دارد ممکن است. انحلال شوراهای اسلامی می تواند یکی از شانه های قد علم کردن این نیروی سوم باشد که دامن زدن به جنبش مجمع عمومی یک گام عده در این راه است. انسجام یافتن محالف کارگران رادیکال سوسیالیست هم از نظر روابطی که با یکدیگر دارند و هم از نظر سیاسی کلید اصلی آغاز یک حرکت کارگری وسیع است

مختصری درباره چگونگی و ایجاد اتحادیه سراسری شوراهای انقلابی سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (اتحادیه گسترش)

جلال مجیدی

جلال مجیدی از رهبران جنبش کارگری ایران است. وی در انقلاب ۵۷ از اعضای رهبری اتحادیه شوراهای گسترش بود.

برعکس کنگره دوم از شور و شوقي پشتیبانی از اشغال سفارت آمریکا بود. در این کنگره نمایندگان کارگری، شاه حسینی مدیر عامل وقت سازمان کسترش و نوسازی صنایع ایران را از پشت میز کارش به داخل سالن در نتیجه کنگره سوم با شرکت حدود صد نفر از نمایندگان شوراهای کارخانهای تابع سازمان گسترش برگزار شد. مدیریتها برای برهم زدن کنگره و اتحادیه از قبل برنامه ریزی کرده و رهبران اتحادیه بی خبر از آن مشغول برگزاری کنگره بودند. توطئه از پیش طراحی شده مدیر عامل سازمان گسترش در حین جلسه به اجرا در آمد. قضیه از این قرار بود که پنج نفر از اعضای انجمن اسلامی کارگری تبادل نظر میشد. همچنین جلسات هیئت اجرایی هفتنهای یکبار برگزار شده و روی مسائل و مباحث از این جلسات تبادل نظر میشد. همچنان جلسات هیئت اجرایی هفتنهای یکبار برگزار شده و روی مسائلی از قبیل اوضاع کار، حقوق و دستمزد کارگران و اعتصابات کارگری در کارخانجات مختلف بحث و تبادل نظر شده و تصمیمهای لازم گرفته میشد. هیئت اجرایی اتحادیه گسترش هیئت هایی را بعنوان بازرس به کارخانه های تراکتورسازی و ماشین سازی تبریز، چوکای گیلان، ماشین سازی و الومینیم سازی اراک و بسیاری از کارخانجات دیگر زیر پوشش این سازمان قرار داشتند. اتحادیه گسترش با همکری عناصر چپ در همان تلاطم انقلاب پایه ریزی شد. همین عناصر چپ بخش ساواک سازمان گسترش را مصادره کرده و از امکانات آن برای پیشبرد اهداف اتحادیه استفاده کردند.

کنگره اول اتحادیه اوائل سال ۵۸ برگزار شد. ولی بعلت ضعف رهبری و نداشتن تجربه اتحادیه ای و شورایی حرکت اتحادیه کند و بی برنامه بود. اعتصابات کارگری بعد از انقلاب همچنان ادامه داشت. کارگران خواستار بهبود شرایط کار و اوضاع اقتصادی خود بودند. کنگره دوم از استقبال میکردند. کارگران در دل های خود را به بازرسین اتحادیه از پیوندها بین این هیئت ها و بازرسین استقبال میکردند. وجود همین پیوندها بین اتحادیه و کارگران موجب وحشت مدیریت های کارخانجات شده و آنها را بفک اندام اتحادیه گسترش انداخت. رهبران اتحادیه با نمایندگان کارگری با عزمی راسخ بعد از حدود ۷ ساعت تلاش و پیگیری موفق به آزادی رفاقت خود را با از زندان اوین شدند. محل اتحادیه در همان روز به زور اسلحه به اشغال نیروهای سپاه در آمد، تمام اموال آن ضبط گردید و اتحادیه منحل شد. بعضی از نمایندگان پس از آن بصورت میکردند. این در حالی بود که کارگران سپاه محافظ رادیو و تلویزیون جام جم که در جوار سالن سازمان گسترش نیز با اقدام از پیش تعیین شده و با کمک واحد سپاه معاون بازرس به کمیته سعدآباد و از دستگیر و به کمیته سعدآباد و از آنجا به زندان اوین انتقال دادند. نمایندگان کارگری با عزمی راسخ بعد از حدود ۷ ساعت تلاش و پیگیری موفق به آزادی رفاقت خود را با از زندان اوین شدند. محل اتحادیه گسترش نیز با این هیئت ها و بازرسین استقبال میکردند. وجود همین پیوندها بین این هیئت ها و بازرسین تلاطم انقلاب پایه ریزی شد. همین عناصر چپ بخش ساواک سازمان گسترش را مصادره کرد و از امکانات آن برای پیشبرد اهداف اتحادیه استفاده کردند.

کنگره اول اتحادیه اوائل سال ۵۸ برگزار شد. ولی بعلت ضعف رهبری و نداشتن تجربه اتحادیه ای و شورایی حرکت اتحادیه کند و بی برنامه بود. اعتصابات کارگری بعد از انقلاب همچنان ادامه داشت. کارگران خواستار بهبود شرایط کار و اوضاع اقتصادی خود بودند. کنگره دوم از استقبال میکردند. کارگران متحمل نظر شده و تصمیمهای لازم گرفته میشد. هیئت اجرایی اتحادیه گسترش هیئت هایی را بعنوان بازرس به کارخانه های تراکتورسازی و ماشین سازی تبریز، چوکای گیلان، ماشین سازی و الومینیم سازی اراک و بسیاری از کارخانجات دیگر زیر پوشش این سازمان قرار داشتند. اتحادیه گسترش با همکری عناصر چپ در همان تلاطم انقلاب پایه ریزی شد. همین عناصر چپ بخش ساواک سازمان گسترش را مصادره کرد و از امکانات آن برای پیشبرد اهداف اتحادیه استفاده کردند.

کنگره دوم اتحادیه گسترش یکی از عظیم ترین کنگره های کارگری بود که در تاریخ جنبش کارگری ثبت خواهد شد. جو اقلابی حاکم بر کنگره وصف ناپذیر بود. ولی بعلت نبود یک جریان کمونیسم کارگری و هم چنین وجود رهبران لیبرال چپ و همزمان بودن اشغال سفارت آمریکا و عربده های کرکنده جمهوری اسلامی، در صورتیکه کارگران تحت پوشش این اتحادیه به دفعات با تظاهراتی همزنی و وجود رهبران لیبرال چپ و متعاقن از سه روز تلاش، متابفانه قطعنامه ای کارگری و اقلابی از این اتحادیه ای این اتحادیه به دفعات با تظاهراتی همزنی و وجود رهبران لیبرال چپ و هم زمان میگذشت کارگران اعتماد خود را نسبت به اتحادیه از دست میدادند. در صورتیکه کارگران تحت پوشش این اتحادیه به دفعات با تظاهراتی همزنی و وجود جریان راست (اکثریتی - این اتحادیه به دفعات با تظاهراتی همزنی و وجود رهبران راست (اکثریتی - توده ای) در شهرهای تبریز، از این اتحادیه و نبود یک خط کمونیسم کارگری این ارک، تهران، اهواز و غیره در موارد مختلف پشتیبانی خود را از این اتحادیه و اهداف کارگری آن اعلام کرده بودند. کنگره سوم اتحادیه گسترش

اعتصاب به پیروزی برسد. با اکثر کارگران از طریق فعالینی که در میان بخششای مختلف کارگاه سد سازی کار میکردند، مساله ضرورت اعتصاب مطرح شد. جمیع ۵ نفرهای ، نیمه مخفی نیمه علني، برای بود، دوستاني عهده دار هر دو انبار شركت بوديم که کليه وسائل يككي ماشين آلات، انبار سیمان، شلنگهاي آب و تقریبا هر آنچه مورد احتیاج روزانه شركت بود، در آن وجود داشت. کار انبار مثل بقیه

بازگشت به پاییز سال ۱۳۴۸، برای نوشتن خاطراتی از یک اعتصاب بیوش و قتی آدم حوادث و اتفاقاتی را پشت سر گذاشته باشد که هر کدام به تنهایی بتوانند موضوع کتابی باشند، کار چندان

یادی از یک اعتصاپ

کارگاهای پروره، شیفتی بود: یک هفتگه شیفت روز، یک هفتگه شیفت شب ساعت کار هم هر شیفت ۱۰ ساعت بود، با نیم ساعت نهار یا شام در میانه در مردم میزان دستمزدها چیزی بیاد ندارم میدانم سطح دستمزدها با توجه به اینکه کارفرما و مقاطعه کار پروره سد بوکان یک شرکت اروپائی بود، در مقایسه با کار مشابه در منطقه و یا جاهای دیگر ایران نسبتاً بالاتر بود. مجموعاً ۵۰۰ تا ۷۰۰ کارگر در کلیه بخشهاي پروره سد کار میکردند این تعداد، شامل کارگران و تکنیسینهای شرکتهای اروپائی نیز میشد. کارگرانی از نقاط مختلف ایران در

آسانی نیست. با اینحال با توجه به اینکه این خاطره نقطه شروعی بود برای فعالیت سیاسی و کمونیستی من، سعی میکنم با مراجعته به سایه روشنهای از آن که در ذهن مند است آنرا بر روی کاغذ بیاورم.

شروع اصلاحات ارضی از اوایل ده
۴۰ و ادامه آن تا سال ۱۳۴۸ که به
تسلط کامل سرمایه داری در ایران منجر
گردید، جامعه کردستان را نیز دست
خوش تغییرات بنیادی و عمیقی ساخت.
روابط کهنه اجتماعی از هم پاشید. با
غلبله و گسترش مناسبات سرمایه داری،
شکل گیری طبقه وسیع کارگران مزدی
در کردستان، بعنوان مهمترین تحول آن
دوره، آغاز گردید. این تحولات ازطرفی
گرایشات سیاسی در جامعه کردستان را
عمیقاً تحت تاثیر قرارداد و همچنین
مطلوبات و گرایشهای نوینی را با خود
به مرأة آورد. شروع این پروسه و همزمان
سرازیر شدن سیل نیروی کار، دهقان بی
زمین و در عین حال بیکار روستا، در
وحله اول به شهرهای کردستان وسپس در
دومنین موج وسیع مهاجرت در اواخر

دهه ۲۰ و اوایل دهه ۵، این بار طرف شهرها و مراکز صنعتی و کار در سراسر ایران، که به دنبال رشد سریع سرمایه داری و افزایش سریع قیمت‌های نفت در بازارهای جهانی شروع گردید، طبقه غیر قابل انکار، طبقه کارگر مزدی، در کردستان ایران را مادیت بخشید. ایجاد پروژه‌های سد سازی بر روی رودخانه های اطراف شهرهای مهاباد و بوکان و میاندوآب و سندج، با پرpose خلع ید از دهقانان بی زمین، رشد طبقه کارگر مزدی، رشد و توسعه شهرها و ایجاد پروژه‌های آبیاری، باغداریها، گاوداریها به شیوه سرمایه داری مدرن و ایجاد

شرکتهای سهامی زراعی و کشت
صنعت و غیره، همراه بود.
از سال ۱۳۴۶ کارهای مقدماتی
ایجاد سدی بر روی رودخانه زرینه رود
در شرق بوکان، آغاز گردید. تا آنجا که
بیان دارم مقاطعه کار اصلی این پروژه

شرکت المانی یا اطربیشی ای بود بنام ا.
پور. شرکتهای اروپائی دیگری از فرانسه
و آلمان و غیره نیز بخششای عملیاتی
مختلف این سد را بر عهده داشتند. همچنین
یک شرکت آمریکائی بنام جستین-
کرت، مهندس ناظر کارخانه سد سازی

لورس، مهندس دکتر کل پیروزه سد ساری در منطقه بوکان بود. مردم در محل این سد را سد بوکان مینامیدند، با توجه به اینکه تا کنون احتمالاً نام چند شاه و آیتالله را دست به دست کرده باشد، مبنی همچنان آنرا سد بوکان مینامند.

پیروزی انقلاب چین، جو ضد امپریالیستی دهه ۶۰، پیروزی انقلاب کویا، جنگ آزادیبخش مردم ویتنام، حضور و وزنه سیاسی طبقه کارگر در جامعه، باب شدن مارکسیسم و کمونیسم

نzd چپ غیر کارگری و تبدیل شدن آن به پرچم مبارزه برای رهایی ملی، صنعتی کردن کشور، زدن وابستگی و ایجاد سرمایه داری مستقل و ملی" ، کسب حق تعیین سرنوشت و غیره، سراسر

کشورهای تحت سلطه از جمله ایران و کردستان را نیز تحت تاثیر قرار داده بود. در آن سالها محیط روشنفکری جامعه ایران و کردستان با چینی جو و فضای سیاسی‌ای روپروردید. بویژه بعد از غلبه "مشی توده‌ای" بر "مشی چریکی"، چیزی که آن زمان به این نامها مشهور بود و بحث آن از حوصله این نوشته خارج است، تعقیب مسائل مربوط به مبارزه و زندگی کارگر و زحمتکش پرای ما(من) و رفقای آن دوره من) که تازه با افکار اقلایی و چپ آشنا شده بودیم، از اهمیت

زیادی برخوردار بود. تابستان ۱۳۴۸ در شرکت آ. پور، عنوان امباردار شرکت استخدام شدم با شخص دیگری بنام ویلیام که آسوری زبان و اهل همدان یا اطراف آن بود و از لحاظ سابقه کار از مقدمه ت.

مقدمہ: شوراهاں اسلامی باید منحل شوند

۷۷ شهريور، شماره ۱۲، نشریه ايسکرا از: نقل به

برای شروع، با توجه به کستردگی تحرك کارگری در یک سال اخیر بطور مثال اعتنصاب بزرگ در گروه صنعتی ملی و غیره و با توجه به اوضاع عمومی در ایران، موقعیت کونی جنبش کارگری و ظرفیتهای رشد آنرا چگونه می بینید؟

تحرکات کارگری تقریباً یکساله اخیر را باید به دو دوره تقسیم کرد. دوره اول از حول و حوش انتخاب خاتمی به رئیس جمهوری آغاز میشود و اعتراضات کارگری اساساً حول افزایش دستمزد است و تعریضی است. و دوره دوم با کاهش شدید بهای نفت و خیم تر شدن اوضاع اقتصادی شروع می شود. در این دوره است که بسیاری از کارخانجات با مشکل اقتصادی روپرتو می شوند و تعداد کارخانجاتی که قادر نیستند دستمزد کارگران را بموقع پرداخت کنند دائم افزایش می یابد و بیشترین اعتراضات برای پرداخت بموضع دستمزدها و جلوگیری از اخراج است. بعلاوه بحث بر سر تغییر قانون کار در جهت ضد کارگری تر شدن آن نیز بالا گرفته است. در دوره دوم اعتراضات کارگری اساساً حول دفع حملات رژیم اسلامی و کارفرماها بوده است. در واقع موضوع مبارزه را رژیم و کارفرماها تعیین کرده اند.

با توجه به اوضاع ایران، هر چند در یک نگاه کلی هم اکنون اعتراضات کارگری تدافعی است اما بخش مهم اعتراض علیه کل رژیم است. رشد جنبش کارگری در فراتر رفتن از مسائل فعلی و گشودن عرصه های جدید مبارزه است، مانند دامن زدن به جنبش مجمع عمومی، انحلال شوراهای اسلامی و ایجاد شوراهای کارگری.

مساله دستمزد و کلا مشکلات معيشی یک مضمون و خواست همیشگی مبارزات کارگری است. اشکال ویره طرح این خواست، در شرایط حاضر، و ترکیب آن با خواستهای دیگر مثل حق تشکل و غیره چگونه است؟ کلا اگر کارگان ایران مجال بیانند اساسی ترین خواستهایشان را طرح کنند این خواستهای اساسی در شرایط فعلی کدامها هستند؟

اگر کارگران پس از ۳۰ سال کار بازنشسته شوند تمام کارگرانی که زیر ۲۰ سال سابقه کار دارند، یعنی اکثریت عظیم کارگران ایران، در دوران جمهوری اسلامی پا به محیط کار گذاشته اند. این نسل روز به روز سطح معیشتی کاهش یافته و همواره زیر خط فقر (حال با همان معیار جمهوری اسلامی) زندگی کرده است. به ساعتی کار طولانی و اضافه کاریهای شدید و توان فرسا به ناچار تن داده است. یک طبقه کارگر بیویژه زیر فشار اقتصادی له شده و حامل همه عوارض ناشی از آن، اما از پا نیافتاده و تسليم نشد. اینکه کارگران باید شوراهای کارگری را ایجاد کنند امری اجتناب نپذیر است. زیرا همین میازرات جاری نباید بدون تشکل راه به جای نخواهد برد.

واضح است اگر کارگران مجال یابند، مانند اکثریت مردم ایران خواهان کنار زدن بختک جمهوری اسلامی خواهند شد. اما کارگران بعلاوه باید خواهان مطالبات و ایجاد ارگانهایی شوند که راه آنها را برای یک انقلاب کارگری تسهیل کند. این آن قطب نمایی است که هر حرکت و خواست کارگری باید مد نظر قرار دهد. کارگران باید خود را برای مصافهای عظیم سیاسی آینده آماده کنند. که رفتن جمهوری اسلامی کافی نیست.

خواست آزادی تشکل و مبارزه کارگران برای تحقق آن، اساساً یک مسئله دوره اختناق است و در عین حال خود کلید شکستن اختناق هم هست. بطور مثال در اندونزی به محض فرصت گشایشی در ماههای اخیر، کارگران در سطح وسیعی مشکل شده اند و اکنون دارند با نیروی نسبتاً مشکلی در صحنه کشمکش‌های اجتماعی حضور می‌یابند.

بله، البته اوضاع اندونزی با ایران فعلی متفاوت است. اندونزی یک دوران رشد را پشت سر گذاشته است. و مانند ایران سال ۵۶، هنگامی که شتاب رشد رو به کاهش نهاد اعتراضات شروع شد و رژیم اندونزی را در منگه گذاشت. در صورتیکه ایران فعلی شبیه روسیه است. بحران اقتصادی و سیاسی هر دو کشور اساساً بعلت ناتوانی

رژیمهای انها برای انتطباق با ابتدایی ترین مقتضیات کارکرد سرمایه است. در شرایطی که مسائل بنیادی کل ساختار رژیم مورد مباحثه و مناقشه کل نیروهای اپوزیسیون و حتی جناحهای خود حکومت است کارگران نیز باید بعنوان یک طبقه در همین سطح وارد میدان شوند و مسائل بنیادی رژیم مورد نظر خود را مطرح کنند. پیش روی در این عرصه نیازمند یک طبقه کارگر مشکل است. غیبت در این عرصه حتی تاثیرات منفی خود را بر مبارزات اعتراضی فعلی کارگری مثلاً برای افزایش دستمزد و پرداخت بموضع دستمزدها نیز گذاشته است. کارگرانی که خود را یکی از مدعیان حکومت بدانند و چنین تصویری از خود به جامعه ارائه دهند راه پیروزی خود را در دیگر عرصه های مبارزه اساساً تسهیل کرده اند.

اخیراً و بدینال بازتر شدن شکاف بین جناهای رژیم اسلامی، بنظر میرسد شوراهای اسلامی و ارگانهای هدایت کننده آنها مانند خانه کارگر و روزنامه کار و کارگر تلاش دارند ضمن سد کردن مبارزات کارگری، نارضایتی کارگران را در جهت تقویت خاتمی کاذلیزه کنند. بخشی از جویانات اپوزیسیون طفدار خاتمی هم، بطور مثال اکثیرت، تحت عنوان تبدیل این شوراهای به تشکلهای مستقل، علنا می کوشند کارگران را به همین کانال سوق دهند. ما همیشه کارگران را به انحلال شوراهای اسلامی فرخوانده ایم. بنظر شما در شایط حاضر راه فاشق آمدن بر

شوراهای اسلامی و حلاق شدن در کار
از این ابزارهای جاوسی و سرکوب و
بقیه در صفحه ۸

دولتگرایی اقتصادی تبعیت میکردند. قدرت و ضعف جنبش‌های از لحاظ اجتماعی رادیکالتر و نزدیک تر به آرمانهای سوسیالیستی در میان این دولتها، هر چند تغییری در حوصلت ماهوی این دولتها به وجود نمی‌آورد، خود را در میزان تعهد آنان به رفاه همگانی و برقار اصلاحاتی از قبیل آموزش و بهداشت رایگان برای مردم نشان میداد.

شكل گیری بلوکی متفاوت در شرق به رهبری شوروی همراه با مدل اقتصادی و سیاسی مربوطه، این انقلابات هر چه بیشتر قالبی سوسیالیستی به خود گرفتند که انعکاسی از دولتگرایی اقتصادی در این کشورها و ناشی از مدلی بود که بلوک شرق برای توسعه در مقابل بورژوازی این کشورها قرار میداد. با رشد سرمایه داری و افزایش ململی

بویشه از دهه صست به بعد و همراه با سلطک کامل مناسبات سرمایه داری در یک سلسله از کشورهای مزبور، جنبش‌های اجتماعی حامل آرمانهای ترقیخواهی و توسعه هر چه بیشتر به نیروهای جوانتر و آرمانخواه تر طبقات میانی از یک طرف و جنبش کارگری متشكّل در پوشش احزاب و سنديکاهای طرفدار سوسیالیسم روسی از طرف دیگر متکی شد. برای این دوره دیگر نمیتوان مثل آغاز قرن از انقلابات رهایی‌بخش به طور کلی حرف زد. جنبش‌های مزبور ضمن حفظ همان ایده آنها آنها را می‌توانند از آنها کنار گذاشت.

الها و ارمانها از خصلتی اشکارا چپ تر برخودار شدند. انقلاب کوبا و جنگ ویتنام در این تغییر ثقل نقش بسزایی ایفا کردند. دولتهای تازه تاسیس آنگولا و موزامبیک در آفریقا رسما خود را به سیاست‌سازی متعهد می‌دانستند.

سویی یسمیل افغانستان در پایان این دوره اتفاق افتاد و تمام نشانه های دوران قبلی و بعدی را در خود حمل میکرد. اگر در دهه های پنجاه و شصت هنوز افق رشد و توسعه مبتنی بر دولتگاری یک افق واقعی و جدی و معتبر در مقابل کشورهای "جهان سوم" بود، در پایان دهه هفتاد این تصویر به طور جدی شکاف برداشته بود.

ردود در صفتندیهای نظر ایدئولوژیک همراه با نظریات داری و سنتگری این تحولات را ت مادی و سیاسی مینه مادی برای ای در کشورهای

بحران اقتصادی در خود شوروی از اوایل سیاستهای اجتماعی شهاب تاثیر میگردد.

دهه هفتاد بروز کرده بود، صف کشورهای
طرفدار مدل روسی با توسعه سریع ببرهای
جنوب آسیا براساس مدل اقتصادی رقیب
و بحران در یک سلسله کشورهای بلوک
شرق مثل یوگسلاوی دستخوش تکانهایی
شده بود. با ترک این صف از جانب
سومالی و مهم تر از آن مصر و پیوستن
آنان به اردوی رقیب، برای اولين بار بعد
از جنگ دوم غرب توانسته بود در مقابل
تعرض مداوم ایدنلوژیک و سیاسی شرق
به پیروزیهای دست یابد.

در سطح نظری در یک سلسه از کشورهای جهان سوم نظریه پردازانی یافت شدن که به افقهایی متفاوت از مارکسیسم مسلح بودند. فراتس فانون معروفترین این نظریه پردازان در جهان سوم بود. سیاست نظری تئوریهای متمایل به مارکسیسم و یا وام گرفته از آن به مصاف طلبیده میشد. در ایران جلال آلمحمد و شریعتی نمونه بارز این نظریه پردازان بودند. با این تفاوت که اینجا ورژن ایرانی بسیار مذهبی تر و ارتقایی تر از نمونه های مشابه در گذشته بود.

با این همه جهت با این همه تازه تاسیس از بهتر بگوییم تحولات چپ کرای متمایل به دوان معاص شان

شوری به پایان نرسیده بود. همزمان با انقلاب ایران در نیکاراگوئه نیز انقلابی مشابه به قوع پیوست و مدت کمی قبل از انقلاب ایران نیز تحول چپگرای مشابهی در قالب کودتای افسران در افغانستان منجر به روی کار آمدن دولت پرو روس افغانستان شده بود. هم نیکاراگوئه و هم افغانستان نشان میدادند که کدام افقها بر این تحولات حاکم است. در هر دو این کشورها دولتهای سکولار، چپگرا و تمایل به مسکو، طرفدار اصلاحات و رفرم در مالکیت بر زمین قدرت سیاسی را به دست گفته بودند.

سرنوشت هر سه این تحولات اما
نشان داد که دوران قبلی به پایان رسیده
است. بعد از یک شوک اولیه در افغانستان
تمام امکانات غرب و ماهواره هایش در
منطقه، پاکستان و عربستان، به کار گرفته
شد تا سخت ترین و فشرده ترین جبهه بر
علیه روسیه به کار گرفته شود. در
نیکاراگوئه نیز بسیج کترهای بدون هیچ
کونه ملاحظه حقوق بین المللی در دستور
کار غرب قرار گرفت. در ایران اما اوضاع
متفاوت بود.

ترسیم کرد، پرولتاریای روسیه اما تنها بعد از یک تجربه ۱۲۰ ساله و مجموعه ای از قیامهای کارگری در قاره اروپا- بیش از همه تجربه کمون پاریس - بود که توانست افق یک انقلاب کارگری را به روشنی ترسیم کند. نه انقلاب فرانسه میتوانست تبدیل به انقلابی سویلایستی شود و نه انقلاب اکتبر میتوانست در یک

نوزده سال از انقلاب بهمن ۵۷ میگذرد. در بیستمین سالگرد در باره آن نه تنها اهمیت خود را از دست نداده است، بلکه به جاری در ایران و باز شدن چشم اندازهای تغییر در ساختار سی روز نیز برخوردار است. بازگرگان امروز، یک نسل پس از انقلاب این اتفاق تاریخی، بیش از آن که به دنبال پاسخی در مورد خود خود در قبال حال جامعه ایران و روند تحولات دلخواه خود را به نیست که تمام کسانی که امروز به دگرگونی تدریجی جمهوری شدند بسته اند، انقلاب بهمن ۵۷ را یک اشتباه قابل اجتناب قلل

بمناسبت پیستمین سالگرد انقلاب بهمن

در راه انقلاب بعدی بازنگری یک انقلاب

بھمن شفیق

افق بورژوازی محبوس بماند. یکی محسول دوران روشنگری بورژوازی و دیگری محسول بیش از یک قرن مبارزه کارگری در کل قاره اروپا بود. هر دو آنها افق مطلوب، ضروری و امکان پذیر جنبش‌های پیشو زمان خود را به نمایش می‌گذاشتند. بدون چین افقی وقوع این انقلابات نیز امکان پذیر نبود، همچنانکه در بسیاری از کشورهای دیگر که دچار وضعیت اجتماعی و سیاسی مشابهی بودند چنین اتفاقی واقع نشد.

هر بررسی از انقلاب بهمن نیز چنانچه به این سوال پاسخ ندهد، تنها بخشی از شرایط آن دوره را مورد نظر قرار داده است. از دیکتاتوری و فقر نمیتوان مستقیماً به توضیح علت پیدایش یک انقلاب رسید. دیکتاتوری و فقر در عین حال میتوانند به استیصال مردم و فلاکت اجتماعی منجر شوند. پاسخ این که افق کدام تحول اجتماعی در پایان دهه هفتاد میلادی در ایران منجر به انقلاب شد، تنها توضیح دهنده علت پیدایش انقلاب ۵۷ است، بلکه همچنین در خود پاسخ به خصلت و کاراکتر اجتماعی و تاریخی آن را نیز دارد و این بخشی است که قبل از هر چیز از نقطه نظر سیاسی روز دارای اهمیت است. در مقابل خیل نظریه پردازان ریز و درشتی که اسلامی بودن مردم را دلیل بر اسلامی شدن انقلاب معرفی می‌کنند و سرنوشت مردم را سرنوشتی اجتناب ناپذیر و ساخته دست خودشان میدانند، اهمیت این بحث دو چندان می‌شود.

آخرین حلقه از انقلابات چیگرا

قبلا نیز گفتم که بررسی های متکن بر شرایط دیکتاتوری و فقر در ایران پاسخگوی جرایی پیدا شن انقلاب ۵۷ و توضیح دهنده خصلت و جهت گیری های آن نیستند. این بررسی ها شرایط جهانی را یا نادیده گرفته و یا در بهترین حالت آنرا به فشار هیات حاکمه آمریکا بر دولت ایران به منظور انجام رفمهای سیاسی خلاصه میکنند. ایران سال ۵۷ اما کشوری جدا از مجموعه مناسبات جهانی حاکم بر آن دوره نبود و در شرایط مشابه دهها کشور دیگر قرار داشت. شرایطی که مهر خود را بر حرکت جنبشیاه اجتماعی مختلف در ایران نیز، علیرغم هر ویژگی ام، مکنند.

ای، یکمین بند
دوران بعد از جنگ دوم جهانی دوران
انقلابات ضد استعماری در یک سلسله از
کشورهای آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین
بود. انقلاباتی که بعد از انقلاب اکتبر
تحت عنوان انقلابات رهاییبخش در این
کشورها آغاز شده و به موازات تغییر
شرایط سیاسی و اجتماعی خود این کشورها
از یک طرف و تغییر شرایط سیاسی در
جهان همراه با پیدایش بلوک شرق خصلتی
متفاوت با آغاز قرن به خود گرفتند. اکنون
در آغاز قرن بیستم هنوز انقلابات رهاییبخش
این کشورها دارای کارکتری کاملاً بورژوازی
بودند که رسالت‌شان قبل از هر چیز در
فرامهم آوردن زمینه های رشد بورژوازی و
شکل گیری بازار ملی در این کشورها
خلاصه میشد، بعد از جنگ جهانی دوم و

فراموش شده تاریخی قرار داشتند، امروز و در پرتو آرایش جدیدی که جنبش‌های مختلف اجتماعی به خود میدهند، مورد بازبینی آنان قرار میگیرند. در حالی که جنبش‌های طبقات اجتماعی دیگر از قبل و در امتداد سنتهای تاریخی موجودشان پا به این میدان گذاشته و تلاش میکنند تصویر مطلوب مورد نظر خود را به مفاهیم قابل قبول همگان بدل کنند، در مورد کمونیسم کارگری موضوع کمی متفاوت است. کاری که پیش روی ماست، نه فقط مقابله با روایتهای جنبش‌های دیگر از تاریخ معاصر، بلکه همچنین و اساساً ارائه روایتی کمونیستی از این تاریخ است. روایتی که نمی توانسته از جانب تحلیلگران مختلف جنبش‌های مورد نظر ارائه شود. بدون چنین روایتی از تاریخ معاصر و تبدیل آن به تبیین مورد پذیرش نه تنها کارگران کمونیست، بلکه حتی کل جنبش آزادیخواهانه و برایبری طلب، امر تدارک انقلاب کارگری با دشواری های متعددی روبرو خواهد بود. در پاسخ به تاریخ گذشته انسانها به دنبال جوابی برای آینده هستند و گشودن چشم انداز کمونیستی برای آینده وظیفه پاسخ کمونیستی به تاریخ گذشته است.

بهمن ۵۷: چند روایت اصلی

مبتدل ترین و آشکارا ایدئولوژیک ترین روایتها از انقلاب بهمن را دو جریانی ارائه میدهند که بازیگران اصلی قبیل و بعد از بهمن ۵۷ در صحنه سیاسی ایران بودند. روایت اول متعلق به حکومت اسلامی و احیای هویت اسلامی جامعه قلمداد میکند. روایت برای دستیابی به طیف سلطنتی است که انقلاب را یک فاجعه ملی و اقدامی ارتجاعی دوم نیز متعلق به طیف سلطنتی است که انقلاب را مربوط شرکت کننده در انقلاب بهمن ۵۷ هیچگاه پنهان نکرده اند. تا جایی که به سلطنتی ها مربوط میشود خود انقلاب اساساً علیه اینان صورت گرفت و نظامشان را سرنگون کرد. جای تعجبی نیست، اگر که انقلاب بهمن ۵۷ برایشان فاجعه تلقی شود. اسلامی ها نیز علیرغم تمام جنجال تبلیغاتی شان در توصیف اسلامیت جامعه، امروز بیش از هر زمان دیگری واقعند که اتفاقاً این غیر اسلامی و غیر مذهبی بودن جامعه است که بلای جانشان شده است. روایتهای پروپاگاندیستی این دو جریان از بهمن ۵۷ حتی نمیتوانند مورد پذیرش صفوی خودشان هم واقع شود. از همین رو است که اینجا و آنجا در میان همین نیروها هم کسانی پیدا میشوند که به ریشه یابی انقلاب ۵۷ دست زده و به دنبال علل دیگری برای آن میگردند. علی که اساساً جنبش‌های اجتماعی دیگر آنها را عنوان میکنند. اساسی

- سرکوب بیرحمانه و دیکتاتوری مطلق فردی شاه به وقوع انقلاب منجر شد. اگر شاه به انجام رفمهای در ساختار سیاسی جامعه دست میزد، چه بسا انقلاب واقع نمیشود.

- گرانی و تورم و بیکاری و فقر رو به افزون در جامعه ای شرطمند دلایل وقوع انقلاب ۵۷ بودند. اگر در آمدهای حاصله از رونق نفتی سالهای ۷۰ میلادی به درستی توزیع میشدند، زمینه های مادی وقوع انقلاب کاهش پیدا میکرد.

- حکومت ناه مسقفل بود. این حکومت اگر سیاستی ملی را دنبال میکرد به این زودی ها سرنگون نمیشد.

هسته ای از حقیقت میتواند در هر کدام از این احکام باشد. به ویژه در رابطه با دیکتاتوری و حکومت استبدادی شاه که منشا عظیمی از نارضایتی وسیع توده ای در ایران بود. با این همه هیچ کدام از اینها به تنها برای و حتی تمامی این دلایل نمیتوانند پیشگویی شرایط انقلابی سال ۵۷ را توضیح دهند. در سال ۵۷ مردم ایران دست به یک انقلاب زدن و نه یک شورش بدون هدف و برنامه. این ممکن است که در مقابله با دیکتاتوری و تشدید نابرابری های اجتماعی شورش‌های حتی گسترده اتفاق بیفتند. اما وقوع یک انقلاب تنها در مواجهه با این عوامل امکان پذیر نیست. هر انقلابی ناظر به دگرگونی ساختار سیاسی و اجتماعی (و بخاطر اقتصادی) در جامعه است و بدون روشن بودن خطوط اصلی چنین تغییراتی تصور وقوع انقلابات اگر نه امکان ناپذیر،

حداقل بسیار دشوار است. تاریخ انقلابات و جنبش‌های بزرگ اجتماعی گواه این امر است. جنبش بردگان در روم باستان به رهبری اسپارتاکوس نه یک انقلاب بلکه یک شورش بود. شورش بود از این جهت که خود بردگان اتفاق متفاوت از افق برده داران برای اداره جامعه نداشتند. در مقابل اما حخطوط اصلی نظام آئینه در انقلاب فرانسه بسیار قبل از آنکه خود انقلاب واقع شود، ترسیم شده بودند. برای وقوع انقلاب پیشرفت مادی و تکنیکی بورژوازی کافی نبود، جنبش فرهنگی و سیاسی روشنگران داده‌المعارف نیز به همان اندازه برای وقوع انقلاب لازم بود. عین همین امر نیز در رابطه با انقلاب بلشویکی اکتبر ۱۹۱۷ صدق می‌کند. بدون کار گستردۀ و آگاهگرانه بلشویکها نیز انقلاب اکبر به وقوع نمی‌پیوست. کار گستردۀ ای که قبل از هر چیز در میان توده انقلابی کارگران و مردم مستمده‌ای افق متفاوتی از دولت را ترسیم نمود و ضرورت و امکان پذیر بودن آن را به مثابه امری قابل پذیرش همگان درآورد. در آستانه اکتبر ۱۹۱۷ حتی دشمنان بلشویکها نیز کمترین

تربیدی در امکان پذیر بودن یک انقلاب کارگری نداشتند.
هر انقلابی در عین حال آئینه‌ای از میزان و درجه آکاهی تاریخی مردم شرکت کننده در آن است. خود این آکاهی نیز پذیرد ای است تاریخی و مشخص. اگر در سال ۱۷۸۹ جنبش روشنگری فرانسه افتخارات یک دولت بورژوازی متعلق به طبقه جدید را

بمناسبت بیستمین سالگرد انقلاب بهمن فهرست بخشی از مبارزات کارگران در سال ۵۷

نام واحد	محل	تاریخ شروع	نوع اعتراض	خواسته ها
۱_ کارخانه صنعتی آزمایش	تهران	۵۷/۴/۷	اعتراض	- خودداری از رفتن به شیراز، اعتراض به اخراج سیصد تن از کارگران
۲_ کارگران تنظیمات و باغبانی شرکت نفت	آبادان	۵۷/۴/۱	اعتراض	- اضافه دستمزد همزمان با اول ماه مه روز جشن جهانی همبستگی کارگران
۳_ کوره پزخانه	تبریز	۵۷/۴/۹	اعتراض	- رفاهی
۴_ برق منطقه ای	تهران	۵۷/۲/۲۳	اعتراض	- افزایش حقوق
۵_ سولار	کرج	۵۷/۳/۲۳	اعتراض	- بهبود کیفیت غذا، افزایش دستمزد
۶_ برق	خرمشهر	۵۷/۴/۸	تجمع	- افزایش حقوق
۷_ برق منطقه ای	اصفهان	۵۷/۴/۱۹	تظاهرات	- رفاهی
۸_ رفتگران و باغبانان	آبادان	۵۷/۴/۱۹	اعتراض همراه با تظاهرات	- ۲۵ درصد اضافه حقوق، ۲۰ روز تعطیلی در سال
۹_ کارخانه ایدم	تبریز	۵۷/۴/۲۵	اعتراض غذای سه روزه	- رفاهی
۱۰_ کشتارگاه	تهران	۵۷/۴/۲۹	اعتراض	- رفاهی
۱۱_ خردیاران خانه های کارگری از شرکت واوان	تهران	۵۷/۴/۲۹	تجمع	- اجتماع کارگران در دادگستری بدليل بالا کشیدن پول کارگران توسط شرکت واوان، کارگران از دادستان تهران خواستند از خروج هیات مدیره شرکت ساختمانی به خارج جلوگیری کنند
۱۲_ ذوب آهن	اصفهان	-	اعتراض و درگیری با ساواک	- رفاهی
۱۳_ برق خوزستان	خرزستان	۵۷/۵/۴	اعتراض	- تشکیل سندیکای واقعی
۱۴_ نسخه پیچ و آزمایشگاهی	رشت	۵۷/۵/۴	تجمع	- رفاهی
۱۵_ کبریت سازی توکلی	تبریز	۵۷/۵/۵	اعتراض	- افزایش دستمزد، افزایش مرخصی، تغییر مدیریت، اعتراض به دستگیری و محکمه عده ای از کارگران
۱۶_ چیت سازی بهشهر	بهشهر	۵۷/۵/۲۰	اعتراض همراه با تظاهرات	- رفاهی
۱۷_ تولید دارو	تهران	۵۷/۵/۴	اعتراض	- خواستار تشکیل سندیکا
۱۸_ کارخانه زاگرس	تهران	۵۷/۵/۲۸	اعتراض	- بازگشت ۲۰ نفر از کارگران اخراجی به سرکار
۱۹_ پارس مثال	تبریز	۵۷/۱/۹	اعتراض	- افزایش حقوق و مزایا، افزایش مرخصی سالانه و حق مسکن مساوی با کارمندان، بیکاری نکشیدن از کارگرانی که تبیخ شده اند، احری صحیح طبقه بندی مشاغل، رفع تعیض، پرداخت وام به کارگران و کارمندان، تجدید نظر در ارائه خدمات درمانی کارگران، تجدید نظر در اختساب ساعات غیبت
۲۰_ ماشین سازی	تبریز	۵۷/۶/۱۴	اعتراض همراه با کارمندان	- رفاهی
۲۱_ ایران ترانسفورماتور*	تهران	۵۷/۶/۱۱	-	- افزایش دستمزد، بهبود وضع نابسامان درمانی و زیادی کار، اعتراض به اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، به محکمه کشاندن کارگران ایرانی سازمان قلایی کارگران، اخراج کارکنان زائد خارجی، ایجاد صنایع مادر، انحلال سازمان کارگران
۲۲_ ماشین سازی اراک	اراک	۵۷/۶/۱۴	اعتراض	- رسیدگی به وضع بیمه، نقاوت دستمزد سالانه، تغییر درجه، بیمه عمر، مسکن، لغو کسور، تعطیل پنجشنبه ها، ایجاد درمانگاه، لغو استخدام افراد غیر ضروری احری صحیح طرح طبقه بندی مشاغل، اعلام شدن نحوه خروج پول بیمه، کوتاه کردن دست افرادی مثل سرهنگ مشکینی رئیس انتظامات، کاهش تعداد مدیران اداره مرکزی
۲۳_ کاغذ سازی پارس	اهواز	۵۷/۶/۱۴	اعتراض	- افزایش حقوق، حق مسکن، ایاب و ذهاب، جیره غیر نقدی و حق همسر و اولاد
۲۴_ نورد اهواز	اهواز	۵۷/۶/۱۴	اعتراض	- اضافه حقوق به نسبت کم شدن ارزش پول و بالا رفتن هزینه زندگی، پرداخت نصف حق السهم سال ۵۷، پرداخت سختی کار، اضافه شدن مدت مرخصی، پرداخت حق خواربار، پرداخت حق ایاب و ذهاب، (یکساعت در روز)
۲۵_ شرکت پیمانکاری صنایع فولاد	اهواز	۵۷/۶/۱۴	اعتراض	- هزینه غذا، ایاب و ذهاب و لباس، رسیدگی به دفاتر شرکت در مورد حیف و میل میلیاردها تومان، اعتراض به وعده و وعدهای تولخالی
۲۶_ اهواز، فاستر ویلر، تهران جنوب	تهران	۵۷/۶/۱۴	اعتراض	- ایجاد سندیکای واقعی، اضافه حقوق، هزینه مسکن، هزینه خوارک، حق کار در ارتفاع
۲۷_ شرکت صنایع البرز	تهران	۵۷/۶/۱۴	اعتراض	- رفاهی، حق پاداش
۲۸_ صنایع فلزی	لرستان	۵۷/۴/۱۶	اعتراض و تظاهرات در محوطه کارگان	- افزایش دستمزد، دادن مسکن، امکانات درمانی
۲۹_ مجتمع سیمان دورود	اهواز	۵۷/۶/۱۶	اعتراض همراه با دیگر کارگران صنایع فولاد	- پرداخت حق اولاد، حق مسکن، هزینه لباس، هزینه خوارک، حق کار در ارتفاع
۳۰_ پیمانکار صنایع فولاد	تهران	۵۷/۶/۱۸	اعتراض	- پرداخت پاداش، پرداخت یکماد حقوق بعنوان سود ویژه (علی الحساب)
۳۱_ صنایع فلزی	تهران	۵۷/۶/۱۹	اعتراض	- رفاهی
۳۲_ پالایشگاه	اهواز	۵۷/۷/۱	اعتراض	- تعطیل قائم مقام و مدیر عامل شرکت، دو روز تعطیل در هفته، تهیه مسکن، بازگشت بی قید و شرط ۶۰ نفر از اخراجیها، جلوگیری از ایجاد معیط نظامی، اخراج کارکنان خارجی، استفاده از متخصصان ایرانی
۳۳_ پالایشگاه	آبادان	۵۷/۷/۱	اعتراض موضوعی	- رفاهی، اعلام خواست ها بصورت اعلامیه
۳۴_ پارس توشیبا	رشت	۵۷/۷/۱	اعتراض	- ۳۵ درصد اضافه حقوق، انحلال سندیکا، تعییض مدیریت کانتین، وام مسکن، ایجاد کودک سرا، دو روز تعطیل در هفت، افزایش مرخصی سالیانه، سویس
۳۵_ شرکت سهامی قند	اهواز	۵۷/۷/۹	اعتراض	- خواستهای صنفی
۳۶_ نساجی	تهران	۵۷/۷/۹	اعتراض	- افزایش دستمزد
۳۷_ برق	سنندج	۵۷/۷/۱۱	اعتراض	- اعتراض به مدیریت
۳۸_ دخانیات	تهران	۵۷/۷/۱۳	اعتراض	- اضافه دستمزد
۳۹_ چیت ری	ری	۵۷/۷/۱۳	اعتراض	- طبقه بندی مشاغل، افزایش دستمزد به میزان ۵۰ درصد، حق مسکن، غذای گرم، رفع تعیض بین کارگران ایرانی و خارجی، ۳۱۵ کارگر مستعار مقدم و ۸۹۸ کارگر پشتیبانی کردند
۴۰_ صنایع فلزی	تهران	۵۷/۷/۱۵	اعتراض	- رفاهی، انحلال سازمان کارگران ایران، لغو آئین نامه انصبابی، لغو حکومت نظامی، آزادی زندانیان سیاسی
۴۱_ کارخانه ارج	تهران	۵۷/۷/۱۵	اعتراض	- اعتراض به اخراج کارگران و استخدام جدید کارگر ماهر و نیمه ماهر
۴۲_ معدن سنگرود	گیلان	۵۷/۷/...	اعتراض	- اخراج ۸ نفر از مهندسین، اخراج دستمزد (حداقل ۱۰ تومان روزانه) دو روز تعطیل آخر هفته، اخراج عده ای از تکنیسینها و سرپرستهای وابسته به مهندسی، حق مسکن، (۵۰۰ تومان) بهبود وضع بهداری و کانتین، بهبود وضع سرویس و آب آشامیدنی، کم شدن ساعت کار از ۸ ساعت به ۷۶ ساعت، حقوق اضافه کاری حداقل برای غیررسیمی ها ۱۲۰ ساعت و برای رسیمی ها ۶۰ ساعت
۴۳_ پرسپولیس	مسجد سلیمان	۵۷/۷/۱۶	اعتراض	- پرداخت دو ماه و نیم حقوق عقب افتاده
۴۴_ شرکت بافتکار (چیت تهران)	تهران	۵۷/۷/۱۵	اعتراض	- حق مسکن، افزایش دستمزد، اصلاح طبقه بندی مشاغل
۴۵_ مخلع و ابریشم و حریر کاشان	کاشان	۵۷/۷/۱۵	اعتراض	- رفاهی
۴۶_ دخانیات گیلان	یزد	۵۷/۷/۱۷	اعتراض	- طرح طبقه بندی مشاغل، افزایش حقوق، بندی آب و هو، پرداخت وام ضروری
۴۷_ یافندگی شهرزاد	الطفahan	۵۷/۷/۱۵	اعتراض	- رفاهی
۴۸_ نیروگاه حرارتی لوشان	کیلان	۵۷/۷/۱۶	اعتراض	- رفاهی
۴۹_ زغال شوئی و شهرسازی زرند	کرمان	۵۷/۷/۱۶	اعتراض	- پشتیبانی از کارگران پالایشگاه تهران (کارکنان پالایشگاه تهران نسبت به دستگیری امینیان نماینده و چند نفر دیگر از کارگران اعتراض می کنند)
۵۰_ خطوط لوله شرکت نفت*	تهران	۵۷/۷/۱۶	اعتراض	- اجرای مواد اعلامیه ۲۵ ماده ای کارگران، برکناری روسانی که بنوعی وابستگی به هزار فامیل دارد، ایجاد سندیکا و اتحادیه واقعی
۵۱_ بینز خاور	اصفهان	۵۷/۷/۱۷	اعتراض موضوعی همراه با تظاهرات و راهپیمایی	- دریافت هزینه مسکن بمیزان ۶۰۰ تومان ماهانه، لغو مقررات خشک انتظامی، تغییر مدیریت کارخانه
۵۲_ مجتمع صنایع چوب و کاغذ	تهران	۵۷/۷/۱۶	اعتراض	- رفاهی
۵۳_ میسنندگی اقبال	مازندران	۵۷/۷/۱۶	اعتراض	- رفاهی
۵۴_ کارخانه الکترونیک (۵*)	یزد	۵۷/۷/۱۷	اعتراض	- رفاهی
۵۵_ یافندگی افسار یزدیاب	اصفهان	۵۷/۷/۱۷	اعتراض	- رفاهی
۵۶_ جنرال موتورز	تهران	۵۷/۷/۱۸	اعتراض	- رفاهی
۵۷_ سعادت و سساجان	تهران	۵۷/۷/۲۲	اعتراض	- رفاهی
۵۸_ کارخانه آقاوریسکار	تهران	۵۷/۷/۲۵	اعتراض	- رفاهی
۵۹_ آجریزها	تبریز	۵۷/۷/۲۵	اعتراض	- رفاهی
۶۰_ کارخانه قرقه زیبا	تهران	۵۷/۷/۲۵	اعتراض	- رفاهی
۶۱_ کارخانه کفشه وین	تهران	۵۷/۷/۲۵	اعتراض	- رفاهی
۶۲_ کارخانه ژیوان	تهران	۵۷/۷/۲۵	اعتراض	- رفاهی
۶۳_ لیلاند موتورز	تهران	۵۷/۷/۲۵	اعتراض	- رفاهی
۶۴_ گروه صنعتی رنا (زمیاد - رادیاتور)	تهران	۵۷/۷/۲۶	اعتراض	- اخراج کارکنان خارجی، سپردن مدیریت کارخانه به ایرانیان، حق مسکن، اضافه حقوق، دریافت حق سوابات، حق خواربار، حق اولاد
۶۵_ نیروگاه برق پندر عیاض	بندرعباس	۵۷/۷/۲۷	اعتراض	- اخراج مستولین حفاظت، احتراز به شخصیت کارگران، محاسبه اتلاف وقت ایاب و ذهاب در ساعت کار، فرازیش روزهای تعطیل، ۲۰ درصد اضافه حقوق
۶۶_ کارخانجات مینو	تهران	۵۹/۷/۲۹	اعتراض	- پشتیبانی از کارکنان صنعت نفت اهواز، لغو حکومت نظامی، آزادی زندانیان سیاسی
۶۷_ نفت	گچساران	۵۷/۸/۳	اعتراض	- رفاهی
۶۸_ کشت و صنعت کارون	اهواز	۵۷/۸/۳	اعتراض و اعتراض غذا	- رفاهی
۶۹_ نساجی	تهران	۵۷/۸/۴	اعتراض	- رفاهی، تعویض بعضی از افراد مدیریت
۷۰_ معدن مس سرچشم	کرمان	۵۷/۸/۴	-	-

(۱*) در ۷ شهریور ۵۷ در قانون کار تجدید نظر می شود، بیمه بیکاری برقرار شده، سه روز تعطیل سالانه اضافه می شود، به کارگرانی که قبل از موعد بازنشسته می شوند مستمری کامل پرداخت می شود.

(۲*) ۲۱ شهریور، آئین نامه انصبابی کار را رئیم منتشر کرد دایر بر اخطار شدید به کارگران که " محل کار را بدون اجازه ترک نکنند، رفتار

(۳*) ۱۱ مهر، مذکوره رئیم با نایندگان کارکنان صنعت نفت، تفاوچ بر سر: کمک مسکن، افزایش حق کارگاری به میزان ۱۰ درصد مزد ثابت، افزایش فوق العاده غذا از ۵ رویال به ۱۰ رویال، تأیین زمین برای شرکت تعاوی مسکن کارگران

به نقل از: نشریه خبرکارگر، شماره ۶

۵۷ فهرست بخشی از مبارزات کارگران در سال ۵۷

نام واحد	محل	تاریخ شروع	نوع اعتراض	خواسته ها
راه آهن	اصفهان	۵۷/۸/۹	اعتراض	- رسیدگی به کارهای مدیران خارجی (فرانسویان) که دارای حقوق های هنگفت اند، رسیدگی به وضع بورس های واگذاری دولت های خارجی به مقامات بالای اداری، فراهم نمودن امکانات لازم برای ترقی مهندسین و تکنیسین های راه آهن، پرداخت وام و هزینه مسکن به کارگران اعم از رسمی و غیر رسمی، کمک های غیرنقدی، تغییر ضریب حقوقی کلیه کارکنان رسمی، رفع محدودیت های تحصیلی و جایگزینی تعویض بجای مدرک در کلیه رشته ها، پس گرفتن کلیه بیمارستانها و درمانگاههای راه آهن از وزارت بهداری، رسمی شدن کارگران روز مردم و بیمانی، رفع محدودیت های شرکت های تعاوی نظامی، تزمین کتبی مبنی بر عدم دخالت قوای نظامی در امور پالایشگاه، آزادی بقیه و شرط زندایان سیاسی و بازگشت تبعید شدگان، انجام ۲۵ مورد خواستهای صنفی، مجازات عاملان کشته راهی اخیر (در جریان تظاهرات شعار اتحاد، مبارزه، پیروزی می دانند)
۷۴_پالایشگاه	آبادان	۵۷/۸/۷	اعتراض و تظاهرات	- پالایشگاه بر خواستهای سیاسی، لغو حکومت نظامی، تزمین کتبی مبنی بر عدم دخالت قوای نظامی در امور پالایشگاه، آزادی بقیه و شرط زندایان سیاسی و بازگشت تبعید شدگان، انجام ۲۵ مورد خواستهای صنفی، مجازات عاملان کشته راهی اخیر (در جریان تظاهرات شعار اتحاد، مبارزه، پیروزی می دانند)
۷۵_کارخانه سیمان	لوشان	۵۷/۸/۷	اعتراض	- پرکناری ۵ نفر، مذاکره پس از پرکناری ۵ نفر
۷۶_کیهان، اطلاعات، پیغام امروز	تهران	۵۷/۸/۷	اعتراض	- لغو سانسور، اعتراض به سانسور مطبوعات و اعتراض به یورش نظامیان به واحدهای مطبوعاتی
۷۷_تاسکسیران ارشت	رشت	۵۷/۸/۸	اعتراض	- رسیدگی به امور مالی
۷۸_پست	تهران	۵۷/۸/۸	اعتراض، اختلال در سیستم پست	- رفاهی و سیاسی
۷۹_برق	قزوین	۵۷/۸/۸	اعتراض و کم کاری	- ۲۰ درصد اضافه دستمزد
۸۰_جایگاههای پمپ بنزین	تهران	۵۷/۸/۸	اعتراض و اولتیماتوم	- ترمیم دستمزدها، رسیدگی به وضع بهداشت، تامین مسکن، حذف مقررات دست و پا کیر، تجدید نظر در طرح طبقه بندي مشاغل، تدوین مقررات بازنشستگی (مهلت تا ۱۴ آبان)
۸۱_پتروشیمی ایران و ژاپن	بندر شاهپور	۵۷/۸/۸	اعتراض	- لغو حکومت نظامی در سراسر کشور، آزادی زندایان سیاسی، برچیده شدن قوانین تحمیلی یکطرفه به سود شرکت، حفظ حیثیت کارگران ایرانی در برای کار ژانپنی، عدم مداخله افراد غیر شرکتی در امور داخلی، تغییر فوری عده ای از روسا
۸۲_پالایشگاه تبریز	اصفهان	۵۷/۸/۸	اعتراض، نامه به نخست وزیر و اعتراض	- برداشتن عنصر نظامی کارخانه و خروج نظامیان از محل کار
۸۳_ذوب آهن *	تهران - کرج	۵۷/۸/۹	اعتراض	- پاشین آمن زندگی، افزایش دستمزد، حق مسکن، طرح طبقه بندي مشاغل، سود ویژه، بهداشت محیط، مزایای شغلی، وام ضروری و مسکن
۸۴_کارخانه شیمیکو	بندر شاهپور	۵۷/۸/۱۰	اعتراض غذا	- تامین خواستهای سیاسی (از درود کارگران ژانپنی به داخل کارخانه جلوگیری شد)
۸۵_پتروشیمی ایران و ژاپن	-	۵۷/۸/۱۰	اعتراض	- قطعنامه ۲۱ ایاده ای: عدم مداخله قوای انتظامی در امور پالایشگاه، افزایش حقوق و مزایا برای خنثی کردن تورم، تامین مسکن (سازمانی و غیر سازمانی) افزایش پاداشها، پرداخت حقوق افراد مشارک، انعقاد قراردادهای دسته جمعی، انجلاز اداره روابط صنعتی و تشکیل شورای اداری متشكل از نمایندها کارگران
۸۶_صنعت نفت	تبریز	۵۷/۸/۱۰	اعتراض	- قطعنامه ۱۲ ماده ای: خواست صنفی نداریم، آزادی کلیه زندایان سیاسی، بازگشت تبعیت شدگان، لغو حکومت نظامی، انجلاز اداره روابط صنعتی و تشکیل شورای اداری، متشکل از نمایندها کارگران
۸۷_پالایشگاه تبریز *	شیراز	۵۷/۸/۱۰	اعتراض	- پشتیبانی و اعلام همبستگی از کلیه خواستهای کارگران صنعت نفت جنوب
۸۸_پالایشگاه	تهران	۵۷/۸/۱۰	اعتراض	- حمایت کارگران قسم های پژوهش، پخش، اکتشاف، خط لوله، بازرگانی و گاز پالایشگاه از کارگران صنعت نفت جنوب، فرهنگیان، دانشگاهیان و روحانیان و کلیه طبقات مردم
۸۹_صنایع فلزی	تهران	۵۷/۸/۱۵	اعتراض	- رفاهی، تجمع در ناهارخوری، یادبود شهدای دانشگاه (حمله ارشت به دانشگاه در ۱۳ آبان)، تظاهرات و راهپیمایی از کارخانه به طرف میدان اقلاب، حمله پلیس، دستگیری ۴ تن، پراکنده شده و در دسته هایی دانشگاه تهران آمدند. پس از ۴۸ ساعت اعتراض خدا با گرفتن خواستهای صنفی اعتراض پایان یافت
۹۰_کارخانجات نورد	المواس	آذربایجان	اعتراض	- لغو حکومت نظامی، آزادی زندایان سیاسی، ازدواج مطبوعات و اجتماعات، لغو قراردادهای استعمالی، محکمه علیعی اعلیان آتش سوزی سینما رکس
۹۱_راه آهن *	تهران	۵۷/۹/۲۲	اعتراض و کم کاری	- نابودی رژیم سلطنتی، برقراری آزادی بیان و قلم، انحلال پلیس راه آهن و خواستهای رفاهی
۹۲_صنعت نفت	خوزستان	۵۷/۹/۲۵	اعتراض	- میزان استخراج نفت از ۶ میلیون به یک میلیون بشکه (برای آنکه مردم مبارز ایران در مضيقه نباشد) باندازه مصرف داخلی تولید می شود
۹۳_گمرک	تهران	۵۷/۱۰/۲	اعتراض	- دو ماه و نیم اعتراض اداره دارد، محدودیت که تعلیمی کنند: مواد غذایی مورد نیاز، تode های مردم از جمله دارو، شیر خشک اطفال، کاغذ بلی کپی و تکثیر
۹۴_نفت	خوزستان	۵۷/۱۰/۴	اعتراض	- کارگران به دلیل اینکه نفت به آفریقای جنوبی و اسوانیل و ارتش سرکوب گر داده می شد تولید را به کلی قطع کردند
۹۵_دخانیات	تهران	۵۷/۱۰/۵	تحصن	- کارگران اعتراض می کنند چرا سه چهارم سیگار مصرفی ایران از آمریکا تامین می شود، در حالیکه کشاورز توتونکار ایرانی بیکار مانده است، لغو حکومت نظامی
۹۶_ریگال سنگ	کرمان	۵۷/۱۰/۱۰	اعتراض و کم کاری	- تمحص در اداره ذوب آهن کرمان
۹۷_صنعت نفت	خوزستان	۵۷/۱۰/۱۲	اعتراض	- تولید نفت را برای مصرف داخلی به ۲۲۰ هزار بشکه رسانند. توافق بر سر خروج نظامیان از محوطه تاسیسات
۹۸_ریگال سنگ	کرمان	۵۷/۱۰/۱۶	اعتراض	- پشتیبانی از فرهنگیان متخصص در آموزش و پروژه
۹۹_ریگال سنگ	تهران	۵۷/۱۰/۱۷	بیانیه، تحریم	- سه شرط برای تولید: خروج کلیه فوای نظامی و عدم هرگونه تهدید و ارعاب در بین کارگران ، تولید نفت خام و فرآورده های نفت فقط باندازه تامین مصرف داخلی کشور و جلوگیری از صدور نفت، کنترل و توزیع متعادل فرآورده های نفتی در داخل کشور و جلوگیری از احتکار ارتش
۱۰۰_صنعت نفت *	تهران	۵۷/۱۰/۱۸	کم کاری	- مصرف سیگارهای خارجی را تحریم کردند
۱۰۱_دخانیات	تهران	۵۷/۱۰/۱۸	اعلامیه، اعتساب	- بمنظور جلوگیری از تبلیغات رژیم هر شب یکسات برنامه تلویزیونی را قطع می کنند
۱۰۲_مخابرات	تهران	۵۷/۱۰/۱۸	اعلامیه، اعتساب	- مستولان نظامی نفت را احتکار می کنند
۱۰۳_پالایشگاه تهران و انبار نفت ری	تهران	۵۷/۱۰/۱۸	اعلامیه، اعتساب	- قطارها را در اختیار نظامیان از راننده دهیم
۱۰۴_راه آهن	تهران	۵۷/۱۰/۲۰	اعلامیه	- تشکیل جمهوری اسلامی اخراج کارگران آمریکایی شرکت، لغو قراردادهای خارجی، آزادی رادیو و تلویزیون، لغو امتیازات و پست های نورپوشی
۱۰۵_صنایع الکترونیک وابسته به صنایع جنگ تهران	دراخونی اهواز	۵۷/۱۰/۲۰	اعتصاب	- کارگران اعلان می دارند که تیپروگاه امنیتی بملت ایران تحمیل شده، شروع اعتراض از مهرماه ادامه دارد
۱۰۶_نیروگاه اتمی	تبریز	۵۷/۱۰/۲۱	اعتصاب	- اجتناب در بحوضه کارخانه، تعقب سوء استفاده کنندگان مالی کارخانه
۱۰۷_ماشین سازی	-	۵۷/۱۰/۲۱	قطعنامه	- کالاهای قابل ترجیح: مواد غذایی مورد مصرف مردم، دارو و مواد اولیه آن، لواز پزشکی و جراحی بیمارستانی، کاغذ روزنامه
۱۰۸_گمرک	اصفهان، اهواز	۵۷/۱۰/۲۳	اعتصاب	- بعلت اعتراض همگانی تولید فولاد در ایران بکلی متوقف شده
۱۰۹_ذوب آهن	کرمان	۵۷/۱۰/۲۲	ادامه اعتتصاب	- به توصیه خیانی ۱۰۰۰ تن از کارگران برای جلوگیری از خاموش شدن کوره های کک سازی مشغول کار شدند
۱۱۰_ذغال سنگ	-	۵۷/۱۰/۲۳	اعتصاب	- بیانیه شماره ۱۱۱ اعضا های امنیتی کارگران متحصن در قسمت تلسک خبکس در تمحص
۱۱۱_شرکت واحد	تهران	۵۷/۱۰/۲۳	اعتصاب	- بعلت مکبود سوخت خاموشی برق غلا اجرا نمی شود (برای رفاه مردم)
۱۱۲_برق سراسری	تهران	۵۷/۱۰/۲۳	اعلامیه، اعتساب	- بخار اعتصاب راه بیافتند و اعتراض شکسته شود، در وحله اول نظامیان، مهمات و آذوقه خود را حمل می کنند
۱۱۳_مخابرات	تهران	۵۷/۱۰/۲۳	همراه با تحصن	- که قدمی بر ضد جنبش است
۱۱۴_مخابرات	تهران	۵۷/۱۰/۲۴	ادامه اعتتصاب همراه با تحصن	- شروع کار قسمت پخش و فروش بدستور آیت الله طالقانی، برای رفاه مردم، همبستگی با شورای همبستگی کارگران وزارت خانه
۱۱۵_آلومینیوم سازی	ازار	۵۷/۱۰/۲۴	اعلامیه	- بعلت حفظ همبستگی با ملت ایران، کارگران متحصن: قسمت تلسک خبکس در تمحص
۱۱۶_راه آهن	تهران	۵۷/۱۰/۲۵	اعتصاب	- راهپیمایی آرام شعار علیه رژیم و دولت، خریدار سهام آمریکایی ها و انتقال آن به مردم ایران
۱۱۷_سازمان قند و شکر و چای	-	۵۷/۱۰/۲۵	-	-
۱۱۸_شهرداری تهران	تهران	۵۷/۱۰/۲۵	اعتصاب	- اعلامیه شماره ۱۱۲ اعضا های امنیتی
۱۱۹_سازمان بنادر و کشتیرانی	-	۵۷/۱۰/۲۵	اعلامیه	- اجتناب در بحوضه کارخانه
۱۲۰_بنز خاور	تهران	۵۷/۱۰/۲۶	تجمع	- قطعنامه
۱۲۱_ارج	تهران	۵۷/۱۰/۲۸	تجمع	- شروع کار قسمت پخش و فروش بدستور آیت الله طالقانی، برای رفاه مردم، همبستگی با شورای همبستگی کارگران وزارت خانه
۱۲۲_ساختمانی پرسیزیون	مسجد سلیمان	۵۷/۱۰/۲۸	تهدید	- اول دیما، صندوق های اعضا هایی که نفخان و کارگران اعتضای روزنامه های اخراجی را تصالح خواهند کرد.
۱۲۳_ایران ناسیونال	تهران	۵۷/۱۰/۲۸	حمایت	- دیماه ۵۰۰۰ کارگر و کارمند خارجی بندر عباس را ترک کردند.
۱۲۴_صعت نفت جنوب *	خوزستان	۵۷/۱۰/۲۸	اعلامیه	- دیماه یکمین کمیته راه بیافتند و اعتراض شکسته شود، در وحله اول نظامیان، مهمات و آذوقه خود را حمل می کنند
۱۲۵_گمرک	تهران	۵۷/۱۱/۱	اعتصاب	- استبداد، حکومت آینده موظف به در نظر گرفتن منافع طبقه کارگر می باشد ...

(۶*) قست هایی از نامه کارگران ذوب آهن اصفهان: ... بیانید و بینید که سایبان ما در اینجا تانک و توب و تفنگ و سرینه است و ما در پناه را بکاریم ... و قتی وارد محظوظ کارخانه می شویم اگر که به اردواه اسرای جنگی قدم گذاشته ایم ... با لوله تفنگ و سرینه است که ما را بکاریم برند.

(۷*) ۱۳ آبان، کوت "سنیکای کارگران فرانسوی اعلام کرد که از کارگران و مردم ایران در مبارزات اخیرشان برای کسب آزادی و دمکراسی حمایت کامل خواهد کرد.

(۸*) ۱۴ آبان، زان بربان "رنیس اتحادیه بین المللی سنیکایهای حمل و نقل آف." اس. ام. بنام ۱۷ میلیون اعضا این اتحادیه همبستگی کامل خود را با مبارزات کارگران حمل و نقل در ایران اعلام کرد.

(۹*) ۱۵ آبان، کارگران پالایشگاه، تهران خواست اعاده حیثیت نماینده دوره قبل (بداله خسروشاهی) و سایر همکاران" را به خواستهای قبلي خود افزودند.

(۱۰*) ۱۶ آبان، که قدمی بر ضد جنبش است، بعلت اینکه می خواست اعاده حیثیت نماینده دوره قبل (بداله خسروشاهی) و سایر همکاران" را به خواستهای قبلي خود افزودند.

(۱۱*) ۱۷ آبان، کارگران شماره ۱۱۲ اعضا های امنیتی کارگران فرانسوی اعلام کردند که از کارگران و مردم ایران در مبارزات اخیرشان برای کسب آزادی و دمکراسی حمایت کامل خواهد کرد.

(۱۲*) ۱۸ آبان، کارگران شماره ۱۱۳ اعضا های امنیتی کارگران فرانسوی اعلام کردند که از کارگران و مردم ایران در مبارزات اخیرشان برای کسب آزادی و دمکراسی حمایت کامل خواهد کرد.

نکردن. تاریخ بیست ساله جمهوری اسلامی چیزی نیست غیر از کشمکش و جدالی گاه پنهان و گاه آشکار، اما همواره خوبی، بین مردمی که نخواستند جمهوری اسلامی را به عنوان سرنوشت دائمی خود پیشبرند و رژیمی که در صدد تحییل خود بر این مردم بوده و هست. کشتار تقریباً کامل یک نسل از غالیین چپ، این حاملین ایده‌های آزادی‌خواهانه انقلاب بهمن، هر چند توانست رعب و وحشتی بی‌سابقه را بر جامعه ایران حاکم گرداند، در مطبع کردن مردم اما ناتوان ماند. این واقعیت امروز بیش از هر زمان دیگر در کوچه و خیابان‌های تهران آشکارتر می‌شود. انقلاب بهمن مردم را به قدرت خود آگاه ساخت. این آگاهی امروز و بعد از گذشت بیست سال زنده تر و توانمندتر خود را نشان میدهد.

دوم این که انقلاب بهمن پایان یک دوران تاریخی و آغاز دوران دیگری را اعلام کرد. طبقات و جنبش‌های اجتماعی با تمام ابعاد خود در این انقلاب پا به میدان گذاشتند و در کوتاه‌ترین مدت با چنان شفافیت خود را در معرض قضایت مه‌گان قرار دادند که در یک دوران آرام تکامل اجتماعی برای آن می‌شد. موقعیت شتو پلیتیک ایران نیز واکنش سریع در مقابل این اوضاع را به دهها سال زمان نیاز بود. بورژوازی نشان داد که در ضدیت با آرمانهای برای طبلانه کارگران و تپیدستان جامعه از توصل جستن به سیاه ترین سرکوب و ضد انسانی ترین روش‌های حکومت ابایی ندارد. افسانه بورژوازی ملی و متفرقی همراه با انقلاب به کور سپرده شد. مذهب نشان داد که کوچکترین نشانی از انسانیت در آن نیست و تمامیش چیزی نیست جز ارجاعی سر تا سیاه و خصم آشنا ناپذیر مر آنچه که نشانی از زندگی و زیبایی و انسانیت بر خود دارد. مذهب در انقلاب بهمن محک تاریخی خورد و چهره واقعی آن حتی برای متوجه ترین اشاره روشن شد.

چپ ازمان خواه روشنگری نشان داد که نه دارای توان تاریخی برای رهبری طبقه کارگر به پا خاسته است و نه قادر است افقی جدید برای خود و مردم جامعه طرح کند. برعکس، در تقدیس توده‌ها تا به آنجا پیش می‌رود که مهر تایید خود را بر ارجاعی که به نام ضدیت با امپریالیسم سخن می‌گوید بکوید. فرجم تاریخی این چپ چیزی نبود جز تجزیه و پیوستن بخششی مختلف تشکیل دهنده اش به جنبش‌های اصلی جامعه. انقلاب بهمن این روند را با شتابی باور نگرفته است متحقق کرد.

و سرانجام طبقه کارگر نشان داد که جنبشی است متفاوت با تمام جنبش‌های دیگر در جامعه. جنبش کارگری در ایران سال ۵۷ به همان قالبهایی از چپ روی آورده که شرایط روز جهان در اختیارش گذاشته بودند. در کوتاه‌ترین مدت اما نه مخموانی بین این جنبش و آن قالبها برای پیگیری ترین بخشش‌های طبقه دیگر امری بدبیه بود. به میدان آمدن طبقه کارگر در انقلاب بهمن نیتویانت در همان چهارچوب های محدود بماند که چپ برای خود در نظر گرفته بود. این غولی بود که در آن شیشه جا نمی‌شد. تولد و قدرت گیری نقد مارکسیستی در جامعه پاسخی بود که جنبش سوسیالیستی کارگران با خود به ارمنان آورد. نقد کمونیستی کارگری ایران در متن انقلاب ۵۷ پا به میدان گذاشت و برخلاف چپ تاکنوی روند رشد و بالندگی را پیمود. این بزرگترین دستاورده انقلاب بهمن بود. اگر برای قدرت گیری کمونیست کارگری در شرایط تکامل آرام جامعه دهها سال کار نظری و سیاسی لازم بود، در شرایط انقلابی سالهای آخر دهه پنجم این روند در کوتاه‌ترین مدت طی شد. جایجایی ثقل چپ در ایران از اردوی سوسیالیست‌های نوع روسی و چینی یا متایل به آن به یک صفت کمونیستی انگکاسی از همین روند بازگشت ناپذیر بود. روندی که اگر ادامه می‌یافت و با سرکوب خوین سال شصت قطع نمیشد، به پیروزی انقلاب بهمن می‌انجامید.

امروز و بعد از گذشت دهه از بهمن ۵۷ تحقق آرمانهای برای طبلانه و آزادی‌خواهانه مردم شرکت گذشته در آن یک نیاز فوری جامعه است. انقلاب بهمن به عنوان آخرین حلقة از انقلابات چپ‌گرای قرن معاصر و در عین حال از آخرین تلاش‌های مردمی در گوشه‌ای از جهان برای تحقق بخشیدن به این آرمانها در قالب جهان دو قطبی بود. دو دهه بعد از آن تنها انقلاب بیهوده ای از خلاصه نیافتد همانطور که خود مرتضی می‌گشت را پذیرفتند، هیچگاه تسلط جمهوری اسلامی را به عنوان واقعیتی غیر قابل تغییر قبول نمیشد.

بهمن شفیق، آوریل ۹۸

به نقل از: نشریه خبرکارگر، شماره ۶

شورایی این زمینهای و شورش‌های دهقانان بی‌زمین در کردستان و سایر نقاط روسایی نشان میداند که مردم از این واقعیت که قدرت سیاسی ضربه خورده است به خوبی واقنعت خود را به موازات دستگاه دولتی دست به اعمال حاکمیت مستقیم میزندند.

انقلاب بهمن یک انقلاب همگانی دیر هنگام بود. از نقطه نظر تکامل ساختار تولیدی و مناسبات سرمایه داری ایران بسیار فراتر از آن بود که انتلافی از طبقات دارای منافع متصاد برای مدنی طولانی پارچا بماند. و قطب اصلی جامعه را از مدتی قبل کار و سرمایه تشکیل میداند. با اولین حرکات در مبارزه طبقاتی و به محض پیدا شدن تختین شکافها در سیستم سیاسی حاکم طبقات اصلی متخاصل جامعه، طبقه کارگر و سرمایه دار به صفت ارایی در مقابل یکدیگر برخاستند.

برای بورژوازی جنبش روزگاری را به بورژوازی ثابت کرد. در

آستانه بهمن ۵۷ همه چیز در انقلاب ایران حکایت از چرخش سریع جامعه به سمت چپ داشت. از روشهای مبارزه گرفته که با اعتصابات کارگری و داشتجویی و داشن آمزوری و ظاهرات‌های عظیم در شهرها تا بی اعتقادی

کامل به آپارات دولتی که در تمايل روز افزون به درهم شکستن این دستگاهها

خود را نشان میداد و سرانجام نیز در ۲۲ بهمن منجر به جنگ مسلحانه با ارگانهای سرکوب شد، همه و همه شناههای های محلات و همچین

سازمانهای مردم و امدادات مردم در جهت رفاه همگانی و آزادی نیز تاییدی بر همین

جهتگیری رادیکال و چپ انقلاب ۵۷ به شمار میرفتند.

انقلاب دیر هنگام و روند تجزیه

همگانی بود. با این تفاوت که هم مقطع زمانی وقوع انقلاب و هم شرایط داخلی این انقلاب همگانی را بسیار زودتر از انقلابات مشابه به صوف مختلف تجزیه کرد. در حالی که تحت پوشش شعارهای عمومی از قبیل آزادی و ضدیت با دیکتاتوری و خواست استقلال محورهای اصلی انقلاب بیان می‌شد، روند تجزیه نیروهای شرکت کننده در آن و تبدیل آنان به صوفی در مقابل مشهود داد ادامه داشت. نخستین مصافی که به این تجزیه اعاد سیاسی

دلایلی که قبلاً گفتیم به سرعت صورت گرفت تا مانع گسترش دینامیک پرتوان انقلاب شود.

جمهوری اسلامی محصول پیروزی انقلاب ۵۷ نبود، محصول این پیروزی

تنها که تواست یک دولت چپ‌گرا باشد. شکل گیری جنبش دولتی به رهبری

پیشروی انقلاب قلداد می‌کرد. اگر تا آن زمان فشار این نیروها باعث آن

می‌شد که بورژوازی تن به خواستهای آن بدهد، از جمله در مورد شعار برکناری شاه که بورژوازی با اکراه و تنها بعد از ۱۷ شهریور ۵۷

داد، در مورد مستله ارتش و دستگاه دولتی قضیه متفاوت بود. شکاف

پیارامون این موضوع که در آلتنتایوهای متفاوت "ارتش برادر ماست" از جانب

بورژوازی و "مشت کره کرده ما فدا مسلسل می‌شود" از جانب مردم رادیکال

خود را طرح می‌کرد، سرانجام در ۲۲ بهمن ۵۷ به روایوی سیاسی کامل

بین خود جنبش‌هایی که در آغاز کنار می‌دانند اینجا می‌گردید. تلاش‌های

بورژوازی که در این زمان دیگر کاملاً زمام امور خود را به جنبش اسلامی

تحت رهبری خمینی سپرده بود، علیرغم به کار گرفتن نفوذ خمینی به جایی

نزدید و مردم ضربات سختی بر آپارات سرکوب وارد آورند. دستگاه دولتی

شکاف برداشت و این یکی از بزرگترین ضرباتی بود که انقلاب ۵۷ بر بورژوازی

وارد کرد.

علاوه بر آن نیز در حالی که بورژوازی از همان آغاز اهداف انقلاب را

در مشارکت سیاسی خود در قدرت خالصه می‌کرد، کارگران و مردم کم درآمد

در شهرها و روستاهای اهداف دیگر را دنبال می‌کردند. آنها خواهان اضافه

دستمزد، خدمات رایگان شهری، مسکن مناسب، بیمه و بهداشت رایگان برای

ساختمانهای مسکونی خالی نشان میدادند که کارگران تنها به طرح این

مطلوبات اکتفا نکردند، بلکه خود به تناسب قدرت به اجرای آنان نیز دست

خواهند زد. اجرای مستقیم هفتنه کار چهل ساعته در بسیاری از کارخانجات،

اقدام دهقانان ترکمن صحراء در مصادره زمینهای زمینداران کلان و اداره

خواسته شده اند به کار برگردانه شوند

او لا انقلاب ۵۷ ضریب ای سخت بر دستگاه دولت وارد کرد. قیام ۲۲

بهمن اقتدار نظام سرکوب را بر هم ریخت. مردم یاد گرفتند که نظام حاکم

شوندگان نخواهند، حتی قویترین دستگاههای سرکوب نیز کارآیی نخواهند

داشت. جمهوری اسلامی البته تواست به نام انقلاب خشن ترین نسل کشی

را راه اندخته و انقلاب را به خون بکشد. ولی نه بورژوازی ایران به طور کلی

و نه جمهوری اسلامی به طور مشخص می‌چگاه از کاپوس تکرار مجدد انقلاب

بهمن خلاصی نیافتند همانطور که خود مردم هم گرجه شکست را پذیرفتند،

خواهند شدند. اجرای مستقیم هفتنه کار چهل ساعته در بسیاری از کارخانجات،

اقدام دهقانان ترکمن صحراء در مصادره زمینهای زمینداران کلان و اداره

خواسته شده اند به کار برگردانه شوند

جمعی از کارگران صنعت نفت، کارخانه بی‌خوار، ماسین سازی تبریز، در جهت اهداف توحیدی امام

خمینی، خواستار جامعه توحیدی با الهام از کفالت شرعیتی، آزادی زندانیان سیاسی، محکوم کردن اخراج

برخوداری از چاب گذرنامه و اوراق بهادر

برنامه ملی شدن صنعت نفت ایران مورخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹. تهیی، تقطیم و اجرای یک برنامه کامل تولید

و استخراج و سود نفت خام

قطعنامه، قطعنامه همبستگی با صنعت نفت، کارخانه بی‌خوار، ماسین سازی تبریز، در جهت اهداف توحیدی امام

XMENI، خواستار جامعه توحیدی با الهام از کفالت شرعیتی، آزادی زندانیان سیاسی، محکوم کردن اخراج

برخوداری از چاب گذرنامه و اوراق بهادر

برنامه ملی شدن صنعت نفت ایران مورخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹. تهیی، تقطیم و اجرای یک برنامه کامل

و استخراج و سود نفت خام

قطعنامه، قطعنامه همبستگی با صنعت نفت، کارخانه بی‌خوار، ماسین سازی تبریز، در جهت اهداف توحیدی امام

XMENI، خواستار جامعه توحیدی با الهام از کفالت شرعیتی، آزادی زندانیان سیاسی، محکوم کردن اخراج

برخوداری از چاب گذرنامه و اوراق بهادر

برنامه ملی شدن صنعت نفت ایران مورخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹. تهیی، تقطیم و اجرای یک برنامه کامل

و استخراج و سود نفت خام

قطعنامه، قطعنامه همبستگی با صنعت نفت، کارخانه بی‌خوار، ماسین سازی تبریز، در جهت اهداف توحیدی امام

XMENI، خواستار جامعه توحیدی با الهام از کفالت شرعیتی، آزادی زندانیان سیاسی، محکوم کردن اخراج

برخوداری از چاب گذرنامه و اوراق بهادر

برنامه ملی شدن صنعت نفت ایران مورخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹. تهیی، تقطیم و اجرای یک برنامه کامل

و استخراج و سود نفت خام

قطعنامه، قطعنامه همبستگی با صنعت نفت، کارخانه بی‌خوار، ماسین سازی تبریز، در جهت اهداف توحیدی امام

XMENI، خواستار جامعه توحیدی با الهام از کفالت شرعیتی، آزادی زندانیان سیاسی، محکوم کردن اخراج

برخوداری از چاب گذرنامه و اوراق بهادر

برنامه ملی شدن صنعت نفت ایران مورخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹. تهیی، تقطیم و اجرای یک برنامه کامل

و استخراج و سود نفت خام

قطعنامه، قطعنامه همبستگی با صنعت نفت، کارخانه بی‌خوار، ماسین سازی تبریز، در جهت اهداف توحیدی امام

XMENI، خواستار جام



حقایقی تکان دهنده از: وضعیت کودکان دنیا

ترجمه و تنظیم از: سوسن بهار

آنچه در زیر می خوانید تنها بخشی از حقایق و فاکت های تکان دهنده ای است که "سازمان جهانی کار" در یکی از آخرین گزارش های خود درباره وضعیت کودکان انتشار داده است. بنا به این گزارش: "در طول سال ۹۵، ۲۳ میلیون کودک بین ۱۰ تا ۱۶ ساله دنیا به نوعی کار اشتغال داشته اند." طبعاً تعداد کودکان کارگر بسیار بیش از این هاست. خود گزارش "سازمان جهانی کار" نیز اشاره می کند که: "اشغال به کار کودکان در کشورهای نظری چین و اغلب کشورهای پیشرفته صنعتی شامل این گزارش نمی شوند."

* با توجه به نکته فوق و بر اساس گزارشات موجود، ۵۶ درصد کارگران کودک در کشور های در حال توسعه را پسران تشکیل می دهد.

* دختران کارگر در مقایسه با پسران بیشتر مورد ست و آزار قرار می گیرند. چرا که ساعات کار بیشتری دارند، دستمزد کمتری می گیرند، در خانه هم مجبورند کار کنند، و به عنوان یک روند عمومی درصد کمتری از آن ها در مقایسه با پسران از شانس تحصیل برخوردار می شوند.

* بنا به گزارش سازمان های بین المللی، هر سال دستکم یک میلیون دختر بچه به تجارت و استثمار جنسی سوق داده می شوند و یا به زور و ادار به تن فروشی می گردند.

* کار کودکان، در کشورهای صنعتی نیز به امری رایج تبدیل شده است. فقط در بریتانیا بین ۱۵ تا ۲۶ درصد کودکان یازده ساله کار می کنند.

* یک سوم خانواده های متوسط و ثروتمند کشورهای کلمبیا و سری لانکا دارای کارگران خانگی زیر ۱۴ ساله هستند. اما چون کار آنان، غالباً کار خانگی است و ارزش کذاری نمی شود، در گزارشات رسمی نیز مورد اشاره قرار نمی گیرد.

بلند شدم، شاید از ترس بود، تمام تم از گرما می سوخت. صاحب کارخانه، به کارخانه الكل سازی رفته بود و تمام روز آنجا بود. کودک دیگری که در همان اتاق من زندانی بود، این را گفت. وقتی که صاحبکار برگشت، با وجودی که اتاق خیلی گرم بود، اجاق گاز را روشن کرد. او شروع به سوال کردن درباره بچهها پرسید. مدرساهای شهریه را بخوردند. مدرساهای که در آن بچه می پرسید: بچهها کجایند؟ در حال سوال کردن، یک میله آهنه از جیش در آورد و بر روی اجاق گاز گذاشت. وقتی که میله خوب داغ و سرخ شد، دوباره از من پرسید: بچهها کجایند؟ من جواب ندادم. او شروع به زدن من کرد، اما من باز هم چیزی نهگتم. او مرا زیر مشت و لگد گرفت، اما من باز هم نگفتم. او با کفش هایش مرا می زد. کودکی که در اتاق بالای سر ما مشغول کار بود، شروع به کوپیدن در کرد. صاحب کار در را باز کرد و بیرون رفت. وقتی که برگشت، دوباره به کنک زدن من پرداخت و این بار با میله فلزی داغ تم را سوزاند. اینقدر کنک خودم که حرف زدن را فراموش کرد. تا مدت های نمی توانست حرف بزنم. وقتی که بدمن در اثر زخمها غفونت کرد، مرا بیرون انداخت. مردم به من کمک کردند و بیماریم را معالجه کردند.

سوال: آیا برخورد قانونی به این صاجگاران می شود؟ آیا پلیس آنها را دستگیر می کند؟

جواب: نه، آنها پلیس را می خردند. پلیسها پول می گیرند و صاحبکاران را آزاد می کنند. هیچ اتفاقی نمی افتد.

سوال: چه حرفی برای کفتن به بچه های دیگر داری؟

جواب: قبل از هر چیز آرزو می کنم، که هیچ بچه های مجبور به داشتن سرنوشتی

بقیه در صفحه ۱۵

جواب: من ۱۱ سالگام و الان در مدرسه آزاد در کلاس هفتم درس می خوانم. مدرسه های آزاد را احسان درست کرده و معنی اش این است که این مدرسه بچه ها و پدر و مادر هایشان است. بچه های احتیاج ندارند، غصه اونیفورم مدرسه یا پرداختن شهریه را بخوردند. مدرساهای که در آن بچه به هیچ وجه تنبيه نمی شود. مدرساهای آزاد تا کلاس پنجم هستند، اما من الان در کلاس هفتم و در مدرساهای دیگر درس می خوانم.

سوال: تو که یکی از راه پیمان را به بچه های علیه کار کودک هستی، ممکن است خواسته هایی را برایمان بگوئی؟

جواب: من می خواهم که همه بچه های مدرسه بروند و تمام کسانی که از بچه های کار می کشند، مجازات شوند.

سوال: بعضی از سازمان های تجارت تجات کودک، می گویند که بچه های دوست دارند کار کنند و به همین دلیل می خواهند سن کار قانونی را در کشورهای آسیا و آفریقا، به ده سال برسانند. نظرت چیست؟

جواب: این درست نیست، بچه های احتیاج به کار ندارند، به کتاب احتیاج دارند و توانایی نوشتند. امروز ۲۵۰ میلیون کودک در جهان به کار مشغولند. بچه هایی که در رستوران ها، کارخانه های قایلیافی، و .. کار می کنند، باید به مدرساهای بازگردانه شوند. هیچ بچه ای نمی خواهد کار کند، بلکه مجبور به کار می شود. اگر قرار نباشد که گرسنه بماند، بتواند به مدرسه برود، و پدر و مادرش در ازای پول نفوشندش، هرگز حاضر نیست کار کند. اینها مجبور نبوده اند، که در کودکی حتی روزی نیم ساعت چه رسید به ۱۲ ساعت کار کنند، که چین حرف های می زندند.

سوال: لطفاً خودت را معرفی کن و کمی درباره زندگی ات توضیح بدہ.

جواب: اسم من نگسار است و از هندوستان آمدام. من از ۴ یا ۳ سالگی شروع به کار کردام. پنج سال در کارخانه قالیبافی کار کردام. در سه یا چهار سالگی (خوب به خاطر ندارم) وقتی که پدر و مادرم خانه نبودند، "به فروش" مرا دزدید و به صاحب کارخانه فروخت. من تنها نبودم، از دهکده ما بچه های دیگر را هم دزدیده بود. ما را به علا آباد هندوستان بردند. اولش بلد نبودیم، قالی بیافیم. ما را کنک می زندند، با ترس و حشت قالیبافی را یاد گرفتیم.

و وقتی که قالی بافتند را در آنجا باد

گرفتیم، "به فروش" ما را به کارخانه دیگری در شهر ببارس برد، که شهر بزرگی در هندوستان است. صاحب کارخانه به ما غذای کافی نمی داد. از ساعت ۳ صبح تا ۱۲ ظهر کار می کردیم، بعد تا ساعت ۳ بعد از ظهر استراحت داشتیم و دویاره کارمان تا ۱۲ شب ادامه می بیافتد. با پچه های دیگر دسته جمعی تصمیم گرفتیم، که از کارخانه فرار کنیم و به کارخانه دیگری بروم که اگر به ما پول نمی دهند، اقلام غذای کافی بدهنند. "به فروش" همیشه از بابت ما پول می گرفت و ما نمی دانستیم. نقشه فرار را کشیدم. با فرا رسیدن شب، دسته جمعی فرار کردیم. به دهکده بعدی که رسیدیم، متوجه شیم که این کار را کردیم، دولت شروع به زدن برچسب به رهبر ما، احسان، کرد. آنها گفتند، که احسان وطن فروش است و خیلی را خطناک می دانستند.

بحث و مشورت کردیم. دست آخر

من تصمیم گرفتیم، که برگردم و او را

بیاورم. چهار ساله بود و غیر از ما کسی

را نداشت. برگشتم، اما صاحبکار می تر

بود و مرا دستگیر کرد. مرا در یک اتاق

زندانی کردند. تمام شب من در اتاق تنها

بودم. فردا آن روز با تدبیر شدید از خواب

حقوق کودکان الان!

Children's Rights Now

امنیت، رفاه، آزادی، بازی، شادی، و عشق، بزرگترین نیازها و بدیهی ترین حقوق زندگی هر کودک است. متأسفانه اکثریت کودکان ما، در دنیا معاصر، از این حقوق محرومند و پاسخی به نیازهایشان نمی بایند. ما هرچند که نمی توانیم زمان و امکانات از دست رفته تاکنون را به آنها بازگردانیم، اما برای بهبود وضعیت همین امروز و آینده آنها می توانیم و می باید کاری کنیم. نهاد "حقوق کودکان الان" Children,s Rights Now، به منظور دفاع از حقوق کودکان و برای پاسخ گوئی به این نیازها بوجود آمده و هدف اولیه خود در شروع فعالیت را: "خواست تحصیل رایگان و سکولار برای کودکان زیر ۱۸ سال" در کشورهای ایران، پاکستان، افغانستان، و بنگلادش، قرار داده است.

"حقوق کودکان الان"، تشکلی بین المللی است که در کلیه کمپین های دفاع از حقوق کودک (از قبیل: کمپین مبارزه برای ممنوعیت کار و بردگی کودکان، مبارزه علیه تجارت سکس کودکان، و سربازگیری از کودکان، شرکت خواهد کرد و تمامی تلاش خود را برای آسایش و امنیت این کودکان و تامین زندگی انسانی آنان به کار خواهد گرفت. "الغای تبعیض جنسی بین دختران و پسران" و "رفع کامل محدودیت های مذهبی" علیه آنان، از مبانی اصلی دیگر این نهاد است.

"حقوق کودکان الان"، نه تنها خواستار اجرای بی درنگ و بی واسطه کلیه مفاد کنوانسیون حقوق کودک" به نفع کودکان در این کشورهاست، بلکه بطور همزمان می کوشد با آگاه نمودن و بسیج افکار عمومی و سازمان های مدافعان حقوق کودک از سطح این خواستها فراتر رفته و کنوانسیون های جدیدی را منطبق با آخرین دستاوردها و امکانات جامعه بشری، به نفع زندگی انسانی و مدرن کودکان، طرح نموده و باراه اندازی کمپین های بین المللی، زمینه های عملی تحقق آنها را فراهم نماید.

اسناد و مبانی نظری و عملی "حقوق کودکان الان" بزودی به زبان های مختلف منتشر خواهد شد. "حقوق کودکان الان" Children,s Rights Now، از همکاری احزاب، سازمان ها، نهادها، و شخصیت های مدافعان حقوق کودک را به گرمی می فشارد و از حضور و حمایت آنها از این نهاد با صمیمت استقبال می کند.

احسان الله خان، موسس جبهه رهایی بخش کودک از کار بردگی BLFF، سوسن بهار، موسس و سردبیر نهاد و فصل نامه کودک "داروگ"، ۲۲ نوامبر ۱۹۹۸

Adress:
Darvag BLFF
Box 1305
111 83 Stockholm- Sweden
Vaster g. 19
531 52 Lidkoping- Sweden
Tel: (46) 70-444 22 90 Fax: (46) 8-796 94 61
E. Mail: darvag@swipnet.se

گفتگو با بچه های "گلوبال مارش"

در سوم ماه مه ۹۸، تعدادی از کودکان کارگر که از نهم ژانویه یک راه پیمانی جهانی (زعفرانی) ضریح گردیدند، در مسیر راه پیمانی از هندوستان و پاکستان آغاز کردند، در مسیر راه پیمانی اعترافی خود به مقصد کنفرانس سالیانه سازمان بین المللی کار در زنون، که در ماه زوئن برگزار می شد، به سوند رسیدند. سوسن بهار، سردبیر نشیوه "داروگ" ضمن آن که به همراه تعدادی از همسکاران و علاقمندان نوجوان این نشیوه واحد حزب کمونیست کارگری در استکلهم و سازمان ها و نهادهای سوندی مدافعان حقوق کودک به استقبال این کودکان رفته بود، شی را نیز مهمن آنها بود و با آنها و صحبت های تکان دهنده شان از بردگی کودکان بسی برد. آنچه که می خواستند تنها بخشی از گفتگوی صمیمانه و مفصلی است که در "داروگ" شماره ۹ به چاپ رسیده است.

سوال: یتمور جان، می توانی برای بچه هایی که "داروگ" را می خوانند، کمی راجع به زندگی ات صحبت کنی؟

جواب: چهار ساله بودم که در کارخانه آجریزی به کار مشغول شدم. وقتی که کار کوکردیم، صاحب کارخانه ما را می زد. او به ما دو بار در روز غذا می داد. روزی ۱۲ ساعت کار می کردیم. کار سخت بود، آجرها سنگین و دسته های ما کوچک. در آنجا به اتفاق پدر و مادرم کار می کردند.

تا این که یک روز احسان الله خان به محل کار می آمد. او با پدر و مادر من دیگر، دست به اعتراض زدیم. از دولت بودیم. او از من سه سال بزرگتر بود، اما خیلی مهربان و صمیمی بود. همه بچه های دوست بودند و با ما حرف می زدند. وقتی که اقبال را از ما می گرفتند، ما بچه های با معلم هایمان و احسان و خیلی های دیگر، دست به اعتراض زدیم. از دولت بودیم. اما دو بار در روز غذا می داد. روزی ۱۶ آپریل ۱۹۹۵ کشتدند. من و اقبال دیگر دسته جمعی تصمیم گرفتیم، که از کارخانه بفرار کنیم و به کارخانه دیگر کنند. وقتی که این کار را کردیم، دولت شروع به زدن برچسب به رهبر ما، احسان، کرد. آنها گفتند، که احسان وطن فروش است و خیلی چیزهای دیگر. بعد از مرگ اقبال، کارگران چیزهای دیگر شدند، که ما را به مدرسه رسیدند.

وقتی صاحب کارخانه موضع را فهمید، پدر و مادرهای ما را مجبور کرد که کارخانه را ترک کنند و آنها بیکار شدند. یکی از همکلاسی های ما به نام اقبال ZBLLF مسیح از کارخانه فرار کرد و به لامور نزد احسان رفت و در یکی از ۲۵ مدرسه های کارگری رسید. برش از کار بردگی شدند. راستی چند سالت است؟

سوال: یتمور جان، الان چکار می کنی؟ برای بچه هایی مثل ما درست

* با توجه به نکته فوق و بر اساس گزارشات موجود، ۵۶ درصد کارگران کودک در کشور های در حال توسعه را پسران تشکیل می دهد.

* دختران کارگر در مقایسه با پسران بیشتر مورد ست و آزار قرار می گیرند. چرا که ساعات کار بیشتری دارند، دستمزد کمتری می گیرند، در خانه هم مجبورند کار کنند، و به عنوان یک روند عمومی درصد کمتری از آن ها در مقایسه با پسران از شانس تحصیل برخوردار می شوند.

* بنا به گزارش سازمان های بین المللی، هر سال دستکم یک میلیون دختر بچه به تجارت و استثمار جنسی سوق داده می شوند و یا به زور و ادار به تن فروشی می گردند.

* کار کودکان، در کشورهای صنعتی نیز به امری رایج تبدیل شده است. فقط در بریتانیا بین ۱۵ تا ۲۶ درصد کودکان یازده ساله کار می کنند.

* یک سوم خانواده های متوسط و ثروتمند کشورهای کلمبیا و سری لانکا دارای کارگران خانگی زیر ۱۴ ساله هستند.

* دختران بیش از پسران کار می کنند. اما چون کار آنان، غالباً کار خانگی است و ارزش کذاری نمی شود، در

گزارشات رسمی نیز مورد اشاره قرار نمی گیرد.

منتشر شد

اولین دفتر «نگاه» ژانویه ۱۹۹۹، به «اسلام و سیاست در ایران معاصر» اختصاص دارد.

در این دفتر، گفتگوهایی با منصور حکمت، داریوش همایون، اصغر کریمی، محمدرضا شالگونی و نوشتۀ هایی از فرهاد بشارت، محسن ابراهیمی، اعظم کم گویان، بیژن هدایت، جعفر رسا، سوسن بهار، حسن وارش، نوول های کوتاهی از مینا اسدی و صادق هدایت، و ترجمه هایی از لودویگ فونرباخ، لینین و... را می خوانید.

مدیر مسئول و سردبیر:
بیژن هدایت
مشاورین سردبیر:
فرهاد بشارت و اعظم کم گویان

Neghah
Box 9096
102 71 Stockholm
Sweden

پرسش
فصل نامه سیاسی،
اجتماعی، و علمی – شماره
اول

در این شماره مصاحبه هایی با منصور حکمت، فرج نگهدار، داریوش همایون، گری سیک، استیون فرینکس، حمید تقی‌ای، رضا برانی، هادی خرسنده، سوزان روشن، نوام چامسکی، استفانی کونتر، علی جوادی، باب دیلن و ... را می خوانید.

مدیر مسئول و سردبیر:
علی جوادی
Porsesh
P.O.Box 19640
Vancouver BC.V5T 4E7
Canada

داروغ

فصل نامه کودک – شماره پنجم در این شماره، مطالعی درباره مدارس آزادی در پاکستان، مصاحبه ای با منصور حکمت در زمینه حقوق کودک، داستانهایی از آسترد لیندگرن، سوسن بهار، جانات سویفت و ...، مصاحبه ای با دکتر وحیدرواندوس در مورد یادگیری کودکان، شعر و بازی و سرگرمی، تازه های علم و... را می خوانید.

سردبیر: سوسن بهار
Darvag
Box 1305
11183X Stockholm
Sweden

اطلاعیه اعلام موجودیت "انجمن اکتبر، مرکز بروزی مسائل سیاسی و اجتماعی ایران"

سیر اوضاع سیاسی ایران، تعمیق بحران سیاسی رژیم اسلامی و گسترش روز افزون مبارزات و تلاشهای بخششی مختلف مردم برای بهبود و تغییر اوضاع، مجدد سیاست را سیال و مسائل متعدد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را به موضوع مجادله نیروهای اجتماعی و در مرکز صحنه سیاست قرار داده است.

هرماه با گسترش رودرودی در بالا، که خود انعکاسی از شکل‌گیری صفت‌بندیهای جدید در پائین و تقابل با کل رژیم اسلامی است، در اپوزیسیون ایران نیز نیروهای سیاسی بیش از هر زمان دیگر سیر تکوین داشته اند. کل جامعه در آستانه تحولاتی مهم و انتخابهای اساسی‌ای قرار گرفته است. جنبش‌های اجتماعی و احزابی که بعنوان سخنگویان سیاسی آنها بجلو رانده می‌شوند، بسته به موقعیتی که در جامعه پیدا می‌کنند، تلاش خواهند کرد که آینده جامعه ایران را رقم بزنند. در چنین موقعیتی ببررسی راه حلها و نقطه نظرات سیاسی و اجتماعی در عرصه‌های گوناگون بیش از هر زمانی موضوعیت و مبرومیت یافته‌اند. تلاشهایی که بویژه در دو سال اخیر در فرم جلسات سیاسی و سمینارها صورت گرفته‌اند از این نیاز سچشم می‌گیرند.

"انجمن اکتبر"، تلاش دارد که به این نیاز روزافزون به سهم خود پاسخ گوید. این انجمن تربیونی برای معرفی نقطه نظرات و راه‌حلهای سیاسی و اجتماعی احزاب سیاسی و شخصیت‌ها و فعالین عرصه‌های مختلف به جامعه ایرانیان خارج کشور است.

"انجمن اکتبر" با ترتیب دادن جلسات سیاسی، میزگرد، سمینار، مناظره، جلسات پرسش و پاسخ و اشکال دیگر بحث و جدل، فعالیت خود را در جهت روشنگری، بالابردن تشخیص سیاسی در باره تحولات ایران و نقش و جایگاه نیروهای اپوزیسیون به پیش می‌برد. انجمن با انتشار مباحث بصورت جزو، کتاب و نوار آنها را در اختیار علاقه مندان قرار می‌دهد.

"انجمن اکتبر" از پیشنهاد صاحب‌نظران برای تقویت این امر و کمک به گسترش فضای سیاسی خارج کشور صمیمانه استقبال می‌کند.

مسئول انجمن اکتبر،
مرکز بروزی مسائل سیاسی و اجتماعی ایران

سیاوش دانشور
12702 Skärh,
Sweden.

Tel. (46) 070 - 765 63 62

Fax. (08) 659 82 22

e. post: siavash_d@yahoo.com

اعلام موجودیت مرکز مطالعات کردستان ناوهندی لیکولینه‌وهی کوردستان Kurdistan Research Centre -KRC

"مرکز مطالعات کردستان" KRC، Kurdish Research Centre نهاد بین‌المللی برای بررسی مسائل کردستان را تأسیس کرد و سایر مسائل سیاسی و اجتماعی کردستان از دیدگاهی آلت‌راتنیو است که بدوا در چند کشور اروپایی آغاز به کار می‌کند.

کردستان که در چهارچوب مرزهای دولتی چند کشور خاورمیانه قرار دارد، بخشی از جامعه جهانی معاصر است و در مسائل و مشکلات آن سهیم است. نابرا برای اقتصادی و اجتماعی، فقر گستره اکثریت اهالی، مسائل زن و مشکلات کودکان، از جمله مسائل اجتماعی ای هستند که در کردستان هم، مانند سایر جوامع خاورمیانه و جهان، موجودند و از زاویه همین خصلات عام و جهانی بررسی می‌شوند. در عین حال مسائل ملی که حاصل دهها سال ستم ملی و جنگ و کشتار و سرکوب دولتهاي منطقه و قدرت‌های جهانی است، یک مفضل مهم سیاسی است که در قرن حاضر و بویژه دهه‌های اخیر، زندگی مردم کردستان را تلخ تر و مشقت بارتر کرده است. پیامدهای مسائل ملی، از خسارات انسانی تا بیحقوقی سیاسی و مدنی و محرومیت گستره را در چنگال خود می‌شارد.

"مرکز مطالعات کردستان" فعالیت خود را با اقدامات زیر آغاز می‌کند:
۱- برگزاری پانل، سمینار و سخنرانی پیرامون مسائل بالا، با شرکت صاحب‌نظران

دارای دیدگاه‌های مختلف.
۲- انتشار مباحثات این جلسات بشکل جزو و کتاب به زبانهای کردی و فارسی و، در صورت امکان، عربی و انگلیسی.
۳- ارتباط با نهادهای علمی و مطالعاتی ای که در همین زمینه کار می‌کند.

فاتح شیخ الاسلامی
اکتبر ۱۹۹۸

K.F.K.S.
Box 15203
104 65 Stockholm
SWEDEN
E.Mail: fa.shaik@swipnet.se

گفتگو با بچه‌های "گلوبال مارش"

مثل من نباشد. بدین‌جهانیها و سختی‌های را که من پشت سر گذاشتم، نداشته باشد. بچه‌ها باید از کار کردن رها شوند و به مدرسه بروند. می‌توان در عرض به پدر و مادرها کار داد، که فقیر نباشند. من آرزو می‌کنم، که همه ما دسته جمعی علیه کار کودک مبارزه کنیم، طوری که کار کودک در تمام دنیا از بین بود، نه فقط در هندوستان.

* * *

سؤال: خود را معرفی کن و کمی از خودت بگو.

جواب: من صیف هستم و از بنگلادش در رژه شرکت کرده‌ام. خیلی بجه بودم که پدر و مادرم را از دست دادم و می‌توان گفت که در خیابان بزرگ شدم. روزها آشغال جمع می‌کنم، البته برای دیگران. شبها زیر پل‌ها خواهد شد. هنوز هم مسکن مشخصی ندارم. البته الان هم درس می‌خوانم و هم کار می‌کنم.

سؤال: گویا شعری هم در این رابطه گفته‌ام؟

جواب: شعر نه، ترانه‌ای است که به اتفاق نظیر احمد برایتان اجرا کردیم.

آشغال جمع کن زیر پل‌ها میخواهی،

روزا همش تو راهه،

زیر لبی میخونه کاشکی بیشتر بخورن،

منم نونی گیرم بیاد،

شکم از عزا در بیاد،

اینوری میره، اینظروری. اونوری میره اونظروری،

جارو پارو میکنه، زمینو نو میکنه،

رخت نوئی نداره، چه کار کنه بیچاره!

ما بچه‌ای گلوبال مارش اداشو در میاریم،

تا که همه برای آزادیش، نقشای بچین،

تا وقتی خوشبخت نشه، کار دیگهای نداریم.

حقایقی تکان دهنده از وضعیت کودکان دنیا

بچه‌های از صفحه ۱۴

کودکان و تحصیل:

* ۱۴۰ میلیون کودک ۶ تا ۱۱ ساله، در کشورهای در حال توسعه، از امکان تحصیل و آموزش برخوردار نیستند. تعداد کودکانی که مجبور به ترک تحصیل می‌شوند نیز به همین میزان می‌رسد. ۳۰ درصد از کودکانی که تحصیلات ابتدائی را شروع کرده اند، نمی‌توانند آن را به پایان برسانند. در بعضی از کشورها این نسبت به ۶۰ درصد می‌رسد.

* در مجموع، در کل دنیا، ۲۰ درصد کودکانی که در سنین تحصیلات ابتدائی بسر می‌برند، از تحصیل و آموزش محرومند.

* در آفریقا، در بخش جنوبی صحراء ۴۷ درصد، در آسیای میانه و شمال آفریقا ۴۷ درصد، در آسیای جنوبی ۳۴ درصد، در آسیای شرقی و ناحیه اقیانوس آرام ۶ درصد، در آمریکای لاتین و کارائیب ۱۲ درصد، و در اروپای مرکزی و شرقی ۱۳ درصد، کودکان به مدرسه نمی‌روند و از امکان تحصیل و آموزش بی بهره می‌مانند.

* تحقیقات نشان می‌دهند که به ۶ میلیارد دلار بیش از آنچه که هم اکنون خرج تحقیل کودکان می‌شود، نیاز است تا تمامی این کودکان باسوساد شوند. و البته این رقم، کمتر از یک درصد هزینه‌ای است که سالیانه برای خرید و استفاده از اسلحه، در دنیا، خرج می‌شود.

قوانين بین‌المللی در مورد کار کودکان:

* در سال ۱۹۱۹، کوانسیون "سازمان جهانی کار" تصویب کرد که کودکان زیر ۱۴ سال نباید در کارخانه‌های صنعتی به کار گرفته شوند. ۷۲ کشور این مصوبه را پذیرفتند.

* ۱۹۳۰، کوانسیون میان کار اجباری کودکان را منع کرد. این مصوبه مورد قبول ۱۳۹ کشور قرار گرفت.

* در سال ۱۹۶۶، توافقنامه بین‌الملل سازمان ملل در مورد "حقوق شهروندی و سیاسی" شامل این بخش هم بود که کار اجباری منوع اعلام گردد و کودکان از استمار اقتصادی محفوظ بمانند.

* ۱۹۷۳، کوانسیون "سازمان جهانی کار" در مورد کار کودکان، تصریح نمود کودکان فقط زمانی که تحصیلات اجباریان را باشند، و یا حداقل ۱۵ سالگی را پشت سر گذاشته باشند، حق استخدام و اشتغال دارند. حداقل سن برای انجام کارهای شاق همان سال، حداقل سن برای اشتغال به کارهای شاق به ۱۶ سالگی تقلیل داده شد.

* ۱۹۸۹، کوانسیون حقوق کودک سازمان ملل، ضمن بررسی حقوق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، و شهروندی کودکان، در بند ۳۲ در مورد حفاظت کودکان از کارهایی که به سلامتی، رشد، و تحصیل، آنان لطمه می‌زنند، هشدار داد. این کوانسیون به امراض ۱۸۷ کشور رسید.

اطلاعاتی در مورد کودکان دنیا:

* بیش از ۲ میلیارد کودک (تا ۱۸ ساله) در دنیا وجود دارد.

* تقریباً ۹ نفر از هر ۱۰ کودک دنیا، یعنی ۸۷ درصد، در کشورهای در حال توسعه بسر می‌برند.

* درصد از کودکان، تحت حمایت قانونی کوانسیون جهانی کودک قرار دارند که تاکنون توسط ۱۸۷ کشور پذیرفته شده است. ۴ درصد بقیه در آن ۶ کشوری بسر می‌برند که هنوز کوانسیون جهانی کودک را پذیرفته اند.

* هر سال بیش از دوازده و نیم میلیون کودک زیر ۵ سال در کشورهای در حال توسعه می‌زیند. نه میلیون از این کودکان در اثر بیماری هایی جان خود را از دست می‌دهند که کشورهای پیشرفت‌هایی می‌باشند با داروهای ساده و ارزان، و شناخته شده از یک قرن قبل، آن ها را مداوا کنند.

همبستگی بین المللی

بنیادی ترین اصل مبارزه کارگری ماست

بقیه از صفحه اول

که مورد مخالفت برخی از شرکت کنندگان بود، نظر ندادیم. من تمام مطالب آنها را خواندم و فقط همان مطلب را که مورد بحث نمایندگان مخالف بود خواندم. ما تصمیم گرفتیم که کتاب با این قضیه برخورد کنیم. بدلیل اینکه مخالفین دو خواسته معین را مطرح کردند. یا طالب نوشته شده روی میز کمیسیون باید تصحیح شود، یا باید آنها را از کنفرانس بیرون کرد. این درخواست آنان بود. ما هم کتاب پاسخ دادیم که اولاً نه ما مطالب آنها را تصحیح می‌نمی‌نیزیم و نه از آنها درخواست ترک کنفرانس را خواهیم داشت. و سوال شما در مورد ستم علیه زنان در کشورهای مسلمان پاسخ وسیعتری را می‌طلبد که این موضوع مورد بحث کنفرانس نبود.

حمایت شما از میز کتاب کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران نشان داد که همبستگی بین المللی در رابطه با مبارزات زنان و مبارزات کارگری نقش کلیدی ایفا می‌کند. می‌خواستم بدانم که در همین رابطه، آیا کارگران و زنان در ایران میتوانند در مبارزات آئینه خود برای سرنگونی جمهوری اسلامی، همچون گشته، مثل کارگران نفت، روی حمایت و همبستگی کامل کنگره کار کانادا حساب کنند؟

البته، بنظر من اتحاد و همبستگی مسئله خیلی مهم است. و کارگران کانادایی اهمیت حمایت از مبارزات بین المللی را که انجام می‌دهند به روشنی می‌دانند. و میدانند که این حمایت چه تاثیر بسازی در نوع مبارزه ای که ما در داخل و در سطح جهانی انجام میدهیم دارد. برای هر شکستی که ما در مبارزه خود در سطح داخلی می‌خوریم، این شکستی برای طبقه کارگر در سطح جهانی خواهد بود. کارگران بدو در نظر گرفتن اینکه از کدام کشور آمدند و با توجه به موقعیت‌شان، موظف هستند تا در مقابل اتحاد بین المللی مسئله باشند. در واقع این بنیادی ترین اصل مبارزه کارگری ماست که ما برای آن اعتبار عظیم قائلیم. ما در بخشی از روش کنفرانس های این کنفرانس به این سوالات نیز پاسخ دادیم. تنها باید سعی کنیم که اینکار را ادامه بدھیم و راهی را ایجاد کنیم که تمام کارگران در اتحادیه ها و همچنین فعالین اجتماعی نیز آنرا دنبال کنند. به عبارت دیگر دانستن اینکه ما از نظر تئوری از این سیاست برخورد ارای خود امتنایی بود و این خود یک شکل از حمایت از همبستگی بین المللی با کارگران است. ما احتیاج داریم که در نظر برگیریم اگر دولت ایران موفق شود که مبارزه کارگران نفت را سرکوب کند، سرمایه داران و دیگر دولتها نیز از تجربیات و تاکتیکهای آنها برای سرکوب مبارزات کارگری در کشورشان استفاده خواهد کرد. در نتیجه به نظر من این مسئله ای هم و لازم برای ما در بلند کردن صدایمان، و تبدیل آن به یک صدای بسیار قوی، و در به حرکت درآوردن نیروی خویش برای تقویت مبارزه کارگری در سطح بین المللی است. همچنین ما باید نیروی خود را به حمایت از کارگران بدن هرگونه نژادپرستی به حرکت در آوریم. به نظر من این مبارزه ما را در سطح بین المللی قویتر می‌کند. با توجه به وجود سرمایه های چند ملیتی و قدرت کردن سرمایه ای این شیوه احترام بگذاریم و چنانچه توانیم بدان دست یابیم من نیز می‌خواهیم برداشته باشیم. اگر ما به این کارگران نیز باید هوشیاری بسیاری بخواهیم برد. بخار اینکه کارفرمایان این موضوع را می‌فهمند و علیه ما بود خواهشان استفاده خواهد کرد. اگر سرمایه داران بدانند که همچونه صدای اعتراض بین المللی وجود ندارد و هیچ مانع قادر به جلوگیری از انتقال سرمایه و تولیدشان از این کشور به آن کشور نخواهد بود، آنوقت امان را از کارگران در سطح مهانی خواهد گرفت. در ضمن سرمایه داران باید بدانند که اگر هرگونه امتنایی در کشوری برای طبقه کارگر وجود داشته باشد، این امتنایی را باید برای همه کارگران در کشورهای دیگر نیز یکسان باشد. در گذشته کارگران ایران از حمایت ما برخودار بودند. و من مطمئنم که کنگره کار کانادا به این حمایت خود در آینده نیز ادامه خواهد داد. کنگره کار کانادا همیشه نظرات خودش را در نوشته های خود به خصوص در مورد اتحادیه ها و جنبش اتحادیه ها در ایران بطور عموم مطرح کرده و من حمایت بین المللی را لازمه کارگری بودن کنگره کار کانادا میدانم و مطمئنم که ادامه خواهد یافت. *

انتخاب کنند. اما در مورد اتحادیه ها و مشکلات درونی آنان ما در مورد کارگاری که اتحادیه ها بدان احتیاج دارند صحبت کردیم. اولین کاری که اتحادیه ها باید انجام بدهند بررسیت شناختن گونگونی اعضاي آن اتحادیه است. ما همچنین درباره اینکه هر اتحادیه باید یک مستول مشخص برای رسیدگی به مستله را پسند و حقوق پسر داشته باشد تاکید کردیم تا این امور به دست شناس و یا اینکه خودش حل خواهد شد را نشود. من فکر می‌کنم داشتن یک مستول معین برای این امر می‌تواند رل مهی را در اتحادیه بازی کند. عدم حضور این فرد چندان مبارزه چشمگیری را برای حل مشکلات را پسندی در آن اتحادیه به محراه نخواهد داشت. بعلاوه ما معقدیم که مبارزه علیه را پسندیم بطور جدی می‌تواند در قوی ساختن مبارزه کارگری نقش بسزایی داشته باشد. حال آنکه اهمیت نداند به این مسئله مبارزه ما را ضعیفتر می‌کند و در ادامه ما را برای گرفتن قدرت از دست دولت ضعیفتر می‌سازد.

آیا کارگران، در پایان این کنفرانس، این احسان را داشتند که برای پیشبرد مبارزاتشان علیه را پسندی می‌توانند از حمایت کامل کنگره کار کانادا برخود باشند؟

صد درصد تیجه کار این کنفرانس این بود که بتوانیم کارگران را حول این مسئله جمع کنیم. ما برای پیشبرد این امر در کل از سه طریق استفاده کردیم. اول اینکه با کارگران مشورت کردیم و از آنها خواستیم که مشکلات را پسندیم موجود در درون اتحادیه ها و جامعه پیرامون خود را با ما در میان بگذرانند. دوم به شکل مبارزه آنان علیه را پسند و مشکلات ناشی از آن گوش کردیم. سوم از جمع اوری این گزارشات ما گزارش کاملی تهیه کردیم که با توجه به آن گزارش، روشهای متعددی را انتخاب کردیم و سپس آنرا در اختیار مسئولین اتحادیه ها قرار دادیم. ما به اهمیت این قضیه پی برد و بودیم و می‌دانستیم که باید به یک ابزاری برای گزارش بیانیم که کنگره کار کانادا فقط یک کنفرانس است. به داشتن یک کنفرانس در مورد را پسندیم احتیاج داشتیم و سعی کردیم که تمام کارگران رنگین پوست و کارگران بومی را در این کنفرانس داشته باشیم تا بتوانیم راه حلی برای را پسندیم که این کارگران در محیط کار، در محل زندگی و در قوانین اساسی با آن روپرتو استند پیدا کنیم. کنگره کار کانادا در این کنفرانس گزارش را تهیه خواهد کرد که این گزارش زیربنایی خواهد بود برای اتحادیه ها که چگونه با مسئله را پسندی برخورد کنند. به عقیده من نتیجه آن میتواند مشکلات بنیادی و سیستماتیکی که کارگران با آن روپرتو استند را تغییر دهد.

کنگره کار کانادا از یک بدن سراسری کارگری تشکیل شده که تمام سازمانهای کارگری و اتحادیه های کارگری بدان متصل هستند و در کل نقش متفاوتی از اتحادیه ها را بر عهده دارد. همچنین بدلیل اینکه مسئله را پسندیم که اتحادیه ها دستگمی را ندارد، بیشتر مسئله تعیین روشهای آموزشی و نقش رهبری را در پیشبرد این وظایف بر عهده دارد. در رابطه با برخورد و سیستم را این سوالات کنگره کار کانادا همیشه با مسئله را پسندی و حقوق پسر بشر به طور جدی برخورد کرده است. این کنگره تا کنون چندین کنفرانس حقوق، تا آنچه که یاد می‌باشد ۳

الی ۴ کنفرانس، برای داشته است. به داشتن یک کنفرانس در مورد را پسندیم احتیاج داشتیم و سعی کردیم که تمام کارگران رنگین پوست و کارگران بومی را در این کنفرانس داشته باشیم تا بتوانیم راه حلی برای را پسندیم که این کارگران در محیط کار، در محل زندگی و در قوانین اساسی با آن روپرتو استند پیدا کنیم. کنگره کار کانادا در این کنفرانس گزارش را تهیه خواهد کرد که این گزارش زیربنایی خواهد بود برای اتحادیه ها که چگونه با مسئله را پسندی برخورد کنند. به عقیده من نتیجه آن میتواند مشکلات بنیادی و سیستماتیکی که کارگران با آن روپرتو استند را تغییر دهد.

در مورد کارگران مهاجر و مشکلاتی که آنها با مسئله را پسندیم دارند، آیا در این کنفرانس این مسئله هم جزو برنامه بود؟

در این کنفرانس ورکشاپ معینی در مورد مهاجرین بود، اما در گذشته ما در مورد کارگران مهاجر ورکشاپ داشته ایم. کارگران مهاجر با چند مشکل روپرتو هستند. در درجه اول مشکل اساسی آنها چگونگی ورود به عنوان کارگران مهاجر یا پناهنده است. بطور کلی در سیستم اداره مهاجرت یک دوگانگی در مورد مهاجرت یک دوگانگی در عنوان کارگران مهاجر وجود دارد. پیشتری برای جلب سرمایه دار می‌کند. در این مورد ما از اتحادیه ها درخواست کردیم که نقش فعالتری در این زمینه از خود شبان بدهند و نباید مسئله را پسندیش کارگران ایجاد سیکنند، حال آنکه سعی پیشتری برای جلب سرمایه دار می‌کند. در این مورد ما از اتحادیه ها درخواست کردیم که نقش فعالتری در این زمینه از خود شبان بدهند و نباید مسئله را پسندیش کارگران ایجاد سیکنند، حال آنکه سعی پیشتری برای پذیرش زیربنایی روی نیروی کار غلیقی و نیروی کار در آینده داشته باشند. و همچنین در بهتر ساختن موقعیت جنبش کارگری نیز، این تضمیمات میتوانند نقش موثری در بحث و جدال برای بهتر و منصف شدن اداره مهاجرت بازی کند.

این کنفرانس چه نتایجی داشت؟

فکر می‌کنم مانند هر موضوع دیگری این هم احتیاج به زمان دارد و ما امیدواریم که تعداد هر چه بیشتر اتحادیه ها در این مسئله فعل بشوند و به مسئله را پسندیم بطور فعالتری برخورد کنند. ما باید برخورد با را پسندیم که دوگانگی ورود به این کشواره با پناهنده است. در درجه اصلی ایجاد را پسندی در جامعه است را به رسمیت بشناسیم. به معنای دیگر شما نمی‌توانید در مورد مسئله را پسندیم و نامگذاری مردم بر هم‌دیگر صحبت کنید بدون اینکه معیار دوگانه اداره مهاجرت را مورد انتقاد قرار ندهید. جانچه اتحادیه ها بخواهند نقش فعالی در برخورد علیه را پسندی بازی کنند باید انتقاد پیشتری به اداره مهاجرت داشته باشند.

مشکل دیگری که با آن مواجه هستیم عنوان کارگر ارزان است. منظور این است که سرمایه داران و دولت از مهاجرین بعنوان کارگران ایجاد سیکنند، و در اکثر موارد آنرا وارد به انجام باشند. کارگران سیاه میکنند تا بر سطح دستمزدهای کارگران ایجاد سیکنند، و آیا در این کنفرانس در این مورد نیز بحث شد؟

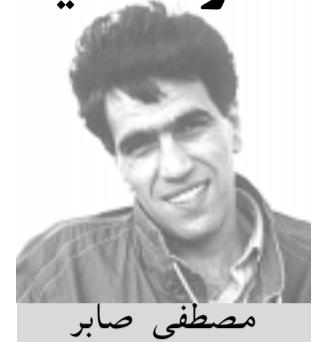
ما برخی از این مسائل را توانستیم مورد بحث قرار بدهیم. من به نقش طبقه کارگر مهاجر در پایان آوردن سطح دستمزد اعتمادی ندارم. بلکه لازم است به نقش سرمایه داران و دولت در این زمینه توجه داشت. آنها می‌بینند که استفاده از استراتژیهای متفاوت توانستند سطح دستمزد و شرایط کاری را پایین نگهداشند. به یک صورت اداره مهاجرت که بخش دگاهاتیکی بود در ارتباط با تحمل نظر مخالف است که در این مسئله بخشی از مخالفت کارگران در کنفرانس حقوق پسر و کنفرانس علیه را پسندیم باشیم و در مورد مشکلات را پسندیم و موضوعات دیگر بحث کنم ولی قدر نیاشیم که در مورد مشکلات زنان در ایران و یا در دیگر کشورهای اسلامی بحث نکنم و اجازه ندهم که انسانهای دیگری نیز نظر خود را بیان کنند، حتی اگر مخالف نظرات من نیز باشد. کاری که آنها در کنفرانس می‌توانند انجام بدهند این بود. فکر می‌کنم مانند هر موضوع دیگری این هم احتیاج به زمان دارد و ما امیدواریم که تعداد هر چه بیشتر اتحادیه ها در این مسئله فعل بشوند و به مسئله را پسندیم بطور فعالتری برخورد کنند. ما باید برخورد با را پسندیم که دوگانگی ورود به این کشواره با پناهنده است. در درجه اصلی ایجاد را پسندی در جامعه است را به رسمیت بشناسیم. به معنای دیگر شما نمی‌توانید در مورد مسئله را پسندیم و نامگذاری مردم بر هم‌دیگر صحبت کنید بدون اینکه معیار دوگانه اداره مهاجرت را مورد انتقاد قرار ندهید. جانچه اتحادیه ها بخواهند نقش فعالی در برخورد علیه را پسندی بازی کنند باید انتقاد پیشتری به اداره مهاجرت داشته باشند.

ما برخی از این مسائل را توانستیم مورد بحث قرار بدهیم. من به نقش طبقه کارگر مهاجر در پایان آوردن سطح دستمزد اعتمادی ندارم. بلکه لازم است به نقش سرمایه داران و دولت در این زمینه توجه داشت. آنها می‌بینند که استفاده از استراتژیهای متفاوت توانستند سطح دستمزد را داخل نیروی کار و با جایه جایی سرمایه به کشورهایی که نیروی کار در آنجا ارزان است سطح دستمزد را پایین نگهداشند. نکته دیگر این که با استفاده از تکنولوژی و انتقال کارگران در داخل نیروی کار و با جایه جایی سرمایه به دوگانگی ورود به این کشواره با پناهنده است. سرمایه که یکی از خطوات جدی در مقابل ماست علیه ما است. در مقابل ماست علیه دستمزد را پایین آوردن سطح زندگی قرار می‌کنند. و آنرا را مسئله بدانیم و همانطور که در بالا اشاره کردم افراد مسئله این مسئله خود را دارند و سرمایه داران هستند و این مرکز بحث ما در کنفرانس بود. سعی کردیم توجه حاضرین را به این مسئله جلب کنیم. بیشتر مواقع می‌باشد که مهاجرین رنگین پوست همیشه قربانی هستند و مورد انتقاد برای پایین آوردن سطح زندگی قرار می‌کنند. و آنرا را مسئله بدانیم و همانطور که در بنابراین بحث ما این بود که اگر با آنها مخالف باشید، و یا اگر با آنها موافق می‌بودند. آنچه این مسئله مدلی دارید، می‌توانید با آنان ممکن است. من فکر می‌کنم این شکل مبارزه ای اجتماعی و دیگر مشکلات اجتماعی میدانند بر اساس این تعريف که مهاجرین از مزایای اجتماعی می‌باشند. اینچه اجتماعی سوء استفاده می‌کنند در نتیجه دولت مجبر به قطع مزایای اجتماعی می‌شود. آنچه که در واقع باید مورد توجه قرار گیرد نفوذ سرمایه داران بر روی دولت است که منجر به قطع مزایای اجتماعی و دستمزد کارگران می‌شود.

هدف شما و بطور کلی دستاوردهای شما از این کنفرانس چه بود؟

در مجموع چندین بیشنهاد به کنفرانس داده شد. اما به نظر من مهمترین دستاوردهای کنفرانس جمع آوری بیش از ۵۰۰ نفر از اتحادیه های متفاوت بود که در مورد چگونگی برخورد با اتحادیه های استراتژی می‌باشد. آنها می‌بینند که استفاده از استراتژیهای متفاوت توانستند سطح دستمزد را پیدا کنند. به نظر من یک اتحاد و مفکری در میان حاضرین برای سرستانته با این مسئله را پسندیم وجود داشت. همچنانچه توافق داشتند که بازیگران می‌توانند مسئله را پسندیم و در مورد برخورد با طبقه کارگران متوجه شوند. این مسئله را پسندیم که در طبقه کارگران متوجه شوند که در مورد برخورد با طبقه کارگران آنچه آنکه نهاده باشد. همچنین آنرا معتقد بودند که کنگره کار کانادا میتواند این مسئله را پسندیم و داشته باشد. در مورد چگونگی مطروح کردند این مسئله نیز کنگره کار کانادا میتواند نقش موثری در پیشبرد این مسئله داشته باشد. ما نیز از تامی کمیته ها و اتحادیه های حاضر در کنفرانس درخواست کردیم که جدی تر و مصمم تر با مسئله را پسندیم و حقوق پسر برخورد با را پسندیم که داشته باشد. همچنین آنرا معتقد بودند که کنگره کار کانادا میتواند نقش موثری در پیشبرد این مسئله داشته باشد. ما نیز از تامی کمیته ها و اتحادیه های حاضر در کنفرانس درخواست کردیم که ادامه این مسئله را پسندیم و داشته باشد. در مورد چگونگی مطروح کردند این مسئله نیز کنگره کار کانادا میتواند حقوق پسر برخورد با را پسندیم که داشته باشد. در مورد چگونگی مطروح کردند این مسئله نیز ک

جنبش کارگری در قرن ۲۱ و اعلامیه حقوق بشر



مصطفی صابر

اینکه دانشگاهیان دوپاره دارند ز "جنبیش کارگری" یعنوان رهبر ملی و بین المللی بشر برای "جهانی بهتر و عادلانه تر" حرف میزند، احساس خوشی به آدم دست میدهد. اما یعنیکه جنبیش کارگری و اتحادیه ها نظر است اینکار را زیر پرچم "اعلامیه جهانی حقوق بشر" انجام دهنده، و با کلیسا همکاری کنند، فوراً احساس باس، اگر نه بدتر، جایش را میگیرد. در پاسخ به "الین برناز" و افرادی

نگاهی گذرا به تجربه شوراهای کارگری در انقلاب ۵۷

بقیه از صفحه ۷

شوراهای کیلان فراخوان به اعتصاب داد. همچنین بعد از شروع موفق اعتصاب اتحاد شوراها در تاریخ ۲۰ اسفند میتینگ باشکوهی را در دفاع از اعتصاب و اعتراض به مقامات دولتی در ورزشگاه تختی رشت برگزار کرد که در آن دهها هزار کارگر از کارخانه های وابسته به شورا شرکت کردند. در قطعنامه این میتینگ از جمله بر پرسیت شناختن شوراهای کارگران و اتحاد سراسری شوراهای کارگران استان کیلان به عنوان نهاد واقعی در امر تولید و توزیع، "به اجرا در آوردن طرح سود ویژه" مصوب اتحاد شوراهای کارگران کیلان و "لغو قانون کار آرایمه‌ری و تدوین قانون کار جدید توسط نمایندگان واقعی کارگران" تاکید شده بود. میتسافنه نمونه هایی چنین قاطع، عملکرد تمام شوراها و تشکلهای منطقه‌ای و سراسری کارگری نبود. همین نقطه ضعف باعث شد که جمهوری اسلامی طرح خود مبنی بر مقابله و تضعیف جنبش شورایی را با دست پرتری به پیش برد. دو ضعف اصلی در در رابطه با گسترش جنبش شورایی که پاشنه آشیل آن شد قابل تعمق است. اول آنکه تلاشهای رژیم برای جا انداختن شوراهای اسلامی و رسیت دادن به آنها دست کم گرفته شد. دوم آنکه در مقابله با دشمنی که علاوه بر تحمیق به ارعب و سرکوب آشکار دست زده بود راستترین و نخنگاترین شیوه‌ها بکار برده میشد. سیاری از رهبران حتی متعلق به جناح رادیکال جنبش شورایی برای "حفظ تشکیل و شورای خود" به الله و بسم تعالی و "لیس الاسنان الا ما سعی" متول شده و دخیل میبستند. دسته جمعی تحصن را ترک کرده و در تظاهرات "ضد امپریالیستی" شرکت کردند. با خام اندیشی ناباورانه‌ای فکر میکردند که آرستان شورا به "علمائ اسلامی" و بکار بردن شعارها و فرمولهای دشمن در مبارزه با امپریالیسم و بی عدالتی بقا شان را تضمین میکنند. نمیدیدند و یا نمیخواستند ببینند که با این کار دارند هر روز خود را یک قدم به کام دشمن نزدیکتر میکنند. نمیدانستند و یا نمیخواستند بدانند که با این کار دارند چال خود را میکنند. به جوانب دیگری از این بحث در قسمت‌های دیگر خواهم پرداخت.

نادی از نگ اعتصا

صفحه ۹ از نقد

بعلت باران شدید و محدود بودن
دید راننده، یکی از فعالین کارگری
اعتراض را زیر گرفت. متناسفانه
تلash برای نجاتش به جانی نرسید
و این فعال کارگری که اهل مراغه
یا آذربایجان بود، در میان تاثر شدید
کارگران جان خود را از دست داد.
مرگ نابهنهنگام این کارگر دوست
داشتند که نزد اکثر کارگران
محبوب بود، تا چند روز کارگران
را در غم و اندوه شدید فروپرد.
بنها ۱۵ روز بعد نیز من و
یکی از رهبران اعتراض را که
کارگر تراشکاری بود، به "بهانه کم
کاری" در واقع به دلیل رهبری
اعتراض، اخراج کردند.

اعلام داشتند. ژاندارمهای و سرهنگ رکن ۲ نیز سوار مашینهای خود شده و صحنه را ترک کردند. شب آخر اعتصاب، کارگران اعتصابی سالن، غذای مفصلی برای کارگران شفیقتهای روز و شب آماده کرده و نیمه چشني در کاتتین بپراکنند. سالن از کارگران شیفت روز و شب پر شده بود و تقریباً جای سوزن انداختن نبود. شادی و پیروزی اعتصاب کارگران بر کارفرما، از چهره هایشان پیدا بود. همه جا صحبت از پیروزی کارگران بر کارفرما و مسئول حسابداری شرکت بود.

متاسفانه حادثه دلخراشی که غروب همان روز اتفاق افتاد، بر فضای شادی بخش این پیروزی تاثیر غم انگیزی بجای گذاشت.

بیرون سالن غذاخوری باران شدید پائیزی که غروب همان روز شروع شده بود غوغای میکرد. راننده ای که محمد عرب صدایش میگردند،

پس از بی نتیجه ماندن
قدامات کارفرما، سرانجام روسای
شرکت به کارگران پیش نهاد مذاکره
اگرند. برای مذاکره با نمایندگان
کارفرما، هیئت سه نفره‌ای از میان
مذاکرات، که خود اولین دور
غوفد انتخاب کردیم، این دور
هر دو در روی طبقاتی کارگران پر از
رس و تجربه است، با گپ زدن
نمایندگان کارفرما با نمایندگان ماو
ادن قولهای شفاهی از جانب
کارفرما به دادن پاداشها و اختصار
بررسی افزایش دستمزدها و قول
بهبود غذای کاتین و همچنین
مذاکره مجدد، سرانجام کارفرما
مذاکره نیست، دور دوم با پافشاری
ما شروع گردید. بعد از چند ساعت
و بهبود غذای کاتین موافقت کرد
و متن توافقات حاصل شده
امضای نمایندگان کارگران
کارفرما رسید و هیئت رهبری
پایان اعتصاب را اعلام کرد. کارگران
با سوت کشیدن و بغل کرد
همدیگر، پیروزی خود را بر کارفرما

اینکه دانشگاهیان دوباره دارند از "جنبش کارگری" یعنوان "رہبر ملی و بین المللی" بشر برای "جهانی بهتر و عادلانه تر" حرف میزند، احساس خوشی به آدم دست میدهد. اما اینکه جنبش کارگری و اتحادیه ها قرار است اینکار را زیر پرچم "اعلامیه جهانی حقوق بشر" انجام دندن، و با کلیسا همکاری کنند، فوراً احساس یاس، اگر نه بدتر، جایش را میگیرد.. در پاسخ به "الین برنارد" و افرادی با نظرات مشابه، اجمالاً این نکات به حضورشان یاد آوری میشود:

اعلامیه حقوق بشر که در اساس خود بر پایه "اعلامیه حقوق بشر و شهروروند" انقلاب بورژوازی کبیر فرانسه، و سند مشابه ای از انقلاب آمریکا، تنظیم شده است، اعلامیه "حقوق معینی براي "بشر" معینی است. نه اعلامیه حقوق بشر به طور کلی و برای تمامی ادوار - آنطور که بورژوازی میکوید و ژورنالیستها و آکادمیستها و "غالیلین حقوق بشر" او تذکر میکنند.

اساس این اعلامیه بر پایه "حق مالکیت خصوصی است. تمام "منطق" اعلامیه حقوق بشر اتفاقاً این است که بر اساس آن، در یک شرایط دمکراتیک و با برخوردی از تمامی "ازادیهای پایه ای، "بشر" مالک میتواند بشر غیر مالک را به مسدوری بکشد و استثمار کند. حفظ امنیت مالکیت و تقدس مالکیت خصوصی شاه بیت این اعلامیه است. از همینجا ضرورت دولت و پلیس و مرز و ملیت و غیره و غیره در می آید که قرار است این "حقوق" را برای "بشر" حفظ کند. آنچه که اکنون ما در غرب و در آمریکا داریم، که به قول "الین برنارد" فرسنگها حتی از همان اعلامیه حقوق بشر ۱۹۴۸ فاصله دارد، اتفاقاً نتیجه اکتشاف همان "منطق" حقوق بشر بورژوازی، یعنی حقوق مالکیت و رقابت آزاد بورژوازی است.

جنبش اتحادیه ای در غرب دارد رادیکال میشود. این خبر خوشی است. این رادیکال شدن قبل از هرچیز محصول رشد اعتراض و حرکات میلیتانست طبقه کارگر در کشورهای پیشرفته صنعتی است. کافی است به حرکاتی با اهمیت طبقاتی در یکسال گذشته، نظری اعتتصاب کارگران بخار راسترالیا، کارگران یوپی اس آمریکا، اعتتصابات کارگران فرانسه، دانمارک و غیره نگاهی انداخت. اتحادیه ها باید بنوعی خود را با رادیکال شدن اعضاشان همانگنگ کنند. رادیکالیزم اتحادیه ها همچنین محصول تغییر و تحولات ایدئولوژیک در صفوی خود بورژوازی است. با بحران اقتصادی حاضر و به بن بست رسینین ایدئولوژیهای متکی بر بازار آزاد، یکیار دیگر سوییال دمکراسی و ایده های متکی بر کنترل دولتی بر اقتصاد، میدانی پیدا میکنند. پیروزیهای سوییال دمکراتها در اروپا انعکاسی از این به پُپ چرخیدن بورژوازی است. معنی این برای جنبش اتحادیه ای، که برای دمه ها از لحاظ سیاسی متعدد جناح چپ بورژوازی بوده، اینست که در مقایسه با دمه هشتاد و بخش عمده دمه نو، میتواند قامتی بلند کند، و موقعیت سیاسی و اجتماعی مهمتری پیدا کند. بی جهت نیست که توجه چپ های اکادمیست به نقش اتحادیه های کارگری جلب میشود. نیویورک

این درست است که در اعلامیه حقوق شر برای این بشر دوم، یعنی کارگر، وارد شده است. اما این عدالت خلاف "منطق اطلاعیه مذکور و نتیجه تاریخی و غیر مستقیم مبارزه کارگران (بیویث انقلاب اکتبر) بوده است. این درست است که در خیلی جاها حتی در خود آمریکا نیز هنوز برای تحقیق خیلی از این جوانب حقوق شر باید مبارزه کرد و خون دل خورد. اما تبدیل کردن اعلامیه حقوق بشر ۱۹۴۸ به پرچم جنبش کارگری فقط برگرداندن این جنبش به ۵۰ سال پیش نیست. بلکه به عقب راندن آن به بیش از ۱۵۰ سال پیش است. به عقب بردن جنبش کارگری به قبیل از مانیفست کمونیست است. تبدیل کردن جنبش کارگری به خادم لیبرالیسم بورژوازی است. لیبرالیسمی که حالا دیگر حتی گشیده هم هست. لیبرالیسمی که زمانی چنان سرش را در ای کاسا الاما گرفت، حالا تایم مینویسد که چگونه چپ های آکادمیست و "جنیش کارگری" (یعنی اتحادیه های کارگری) مثل سالهای ۷۰ "مجدها" دست به گردن هم می اندازند. اینهم به جای خود خبر خوشی است. اما اینکه به جنبش کارگری از این خبرهای خوش چه خواهد رسید، جای تامل است. بگذرید یک نمونه از همین تزدیک شدن چیزهای آکادمیست به جنبش اتحادیه ای را مرور کنیم: خانم "الین برباراد"، رئیس رشته اتحادیه های کارگری داشگاه حمزاوارد، در مقاله ای تحت عنوان "مصفاف های کلیدی برای جنبش کارگری"، مجله "تبیشن" ۲۱ سپتامبر ۹۸، مینویسد که جنبش کارگری (منظور جنبش اتحادیه ای است) نیاز دارد که به یک "نیروی اجتماعی تهاجمی" تبدیل شود و مردم کارگر را به یک "وسیله موثر برای تبدیل جهان ما به" جامعه ای عادلانه تر و انسانی تر"

هر برابر بیت پاد میرست، خوب است.
برای حقوق بشرش باید در قفای
کلیسا راه برود!
کارگران حقوق بشر خودشان،
یعنی حقوق واقعی بشر را دارند.
مانیفست کمونیست خطوط اصلی حقوق
بشر نه بر مبنای حقوق مالکیت و
رقابت آزاد، نه بر مبنای خودپرستی
فرد، تناقض فرد با فرد و فرد با
جامعه، که بر پایه الغای مالکیت
خصوصی، اشتراک و تعاون انسانها و
بر اساس وحدت فرد و جامعه تبیین
کرده است. برای قرن بیست و یکم،
برای جنبش کارگری و رهایی انسان
 فقط یک پرچم میتواند وجود داشته
باشد: مانیفست کمونیست. اینکه طبقه
کارگر در کشورهای غرب روز به روز
بیشتر را دیگل میشود، اینکه اتحادیه
ها چپ میشوند و چپ ها با اتحادیه
ها نزدیک میشوند، تنها نشان میدهد
که شرایط برای عروج گرایش کمونیستی
طبقه کارگر، برای برابرخاتن پرچم
مانیفست تا چه درجه آماده است.
جای یک انتراسیونال کمونیستی
کارگری خالی است!

دیکامون

استخوان درک کرده اند که رژیم جمهوری اسلامی درمان کننده دردها نیست. وقتی که در امور پزشکی مساله جداسازیها بیش آمد، غیر از اینکه در میان عموم کارگران این قانون بعنوان یک قانون ارتقابی و کثیف بحث میشود، هر زنی میگفت که چی شده که اینها بجای حل مشکلات اقتصادی مردمی که نان در سفره ندارند و بچه های کارگران مشکل مدرسه دارند میخواهند در امور پزشکی هم زنان و مردان را جدا کنند. حقیقت این قضیه جداسازیها اکثر زنانی را که اگر اندکی هم به این رژیم توهمند داشتند از رژیم راند. اکنون کمتر زنی است که برخلاف گذشته از مسائل و اوضاع و احوال محیط کار همسرش بیخبر باشد و همه آنها بیان میاورند که اینها خیلی کثیف و بی رحم هستند.

به پرداختن حقوق کارگران اشاره کردی، دلایل واقعی این موضوع چیست و کارگران در مقابل بهانه های دولت و کارفرماها چه میگویند؟

رژیم و کارفرماها باین خاطر حقوقها را پرداخت نمیکنند تا اولاً نیروی کار در کارخانه ها را بترسانند که وضع اقتصادی خراب است و اعتراض نکنند و نیروی عظیم بیکار را دم در نشان کارگران میدهند، ثانیاً میخواهند کارگران را به این وسیله علاف و سرگرم کنند که افزایش دستمزد نخواهد، ثالثاً بتوانند از سرمایه موجود یا پول در گردش بیشتر استفاده کنند، زیرا این واقعیت است که هر شماره حسابی اگر قرار است سرمه شست میلیون پرداخت کند، این شست میلیون در بانک براي او اعتبار و سود بالا خواهد داشت. واقعیت اینست که رژیم میخواهد بار مشکلات و کسر هزینه هایش را روی دوش کارگران بیندازد. اخیراً هم در تمام فاکتورهای حکومتی و معمازه ها بطور عیان ملموس و مشخص است که کارگران باید هزینه کشت و کشتارها را بدنهند که همه جا صحبت از این است که رژیم دارد موشك اتنی میسازد و نیز حقوق انگل هایش را میخواهد از کارگران بگیرد.

راستش دیگر آنزنمانی که رژیم آهنگ جنگ را در بوق و کرنا میکرد و مردم را با ناسیونالیسم و اسلام به احساسات و امیداشت، گذشته است و دیگر آن اوضاع برخواهد گشت. کارگران امروز در کنار اوضاع و خیم اقتصادی خود بزر سواران و پیشو سواران و رده های بالای حکومتی را می بینند که هر کدام سهمی را از سرمایه برایشان در نظر گرفته اند و تمام مدیرانی که کارخانه ها را بین خود تقسیم کرده اند و با نام و ام دروغین که بهمیگر نان فرض میدهند مشغول دزدی و چاپیدن هستند. کارگران دیگر قبول نمیکنند که این جماعت اینچیین روی شوت جامعه چنگ اندانه و از طرف دیگر حقوق کارگر را ندهند، دیگر قبول نمیکنند که اینها سختی ها و تمام مشکلات اقتصادی را که خودشان بوجود آورده اند روی دوش کارگر بیندازند و خروج زیر دریائی های کهنه رویی را بدنهند و در سر خیابان صندوق گذانی بگذارند. دیگر برای همه روشن است که هر عمامه بسری که غذا میخورد و شکم دارد و دستشوئی میبرد معجزه ای ندارد. این بحث ها و صحبت کردن در مورد دزدیها و رشوه خواری و زد و بندهای حکومتی ها و عوامل آنها دیگر نقل و نبات بحث هر جمع و محفل کارگری شده است. دیگر آن دوران که سازمان صنایع سخنواران خود را به کارخانه میفرستاد که در مورد کار مفید و کار غیر مفید صحبت کنند گذشته است. البته اینها کماکان از نظم و کار موثر و غیر موثر صحبت میکنند ولی از حقوق مفید و حقوق غیر مفید براي کارگر حرف ننمیشند. اما دیگر هر کس که زبان

نمیتواند به مدرسه برود و امثال اینها. هر وقت در نتیجه یک اعتراض کارگران که مجمع عمومی کارگران تشکیل میشود و سین جیم کارگران از کارفرما و عوامل آن شروع میشود، از سر و روی کارفرما و حشت میبارد و فقط در فکر آن هستند که بشکلی کارگران را فربی دند. اینرا هم بگوییم که امروز کارگران دست اینها را خوانده اند و کسی را علم نمیکنند و به قهرمان بازی و تکروی هم اعتقادی ندارند، و هر بار که کارفرما یا نیروی حکومتی خواهان نهایته ای از طرف کارگران باشد کارگران میگویند همه ما هستیم و نماینده معرفی نمیکنند. یعنوان نمونه در جهان چیز کرج کارگران باین تجربه دست یافتند که باید خواسته هایشان را بطور جمعی مطرح کنند و کسی به تنهایی میداند معرفه نشود. در نساجی قاتم شهر هم که البته سایقه مبارازاتی از گذشته دارند اعتراضات کارگران در هر سه شیفت به همین شکل جمعی صورت گرفت. در صنایع فلزی هم کارگران سه یا پنج روز اعتصاب کردند که منجر به زد و خورد با پلیس حکومتی شد و با اعتراض جمعی کارگران سه نفری را به اخراج کرده بودند مجبور شدند به کار برگردانند. اخیرا هم در کارخانه ها رسم شده که کارگران بعد از اعتراضات کاغذی را که خواسته هایشان در آن نوشته شده جلوی کارفرما میگذارند و از وی امضا میگیرند که با موعد مشخص کند که درخواست کارگران را عملی کند. ناگفته نماند که شوراهای اسلامی در جریان اعتراضات تلاش میکنند که در سردرگم کردن خواسته های کارگران نقش ایفا کنند ولی وقتی میکروفن بدست اینها میافتد کارگران آنها را هو میکنند و با همهمه حرفهای خودشان را میزنند.

لازم به ذکر است کارگران با اینکه میکروفنی برای رساندن اخبار ندارند، ولی هر خبری را دهن به دهن برای همدمیگر بازگو میکنند بخصوص صحبتها. مثلاً صدای اعتراض کفش ملی برای افزایش دستمزد در اوائل سال دهن به دهن شنیده شد و بعدها که کارگران به کم کاری رو آورده بود باز هم صدایش همه جا شنیده میشد. این همان کفش ملی است که وقتی سه سال قبل اعتصاب میکردند با مینی بوس کارگران را بزندان میبردند، ولی امروز بدليل اینکه برای کارگران کاملاً روش شده که مدیران و حفاظت و همه دزد هستند و خود رژیم هم به اینها واقف است دیگر نمیتوانند مثل سابق عمل کنند و مجبور میشوند عقب نشینی کنند و دیگر نمیتوانند انگهای کفر و آمریکائی و صدایتان در اسرائیل شنیده میشود و غیره را در بوق و کرنا کنند و حتی خود آنها در مقابل کارگران جوابی برای گفتن ندارند. لازم به ذکر است که یکی از دلایل همین کشتارها و ترورهای اخیر رژیم هم اینست که رژیم دیگر نمیتواند عوامگریبی و رجزخواهیهایش را ادامه دهد و به این روشها دست میزند. وضع طوری است که کارگران میگویند فرقی نمیکنند کی مدیر باشد چون همه آنها دزد هستند. اکنون وضع اعتراضی درون کارخانه ها، بجز ماشین سازی ها که غلام سکوت کرده اند، به سطحی رسیده که رژیم هم میداند با کدام کارگران طرف است و هیچ دروغی کارساز نخواهد بود. کارگر وقتی از کارخانه بیرون میابد ابتدا با صندوق گذانی رژیم، که نامش کمیته امداد است و مسئول آنها امثال لا جور دیها و عسکراولادیها و غیره هستند، مواجه میشود و اینها افتخار هم میکنند که با پول گذاشی و نه سرمایه های خودشان امورشان را پیش میبرند تا جایی که خاتمی هم که مشهور به کسی است که با پنجه سر میبرد، میگوید به امید روزی که این صندوقها نباشد.

خلاصه اینکه اعتراض کارگران رو به گسترش است و بخصوص نزدیک عید که همیشه بین دو نیرو کشمکش وجود داشته متعدد تر خواهند بود و فربخواهند خورد و کماکان آن جبهه اعتراضی را خواهند داشت. همانطور که خیلی از کارگران در یکسال و نیم پیش بدليل دید داشتن از وضع وخیم اقتصادی پیش بینی میکردند که سال ۷۷ اعتراضات بیشتر خواهد شد و چنین هم شد، اکنون هم غیر از حرکتهای اعتراضی یکی دو ماه به عید را که وسیع می بینیم، سال ۷۸ سالی نخواهد بود که مفت خوران و مدیران رژیم راحت تر حکومت کنند. این جبهه اعتراض و سعیت میشود و رژیم هم در بودجه سال ۷۸ به وضع بد اقتصادی اعتراف کرده است.

یک مساله دیگر هم در مورد زنان بگوییم. اکنون زنان کارگران دیگر با گوشت و

امید متنی از فعالین جنبش کارگری ایران: **مردم این رژیم را نمی خواهند**

اوچاع عمومی ایران و زندگی مردم در شرایط امروز چگونه است؟

بطور کلی امنیت اقتصادی و اجتماعی وجود ندارد و مردم بشدت در مورد تغییر اوضاع در این رژیم نامایید هستند، بخصوص وقتی مردم دیدند که خود اینها اعتراف کردند که کشته شدند و چه بلایا هم سر مردم آورده‌اند.

جوانان با اینکه سازماندهی مشخصی ندارند اما به اشکال مختلف به این رژیم اعتراض میکنند به اشکالی مانند جوک کردن اینها، با نوع پوشش، با رودروشی با ماسوران رژیم، و یا با موضوع گرفتن در مقابل درسها دینی و امثال آن در مدارس. جوانان ماهواره نگاه میکنند و میگویند اگر همین هم نباشد دیوانه میشون. آنها میگویند در قرنی که اینهمه امکانات و پیشرفت هست چگونه میشود که اینها ما را به هزار و چهار صد سال قبل برگردانند، جوانان بصراحت مسائل دینی را مسخره میکنند.

که میزان سکته بشدت افزایش پیدا کند. مردم بهمیگر میگویند که این حکومت فقط برای گریه کردن و نوحه خواندن امکانات درست کرده و تلاشان اینست و دلشان میخواهد که مردم هم اینطور باشند.

در مورد کرانی باید بگوییم که بخصوص در شروع سال ۷۷ ترکیب روزانه و هفتگی عرض میشود و بالا میرود. در مورد مایحتاج عمومی مردم خود رژیم افزایش قیمتها را شروع کرد. مثلاً گوشت و برنج به نحو شدیدی قیمت‌شان بالا رفت، برنج را تا نهصد تومان برند و گوشت از پارسال تا امسال حداقل ۴۰ درصد افزایش قیمت داشت. کارگران میگویند که رژیم اجنسان را هفتگی گران میکنند اما نیروی کار گران نمیشود. کارخانجات هم قیمت محصولاتشان را بالا میبرند و نرخ اتوبوس و مینی بوس هم بالا رفت. بعضی ها این توهمندی را دارند و یا دامن میزندند که اگر حقوقها را بالا برند قیمت‌ها را نیز بالا میبرند، اما کارگران عموماً نظرشان اینست که باید برای افزایش دستمزد مبارزه کرد.

کارگران کلا اضافه کاری میکنند و بخشا دو شغل دارند. با این وجود کارگران کلا در مقابل رژیم ایستادند و در جاهای زیادی اعتراض کردند. اما واقعیت اینست که مردم زندگی درستی ندارند، مثلاً مجبور میشوند که لباس دست دوم تهیه کنند و برای خرید مایحتاج خود از نوع نازل و بی کیفیت استفاده کنند، و خیلی چیزها از غذای مردم حذف شده و مجبور شده اند که قناعت کنند.

در مورد رژیم، قبل از دوم خرداد ناطق نوری را انتخاب کرده بودند اما مردم برای اینکه بتوانند رژیم را عقب بزنند به خاتمی رای دادند. اما مجموعاً مردم هیچ توهی به هیچ‌گدام از جناحها ندارند. تعداد اندکی هم که عوام هستند و به خاتمی توهم دارند می‌گویند که نمی‌گذراند کار کند. مردم در مجموع از تغییر اوضاع نامایید هستند و می‌گویند که خاتمی نمی‌تواند هیچ کاری بکند و هیچ چیز عوض نمی‌شود، بخصوص در مورد مساله جوانان و بیکاری. گرانی شدید و بالا بودن اجاره خانه باعث شده که خیلی ها علیرغم میلشان ازدواج نمی‌کنند چون مشکلاتشان اضافه می‌شود. در مورد گرانی انجاس روزنامه کیهان و رادیو تلویزیون کمتر حرف می‌زنند و روزنامه‌های جناح خاتمی هم که قیمتها را اعلام می‌کنند دروغ است و در بازار واقعاً جور دیگری است. در مورد مسکن هم رژیم داد می‌زنند که خانه‌های استیجاری می‌سازیم که مردم هیچ امیدی ندارند و میدانند که برای عوامل خودشان است. در داشکشگاه‌ها بخشی از دانشجویان که به جناح خاتمی وصلند سعی می‌کنند که مردم را فربیض دهند و بگویند آزادی هست و باید از دولت دفاع کرد که مردم قبول نمی‌کنند که بخشا جناح دیگر هم همین جماعت دروغگو را تحت فشار قرار میدهد.

مشکلات مختلف در جامعه باعث افزایش شدید اختیار شده و در جامعه به عیان دیده میشود که ماموران حکومتی نه تنها جلو اعتیاد را نمیگیرند بلکه خود عوامل رئیم مواد خرد و فروش میکنند و با بارگرفتن از فروشنده ها آنها را آزاد میگذارند. در تهران بر سر هر کوچه ای تعدادی هستند که مواد مفروشند و اکثر عوامل دولتی خودشان معناد هستند و در کار خرید و فروش هستند.

در کل جامعه ایران پر تلاطم است و بحالت آرامش بر نمیگردد. خاتمی آمد و در همین دوره او وضع اقتصادی مردم بدتر شد، همه جا دزدی و رشوه خواری بیداد میکند و مردم واقعاً از دست اینها عاصی شده اند. مطلاقاً مردم به اینکه خانوی کاری را درست بکند امید و توهیمی ندارند و هر روز می بینند که هیچ کاری پیش نمیرود مگر با دزدی و رشوه که فشارش روی دوش مردم است. در کنار این وضع وخیم اقتصادی مردم، مثلاً بنیاد مستضعفان را میبینی که هیچکس نمیتواند آنها را کنترل کند که چکار میکنند. این بنیاد که گروه های فشار هم از آن حمایت میکند صدها کارخانه و بنیاد کشاورزی در دستش است که یک اهرم اقتصادی بزرگ است و از شروع تعلیمه مردم استفاده میکند، هر جانی که دست اینهاست یک جو ارعاب و وحشت حاکم است و حراستی ها در آن حکم میکنند. این بنیاد همچنین یک آزادسازی امنیتی است که از اینها برخوردار است.

در مورد مسائل کارگران، اعتراضات کارگری و خواسته هایی که حول آن اعتراض صورت میگیرد توضیحاتی بدهید.

کارگران، بیویژه در سال ۷۷، با افزایش شدید قیمت مایحتاج اولیه مواجه شدند. نپرداختن موقع دستمزدها فشار شدیدی را روی کارگران گذاشته است. غیر از کارخانه های ماشین سازی که اندکی دستمزدهشان از دیگران بالاتر است، بقیه زیر فشار شدید و در فقر مطلق پسر میبرند. کارگران با اضافه کاری بیشتر سعی میکنند که زندگیشان را تامین کنند. در مواردی خود کارگران تلاش دارند که اضافه کار به آنان داده شود. فشار اقتصادی کارگران را خسته کرده است، اضافه کاری ها باعث شده که اعضا خانواده های کارگری کمتر همیگر را بینند و اختلاف بین آنان بروز کند، بعلاوه زنان در این جامعه هیچ نقشی نمیتوانند ایفا کنند و مجموعه اینها

با عذر شده که مشکلات خانواده های کارگری بیشتر بشود.
 بیکاری شدید است. هر وقت کارفرما بخواهد کارگری استخدام کند، صدها برابر چیزی که میخواهد بیرون صف میکشند. صف طولانی بیکاران چماقی است که کارفرما علیه کارگران شاغل بکار میبرد. کلا مشکل اساسی کارگران بیکاری و گرانی و دستمزد پائین است. کارگران در موقعیعی که در کنار هم هستند، مثلاً در نهار و شبچاهانه، همه از این مسائل صحبت میکنند. کارگران از ترس بیکار شدن بسیار اختیاط می کنند اما وقتی مسئله بیکارسازی باشد دیگر جایی برای اختیاط کاری نیست. کارگران به بیکارسازی تن نمی دهند و اعتراض می کنند. در میان خلبان از کارگران این بحث هست که میگویند ما عمرمان را اینجا دادیم و ساقهه یا سنوات خدمت ما پوشل حداقل سه چهار میلیون تومان میشود که کارفرما از این پول استفاده میکند و یک سوم سود آنرا بعنوان حقوق بما میدهد و ما داریم مفت کار میکنیم. و بهمین دلیل در اکثر اعتراضات کارخانه ها، جدا از اینکه کارگران به چه تفكیری تعلق داشته باشند، برای چیزهایی از قبیل نپرداختن حقوق یا گرفتن دریافتی هاشی که بشکل خرد به کارگران داده میشود، اعتراض میکنند و همه شجاعانه در صف اعتراض شرکت میکنند. وقتی کارگران زیان به سخن گفتن میگشایند سخنگویان رژیم و کارفرما در مقابل کارگران سکوت میکنند و التمس میکنند و بازهم قصد فرب دارند. کارگران به آنها میگویند شماها کی و کجا خیر ما بده اند، من و شما هم بن هستیم و شما کا، خانهه تان، ای: کجا آورده اند و جایه من:

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Page 20, Vol 9, NO 62, March 1999

صفحه ۲۰، سال نهم، شماره ۶۲، اسفند ۱۳۷۷

شده چپ در شیلی و خارج شیلی و نقش سازمان امنیت شیلی (دینا) را بر ملا کنند. دولت آمریکا بوقت خود در کنار و پشتیبان یکی از دیکتاتورترین حکومتهای این قرن برای سد کردن راه نیروهای چپ (از هر نوعش) بوده، و امروز هم که خود را مزین به شنل افتخار رسالت استقرار «دمکراسی» در جهان کرده، پیشقاوون مجازات همان دیکتاتور است.

تا آنجا که به حکومت فعلی شیلی بر می‌گردد، استدلالها از «مصنوبیت دیبلماتیک» — که بسرعت پاسخ خود را دریافت کرد — شروع و تا این که «این امر مربوط به مردم شلی است»، ادامه پیدا کرد. و بالآخر معلوم شد که قضیه اساساً نگرانی از بخط افتادن «دمکراسی» در شیلی است. این نکته که بدوا از سوی خود پیشنهاد و بعداً از طرف رجال حکومت شیلی یکی پس از دیگری یادآوری شد. این سوال

خبر بازداشت و یا طلب بازداشت آگوستو پینوشه دیکتاتور ۸۳ ساله سیلیانی از جانب یک قاضی اسپانیایی، موجی از اشتیاق و دلگرمی رانگیخت. این احساس شادی مرز میلت و نژاد را پشت سر گذاشت. با هزاران سیلیانی در داخل و خارج از شبیله، همه کسانی که یا خود چنین تجاری از سر گفراشده اند و یا هنوز دلشان به شوق عدالت می تپد، در ابراز این شادی و تنفس همصدأ شدند.

مطابق آمار رسمی، بتعاقب کودتای ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ که منجر به

مطابق آمار رسمی، بتعاقب کودتای ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ که منجر به مقطوط حکومت آنلله شد، دو تا چهار هزار نفر کشته، هزاران نفر زندانی و اپدید و قریب یک میلیون نفر مجبور به ترک کشور شدند. کم نیستند کسانی که هنوز بعد از ۲۵ سال انتظار بازگشت عزیزانشان به خانه، تنها امید زندگی

ننان است. بر بستر چنین کینه و

حاکمه پیوشه و خواست محاکمه سران جمهوری اسلامی از جانب بازماندگان قربانیانش

لیلا دانش

میان رجال دولت دمکراتیک شیلی، آنهایی (وزیر خارجه شیلی) به جلوی صحنه تلاش برای پس فرستادن پیشواش رانده شدند، که خود از دستبیاران و همکاران حکومت آنده و بعضی تعییدی در دوران پیشواش بوده اند؛ و در یک مورد هم سوپریور دمکرات کاندید دور آتی ریاستجمهوری که قرار است دمکراسی ناقص الخلقه شیلی را آب و رنگی بزند. آنچه که فی الواقع محرك اینان است ترس و نگرانی از واکنش ژئوپلیتیک و فادرار به پیشواش و سنگ اندازی آن ۲۰ درصد کذایی است. اگر واقعاً چنین خطی نهست نشان میدهد که نه آن ژئوپلیتیک و نه این دولتمردان دمکرات متوجه تغییر نتش ژئوپلیتیک در دوره «مکراسی» نشده اند؛ ژئوپلیتیک اینان را در صورتی به جلوی صحنه بیایند، که مثل ژئوپلیتیک شوارتسکف در جنگ خلیج برای ادب کردن دیکتاتورها باشد.

سیوسه بسبور پر طرف سرور
و بالآخره جوانانی که پدران و یا مادرانشان بعد از کودتا نایپدید شده
نند، یکی پس از دیگری رسماً بعنوان شاکیان خصوصی، متقارضی تحويل و
محاکمه پیشنهاد شوند. اینها در کشورهای متعددی از جمله فرانسه، سوئیس،
یتالیا، بلژیک، دانمارک، آلمان شدند.
موج ابزار تنفس، و جدیت و پیگیری شاکیان آنجنان فراگیر و قوی بود
که تفاسیر دست راستی مبنی بر کاهش نرخ تورم، شکوفایی اقتصادی، و مدل
نیلی بعنوان یکی از مدلهای توسعه که رشد اقتصادی بالایی را در طی
سالهای متعددی حفظ کرده است: را بسرعت به حاشیه راند. حتی حرفيهای بازار
سند طفرداران ژنرال در داخل شیلی مبنی بر اینکه: «آخر ما را از دست
سارکوئیست ها نجات داد»، هم نتوانست خریدار زیادی پیدا کند و پس از
تفتته ها دست بدست شدن و کمکاکان در صدر اخبار ماندن، اکنون مساله

ژرال پیونش، کسی که نامش در تاریخ در کنار چنگیز خان، هیتلر، صدام و سران جمهوری اسلامی نوشته خواهد شد، سهیل نفرت جامعه انسانی از دیکتاتوری و جنایت شده است. نفوتی که امروز این چنین سیل عظیمی از

مردم را زیر مطالبه محکمه پیشنهاد کرده است، جلوه ای از نفرت علیه دیکتاتوری و علیه تغییر حقوق بشر حتی در مفهوم پذیرفته شده امروز آن در جهان است.

تصاویری که از پس از بازداشت پینتوشه بر صفحه تلویزیون ها ظاهر میشود: از روزهای حکومت نظامی، دستگیریهای خیابانی، دستگیری و شکنجه سوسیالیستها و فعالین کارگری تا ابراز احساسات و داستانهایی که بازماندگان این فجایع حکایت می کنند، شباختهای بی نظری با تجارب

ایرانیان در سالهای تحت حکومت جمهوری اسلامی ایران دارد. در بسیاری موارد فقط با تعریض نام حکومت و شاکیان، همه حرفها یکی است. جا دارد که خواست محاکمه سران جمهوری اسلامی هم در همه جای دنیا از جانب شاکیان خصوصی اش طرح شود. اگر آنها که عزیزانشان را جمهوری اسلامی از دم تیغ گذرانده، پدران و مادرانی که حتی فرصت نیافرتن به ملاقات فرزندان زندانی شان برآوردند، و خیل عظیم انسان هایی که به جرم مخالفت علیه این یا آن سیاست رژیم اسلامی، به جرم کمونیست بودن، به جرم زن بودن، به جرم اعلامیه خواندن، و یا حتی به جرم فعالیت سیاسی علیه رژیم شاه پا کسازی، زندان و تحت تعقیب و بالآخره مجبور به ترک کشور شده اند، لب به سخن بگشایند و خواست محاکمه جمهوری اسلامی و جنایتکاران لانه کرده در این حکومت را به مراجع جهانی تسلیم کنند، حکومت اسلامی کام بلندی به مرگ نزدیکتر و جهان از شر مشتی جنایتکار دیگر از قماش پیشوشه خلاص خواهد شد.

از این میان ای قرار داد: می شود مردم عراق را وقت و بی وقت بخاطر تحمل صدام
حسینی و به اس دمکراسی بمباران کرد و مانع رسیدن مواد غذایی به آنها شد
لی پیشنهاد را آزاد کرد؟ می شود خواست هزاران هزار نفر قربانیان جنایات
حکومت پیشنهاد را نادیده گرفت ولی میلوشیچ را بخاطر جنایات حکومتش و
هه اسم دفاع از حقوق پسر شمات و تهدید به بمباران کرد؟
واکنش اولیه دولت آمریکا ابراز نگرانی غیرمستقیم از برمنلا شدن چگونگی
حالت دولت آمریکا در کودتای ۷۳ شیلی بود: اما دیری نپایید که دولت
کلینتون خسته و فرسوده از ماجراهای کلینتون - لووینسکی بصرفت بهر برداری
ز قضایای پیشنهاد و بررسی نقش آمریکا در این واقعه مهم سیاسی بیفتند، و
بینظیری اعلام شد که آمریکا حاضر است اسناد مربوط به جنایات دولت
پیشنهاد را تا آنجا که «مصالح ملی» اجازه می دهد قابل دسترسی اعلام کند.
تجهیز که در راستای این تصمیم قابل تعمق بنظر میرسد فقط اهمیت از غافله
شد دیکتاتور عقب نماندن نیست. بلکه در عین حال ضرب شستی است به
جمهوریخواهان (میکران امروز جنجال ضد کلینتون) که همزمان با کودتای
کلینتون و قایع پس از آن، عهده دار حکومت در آمریکا و بریاست جمهوری
یکیکشون بودند. اما جالب اینجاست که انتشار این اسناد، قرار نیست طبعاً نقش
غوفد آمریکا را در کودتا نشان دهد، بلکه قرار است اسناد مربوط به پژوهه های

نشریه کارگر امروز رایگان است

نشریه کارگر امروز برایگان در اختیار خوانندگان قرار می‌گیرد. هزینه اشتراک تنها معادل هزینه پست نشریه، سالانه معادل ۸ مارک آلمان است. بهای نشریه در کیوسکها و مراکز حرفه‌ای توزیع نیز تنها معادل هزینه توزیع و حق الزحمه فروشنده است.

هزینه اشتراک کارگر امروز بعده اسپاپسورهای نشیره و همچنین کمک های مالی خوانندگان است.

اشتراك نشريه ساده است

برای اشتراک نشریه کافی است فرم مقابل را پر کنید و همراه هزینه اشتراک به یکی از آدرسهای کارگر امروز ارسال دارید.

فیلم اشتراک

Name: _____
Address: _____
Postcode: _____
city: _____
Country: _____

اشتراک نشریه ساده است

برای اشتراک نشریه کافی است فرم مقابل را پر کنید و همراه هزینه اشتراک به یکی از آدرس‌های کارگر امروز ارسال دارید.

بیست سال بعد از انقلاب: «تعهد به قانون اسلامی»!

دانش لیلا

عبارت «تعهد به قانون و آزادی در چارچوب قانون اساسی کشور» برای نسل جوانی که در طول زندگیش تنها دولت جمهوری اسلامی را بشدت ماضحک است. این عبارت هسته اصلی سخنرانی خاتمی بمناسبتی می‌باشد (یعنی از جمله متمهدهترین ها به قانون اساسی اسلامی) که بد دخالت کارمندان وزارت اطلاعات در قتللهای اخیر استعفا داد، هم عقب است. رشت امروز خاتمی تکرار کمیک تاریخ است!

حکومت جمهوری اسلامی با التزام به اسلام و قوانین اسلامی، تهیک از جنایتکاری‌های حکومتهای قرن بیستم بوده است. قانون اساسی سپاهیان یک حکومت ایدئولوژیک مذهبی و قانون جزاگی را گذاشته است که کشته راهی‌های عظیمی را بر دوش می‌کشد. مگر اعدام صدھا هزار کمونیست و انسان آزادبخواه بجمله عقیداشان، کشتار غیر مسلمانان، سنگسار به رابطه خارج از ازدواج، اعزام دستجمعی کودکان ۱۰-۱۲ ساله به جبهه، جنگ با اسم جهاد در راه خدا، زن سنتیزی بی حد و حصر اسلامی، دستگاه ازاز و اذیت جوانان به جرم حرف زدن و راه رفتن با چنین مخالفتشا غیره و غیره بر اساس موازین اسلامی و شرعی مصوب مجلس خبرگان صو نکرته و نمیگیرد؟ جمهوری اسلامی با تمام چهره های جلوی صحنه و پی صحنه اش نشان داد که برای استقرار حکومت اسلام و تعهد به موازین قانون مجاز در چارچوب ایدئولوژیک این حکومت سنگ تمام گذاشته است و ایجادی هست نه به اجرا شدن یا نشدن قانون، نه به بد اجرا شدن آن و نه به کم و کسری هایش، بلکه به نفس و اساس این قانون ضد انسانی، این و ناجور در آخر قرن بیستم است. مردمی که خاتمی را به جلوی صحنه پر کردند دنبال راهی برای خلاصی از شر افیون مذهب در حکومت بودند خواهان با "پیبه سر بربریدن" به شیوه خاتمی.

حتی برای جوانان ۲۰ ساله ایرانی که تا چشم گشوده اند، ملا دیده و خرافات مذهبی و کشتار و تهیید زندان، و روحشان از سابقه «حکمرانی» خبر ندارد؛ مضمونه بودن موضوع با کسی تعقیل قابل حصول است این جوانان در پیرامون خود پانزده کافی معلم، دوست، همسایه، دایی و شعمو و عمه ای دارند که یا شخصاً درگیر انقلاب و مبارزه سیاسی رژیم شاه و جمهوری اسلامی بوده اند و یا لائق روایت های دست اول شنیده اند. علاوه بر اینها نسل جوانی که امروز علیرغم وجود حکومت مذهبی در ایران در جستجوی موذنک مدرن و راههای مدرن تری برای بیان احساس و عواطف خود است، سختی بتواند قبول کند که با اسلام و حکومت آخوند! می شود به شاهراه تمدن وصل شد! نکته اینجاست که خاتمه بر متن تهشید مردمی خسته از اسلام و بعنوان راهی برای خلاصی از اسلام از صنعت های رای بیرون آمد، ولی امروز بعد از قریب دو سال حکومت خودش و بیان اسلام پس از انقلاب، کارت رنگ و رو باخته «حکومت قانون و تهشیدگراندیشان در چارچوب قانون» را در حالی رو می کند که هنوز «دکترانیشنیانی» که از قضا از چارچوب قانون هم فراتر نرفته بودند، خشک شدند.

ایند.
بیست سال پیش وقتی که شاه صدای انقلاب مردم را شنیده بود، ع
همین عبارت: «تعهد به قانون اساسی کشور» تبدیل به منشور دولت شر
اماکنی، و بختیار شد. همگی سوگنهایا یاد کردند و خودشان از عبارت
آزادیخواهانه و عدالت پرستانه ای که بناگاه از حلقومنشان خارج می شد، فرو دوست
شگفت بودند. شاه و هویا، آموزگار و شریف امامی، ازهاری و فردوسی
غیره، همگی بانیان و مجریان یک سیستم بودند و همگی در چارچوب تعريف
شده همان سیستم حکومتی (و صد البته با تفاوت هایی از نوع تفاوت ملا
با هم) عینتاً متعدد بودند. برای کسانی که این روزها به مرور خاطرات بیس
سال گذشته شان نشسته اند، تشخیص تشابه «منشور حکومت ما، قا
اساسی - - و تحمل دگراندیشان در چارچوب قانون اساسی است» ایدا
سختی نیست. شاه هم مثل خاتمی که از برک وجودش نشیره و روزنامه
می شود، برای نشان دادن گوشش ای از این «تعهد و تحمل دگراندیشی»
شاعران و هنرمندان اجازه داد که حرف هایشان را در شب های شعر انتست
گوته به گوش دیگران برسانند. و البته فاصله این شبها با نمایش عظیم
«تحمل دگراندیشی» و کشتار آزادیخواهان و مخالفان دولت و اوچگ
مسازات توهه ای و جمع شدن سلطنت سیاست کو تا هست از آن بود که ه

بررسی کردند. این مقاله در پایان آنها بسیار خوب بود. از این‌جا پیش برداشته شد که این مقاله را در ایران معرفی کنند! حکومت حتی فرصت کنند به دمکرات نمایی نسیه شان افتخار کنند! این که این فرصت برای خاتمی و حکومت اسلامی چقدر است، البته پیش بینی نیست. اما یک نکته روشن است. مستقل از اینکه چه نوع حکوم و یا چه کاریش ایدئولوژیک و سیاسی ای قدرت را در دست بگیرد، همان که سرنگونی دولت متعهد به قانون شاهنشاهی بساط سلطنت را در هم پیچ و بازگونی حکومت متعهد به قانون اساسی اسلامی هم بساط مذ و حکومت مذهبی را از صحنه سیاست ایران جم خواهد کرد.